مرمی های هاوان ، توپ خودرا بدشمن نزدیک بسازند
ویا ازدشمن دوربسازند .

۶ـ سلاح های ضدتانک بهقدمهٔ اول بایدجا بجا
شودوسلاح پیاده درقدمهدوم جا بجا شوند .

۷ـ ماشیندارهای دافع هوا ازقبیل زیکویک
دهشکه وغیره سلاح دافع هوا پشت سرهمهقوای مجاهدین
جا بجا شوندکهقدمهٔ سوم یا خط سوم را دربرگیردودروقت
خطربالای مجاهدین کهازطرف هوا ویا زمین حمله
صورت می گیرد ،آتش دوامدا ربالای دشمن کرده
بتوانندودشمن را ضربهبزنندوبرادران را درحمایه
خوددا شتهباشند .

۸ـ سلاح های دافع هوا قسمی جا بجا ودا خل موضع
شوندکهدروقت انداخت آتش قیچی را بالای قوای
هوائی دشمن تشکیل بدهندوازطرف دیگرکوشش شود
کهیک پردهآتش مقابل طیارات جنگی تشکیل کرده
ومانع دخول طیارات دشمن بهساحهٔ نفوذخودشویم

نوت :

آتش قیچی سلاحهای دافع هوا مانعدرآمدطیارات
دشمن درساحهٔ نفوذی ما شدهمیتوانندوماراازتعرض
هوائی دشمن وضربهزدن آنها درحمایهنگاهکرده
میتوانند .

ستروا خفاء :

عبارت از آن مانع دیداست که ما خودرا درتحت ویا عقب آن قرارداده وخودوسلاح را همرنگ اراضی ساختن ستروا خفاء میباشد.

ستروا خفاء عموما " مانع ویا شفاف وباریک میباشد که ما خود ،سلاح ومهمات ووسایط خودرا درتحت وعقب آن قرارمیدهیم ،ستروا خفاء از آتش دشمن ما را محفوظ ساخته نمی تواند ،تنها ازدیددشمن پنهان شده میتوانیم،طورمثال سبزیجات ،برگ های درختان قدیفه‌خودما ،پرده‌های نازک ، تورهای ستروا خفاء بته‌های گل وخار ،بته‌های کچالو ، کدووغیره‌وسایل ستروا خفاء می باشند.

ستروا خفاء طبیعی :

۱- بته‌ها ،درخت‌ها ، ابرهای روی زمین وغیره.
۲- ستروا خفاء صنعی ،تورهای ستروا خفاء ،پرده های باریک ، چادرهای‌مجاهدین به‌همرنگ اراضی باشند.

ترتیب ستروا خفاء :

ما به‌ترتیبی خودرا ازدشمن مخفی میسازیم‌که قبل ازفیروآتش ما را بدیدونظرا ول خوددشمن دیده وپیدا کرده‌نتوانندوهیچ فکرنکنندکه‌درینجا کسی

ویا چیزی قرار دارد ، در ستروا خفاء آرا مگرفتن شرط است .

۱- برادران ما درجائی ستروا خفاء کنندکه به خوبی بتوانندخودرا همرنگ اراضی ساخته وارتباط دیدن ونظرکردن با دشمن برقرار باشدتا دشمن ما را غافل نگیرند .

۲- مجاهدباید قسمی خودرا ستروا خفاء کنندکه از ترصدودیدقوای هوائی دشمن وقوای زمینی محفوظ باشند ،کوشش زیاد شودکه درین حالت هما زحرف های بلندوحرکت های بیجا اجتناب شود .

۳- در ستروا خفاء ازکشیدن سگریت ،روشن کردن آتش ، روشن کردن برق دستی ، روشن ساختن حصه سلاح جلا دار ، مثل : میل تفنگ ،برچه ،ساعت احتیاط زیاد شودتا دشمن نبیندوباعث افشاء شدن ما نشود ،بنا " ازعمل کردن به‌چیزهای فوق جدا" خودداری شود .

۴- زمانیکه دراثنای روزویا روشنی شب طیارات جنگی‌میخواهندبالای منطقه‌وموضع‌های ما بمباندازی نمایندوتوسط راکت ودهشکهٔ خودفیروآتش مینمایند ما درین حالت قوماندهٔ ستروا خفاء را به همه برادران صادرسازیم‌تا همه‌تا مسپررا اجراء وعملی نمایند .

۵- تا مسپردروقت آمدن طیارات قرارشرح ذیل می شود .:

الـف : برادران همه‌تا معلوم‌شدن طیارات آماده‌گی تام‌سپررا بگیرندوقبل ازساحهٔ تاثیر فیروآتش نفوذی طیارات ، خودرا بطرف زمین دراز بکشندوقسمت جلادارسلاح خودرا ، ساعت خود ،زیرتنهٔ خودبنمایدوحتی به‌چشمها مستقیما "بطرف طیارات دیده نشود ، ارتباط یا باکنج چشم با طیارات ـــ چها راطراف وجوانب باشد تا ازطرف پیاده‌دشمن ضربه نخوریم‌ودرمحاصره‌ا یشان قرارنگیریم .

ب : سلاح‌ها ی دافع هوااگربه‌تعدادزیادباشد کوشش شوددریک خط مستقیم‌بالای سرجبهه‌یا پیش روی جبهه‌جا بجا وموضع اخذشود .

ج : واگرسلاح دافع هوادومیل ویاسه‌میل مــی باشد ، بشکل مثلث رویش بطرف دشمن وخارج ساحهٔ دوست داخل موضع شوندوهرسلاح شریدخودرا تحـــت آتش بگیرندوپردهٔ آتش درحصهٔ شریدخودش مقابـــل طیارات تشکیل شودوتاحصه‌وحدی که‌حق دارندفیـــر نماینددیعنی به‌خط مستقیم‌درمرکزسلاح دافع هــوای مازاویه (۹۰)درجه‌را با هدف بسازند ،یعنی تاحصه پا را مترحق دارندکه‌بالای دشمن آتش نمایند .

د : واگرسلاح ها ی دافع هوازیاددا شته‌می‌باشیم هرسلاح بفاصلهٔ پنجصدمتری باید ازهم‌دورنصب شوند وآتش شان قسم‌قیچی هدف را بگیردوبرای ازبیـــن بردن یک هدف اقلا" سه‌صدفیرصورت بگیردتا هــدف

از بین برود.

ه : کوشش شود تا سلاح های دافع هوا در عقب دوشاخه های کوه، در عقب یک شاخه نصب شود و موضع گرفته شود، بخاطر اینکه طیارات دشمن همه وقت از راه دوشاخه کوه ها می آیند و بالای موضع ها و هستی ما قرارگاه و مرکزیت بمباردمان می کنند.

ز : قبل از رسیدن طیارات جنگی به موضع نفوذی مرمی ها، اشخاص مترصد را با آلهٔ ترصد و دوربین وظیفه دار ساخته با شیم و در صورت بروز طیارات مترصد بما اطلاع بدهد و قوماندان دافع هوا امر آماده باش فیر و آتش را به مجاهدین صادر کنند و بمجرد رسیدن طیارات در ساحهٔ موءثر مرمی دافع هوای ما فیر و آتش شروع شود.

و : برای اطلاع و خبر دادن مجاهدین بین فاصلهٔ سه الی چهار متر بی سیم، تیلفون، عیار باشد و در صورت توان و بودن رادارهای مدرن در منطقهٔ ما نصب و به فعالیت مشغول باشند و از اجراآت خود به مرکزیت اطمینان بدهند.

خ : قبل از معلوم شدن قوای هوائی مجاهدین در بین خویش پلامه های مخصوص، طیارات آمد، دو طیاره آمد، طیارات زیاد آمد، طیارات به جهت ما آمدند طیارات از ما دور می شوند، طیارات باردار هستند طیارهٔ کشف آمد، هلیکوپترها آمدند، را با خود

داشته باشند و در موقع معلوم شدن قوای هوائی دشمن ازجائیکه برادر مترصد موظف است به مرکزیت اطلاع بدهد، یا توسط خبررسان ویا توسط بی سیم تیلفون ، وغیره وسایل خبری .

د : برادران مجاهد کوشش کنند، وقتیکه طیارات جنگی درساحهٔ موضع نزدیک شد، مستقیم بطرف طیارات چشم خود را ندوزند .

نوت :

وقتی که هلیکوپتر زرهدار دشمن از بالای سر موضع ما بیست الی سی متر دور شدند، درین وقت مجاهدین بالایش انداخت ضربوی نمایند .

۱ـ از عقب هلیکوپتر، پروانه اش (چرخ خورد عقبی اش) تحت فیر و آتش قرار گیرد .

۲ـ قسمت بالائی بال هلیکوپتر باندازهٔ دوفت ویا چهل سانتی متر میشود، آنجا تانکی مواد سوخت است، هدف گرفته شود، طیاره از بین میرود .

۳ـ قسمت پیش روی هلیکوپتر یا سرکابین یعنی پوش موتور نشان گرفته شود و بعداً " فیر شود .

۴ـ قسمت عقبی برج خورد هلیکوپتر تقویه کننده ها نشان گرفته شود و فیر شود .

۵ـ قسمت پیش روی موتور هلیکوپتر یعنی بالای شیشه پیش روی پیلوت اگر مرمی اصابت کند هلیکوپتر سقوط می کند .

۶- هرگاه مجاهدین درموضع های خودکه با لاتر از هلیکوپترقرار میگیرند همه مجاهدین بالای هلیکوپتر را انداخت کنند، سقوط هلیکوپتر حتمی است

۷- طیارات میک، جیت، میراژ، اگرسرعت آنها بطی میشود ودرساحهٔ تاء ثیرمرمی ما قرار می گیرند، بالای طیارات انداخت شود، پروا ندارد سلاح خفیفه یا شدیا ثقیله، بمجرداصابت مرمی طیاره سقوط می کند.

ارتباط:

عبارت از بهم پیوستن برقرارشدن افهام وتفهیم بخاطریک هدف که بین قوای مقابل ودوست بوده وبشکل های مختلف اجراء می شود.

۱- روی عهدوپیمان دوجانبه قبلا "هردوجانب با هم می بینندویک مفهوم ویا یک مطلب را بین خود تعین وقرارداد مینمایند.

۲- ارتباط بی سیم، تیلفون، مخابره روان نمودن وفرستادن افراد، فیرشدن فشنگ مخصوص با رنگ های مختلف آن، فیرکردن یک یا چندین مرمی بوقت معین ازجای معین فیرصورت میگیرد، بنا " به چیزهای فوق میتوانیم ارتباط را با دوست یا شدیا دشمن قایم نمائیم.

۳- ارتباط دربین یک فرقه، دربین یک جمعیت

انقلابی ، دربین یک گروپ دربین قوای دوست روح آنها بوده که درحقیقت کارا رتباط اعصاب اردو می باشد و دربقای قوای دوست ارتباط روح زنده قوای دوست می باشد و به انواع مختلف قایم شده میتوانند :

الف : ارتباط توسط بی سیم .
ب : اربتاط توسط تیلفون .
ج : ارتباط توسط خبررسان .
د : ارتباط توسط اشاره .
و : ارتباط توسط فلامه .

۴- وقتی بین برادران مجاهد ارتباط موجود نباشد ،یک بی نظمی مطلق با رخ دادن جنگ با دشمن بمیان می آید ،سبب پریشانی مجاهدین وسبب بدبختی وازبین رفتن آنها می شود ،بنا "مجاهدین بخاطر حفاظت خود ،بقای خویش ارتباط را دربین خود درسخت ترین حالات جنگ حفظ ونگهداری کنند .

تدابیر تحفظ :

الف : زمانیکه ازطرف دشمن گاز خفه کن ،زهر آلود ، اشک آور وخنده آور استعمال میشود ،کوشش شود اگر ماسکه گاز ودیگر سامان مثل لحاف باید پوشیده شود .

ب : درصورت نبودن سامان تحفظ مجاهدین

فورا " پروت کنندوکوشش نما یندکه‌خودرا درچقوری که‌عمودبا شدویا دره‌ٔ که‌جریا ن هوا موجودنبا شد برسا نندوتا گا زا ستعما ل شده‌گی آنها راا زبین نبرد

ج : درصورت بودن آب وقتیکه‌گا زا ستعما ل میشود ،مجا هدین یک تکه‌را ترنموده‌به‌بینی ودهن خودبگیرندوا گردریا موجود بودوآب با زی را یا د دا شتند ،فورا " خودرا درآب بیا ندا زندویک غوطه بخورند ،درآب تا ٔ ثیرگا زکم‌می شود .

د : وقتی که‌گا زا ستعما ل میشودمجا هدین قسمی پروت کنندسرشا ن با ستقا مت وزیدن گا زنباشد یعنی با دگا زرا به‌جهتی که‌مجا هدا ست نیا ورد ،درین وقت تا ٔ ثیرگا زکم‌میشود ،به‌مروردیل تا ٔ ثیرگا ز ا زبین میرود .

ا نوا ع گا زها :

۱ـ گا زسوزنده‌که‌تما م‌وجودا نسا ن با ا ستعما ل آن می سوزد .

۲ـ گا زخفه‌کننده‌که‌گلوی ا نسا ن را خفه‌میسا زد .

۳ـ گا زا شک آورکه‌با ا ستعما ل آن ا زچشم‌ها ی ا نسا ن ا شک میریزد .

قبل ا زا ینکه‌درتحت فشا رگا زها ی دشمن قرا ر بگیریم با یدا زوسا یل وسا ما ن تحفظ کیمیا وی ا ستفا ده‌شودتا دروقت ا ستعما ل گا زها ما هم‌تحت

تا ء شیرگا زقرا رنگیریم وتوا نسته با شیم بخود با شیم
بنا " شرط مهم است در وقت و استعمال گاز از سامان
تحفظ کیمیاوی استفاده شود .

گــــــزمــــه :

۱- عبارت از حرکت کردن از محل قرارگــــاه
با وجود داشتن اسم معرفت بخاطر معلومات گرفتن
همه منطقه از دوست شروع تا سلاح ، مهمات ، افراد
پیاده نقاط بارزجنگی ، موضع های برادران ،
سلاح کوت ، نظام قرآول خط اول آتش ، همه داخل
منطقه ، ساحهٔ نفوذ ما ، دیدن همه سرگروپ ها
دیدن راه آمد ورفت دشمن ، جای مواد رتزاقی خود ما
روغنیات وسایط موترها ، همه هستی وموجودیت ما
که در ساحهٔ تحت نفوذ وکنترول ما است ، آنها را
اول می بینیم وبعداً از امنیت همه چیز خویش را پور
مطمئن را بدست می آوریم که چنین عملکرد گزمه است

۲- گزمه بخاطر اطمینان وتسلیت ما در منطقه آغاز
وبا جمع کردن راپور امنیت وخطرات از داخل وخارج
وهمه جوانب قطعه خود ما ختم می شود که چنین ارتباط
قایم ساختن دربین قطعه وقوای دوست مستحکم ساختن
محیط خویش را قوی میسازیم .

۳- بعداً ز ختم گزمه تمام گزارشات داخل قطعه و
خارج باید محفوظ باشد وتنها را پور مکمل آن بمقام

چنانچه همه میدانیم این چندین سال است که مردم مؤمن افغانستان بخاطر دفع تجاوزیکی از بیرحم ترین دشمنان بشریت (روس جنایتکار وپلید) قیام کرده ومصروف پیکار هست، قیام وپیکاری که بدون دسترسی وبرخورداری از شعب مختلف دانش مربوط به آن، نمیشود همان مسیر اصلی ومطلوب را طی نماید وبه نفع این ملت تمام شود، این کاملا" از بدیهیات است (البته در نزد صاحبان بصیرت) تا سحاب های جهل ونادانی با تشعشع ودرخشش آفتاب درخشنده وتابناک علم ودانش نه سوزند، تا این همه ظلمتهای ویرانگر ناشی از جهل ذردریای کتم وعدم پرتاب نگردد، تا تمام کدورتها وملالتهای ناشی از آن از صحنه وجود جامعه پاکسازی نشود، رسیدن به هدف وآرمان اسلامی ما نهایت دشوار است.

امروز این ملت درحالتی بسرمی برد که نقشه های بس شوم دشمنان اسلام (استعمار جهانی) صحت وسلامتی جسمی وروانی نه تنها مردم افغانستان بلکه تمام جهان اسلام را از دستش ربوده وپیکرش را علیل وبیمار گردانیده، امروز ما به امراض وبیماری گوناگون اجتماعی مصاب هستیم، مگر بیماری جهل ونادانی درصدر آنهمه رنجها قرار دارد، امروز همگی ادعا میداریم که مجاهد ومبارز هستیم واز یک ناحیه حق بجانب هم می باشیم، زیرا همه قیام کرده ایم

مسوول درقرارگاه وهسته مرکزی به شخص مسئول آن ـ سپرده شودوکوشش شودکه گزمه کننده دروقت گزمه خودوقوای دوست راافشاء نسازد.

۴ـ گزمه کنندگان اشخاص مورداعتمادومطمئن وباتقوی باشندکه دروقت گزمه بکارهای باطل ونامشروع آغازننمایندکه ازیکطرف وقت ضایع میشودوازطرف دیگردرهمان وقت تعین شده گزمه کننده هابمقام مسئول راپورخیریت واطمینان رادا ده ورسانده نمیتوانند.

نوت :

خلاصه گزمه عبارت از حرکت کردن درداخل ویاخارج منطقه وراپورامنیت وخطررابه آرامی وبرخوردبدست آوردن بوده که بخاطرمستحکم بودن قوای خویش محیطی که بودوباش داریم ،امنیت وارتباط آنرا زنده نگه میداریم که این حالت مابشکل مخصوص واسم معرفت مخصوص تواءم است ،میتوانیم دوست را ، ازدشمن جداسازیم.

۱ـ برادران دروقت گزمه کوشش بخرچ دهندکه اطراف خودرایعنی سمت پیش روی جناح راست جناح چپ راازنزدیک شروع بطرف دورترصدکرده وپیش بروندوازطرف عقب خودهم باید مطمئن باشندتادر حملهء کمین دشمن قرارنگیرند.

۲ـ گروپ گزمه سخت ترین حالت راطی مینماید

خصوصا " گزمه درحصهٔ جنگل ها ،دامنه کوه ها ،دربلندی وچقوری ها ،درگولائی ها ،خیلی خطرناک بوده ،بنا " باید افراد گروپ گزمه پیاده با سلاح اتوماتیک ماشیندارهای خفیف ، تفنگچه ،بم های دستی،چراغ های مخصوص برای اشاره که از ضروریات گروپ گزمه میباشد همراه خودداشته باشند .

۳ــ گروپ گزمه درشب بایددونفررا با وسائل سلاح ومهمات پیش روی گروپ گزمه بفاصلهٔ بیست متر روان کرده ودرحال رفتن به پیش باشد وبعدازاراپور اطمینان بگروپ گزمه ، گروپ گزمه با دیدن همه جانبه خصوصا " جناح راست وچپ وپیش روی را بدقت ببینند وپیش بروند .

۴ــ گروپ گزمه درروزنفرهای مترصد خویش را به فاصلهٔ پنجاه تا صدمتر پیش بفرستند ،ونفرهای مترصد بعدازبررسی درست ودیدن طول راه راپورصحیح بخاطر اطمینان برای خودگروپ گزمه بدهندوگروپ گزمه با حاصل کردن راپورحاصله مطمئنانه وبادیدوترصد خویش پیش بروند ،باتصادم آنی همراه دشمن گروپ گزمه حالت جنگ وفرار را با خودبگیرندوکوشش نمایند که جنگ دوامدار با دشمن نکنند .

شمــــــال چنـــــدنوع است :

۱ــ شمال حقیقی عبارت از استقامت است که بـــا

دیدن ستارهٔ قطب تثبیت میشود واستقامتی را که ستارهٔ قطب نشان میدهد ،شمال حقیقی است .

۲ـ شمال مقناطیسی عبارت از استقامتی است که ابرهٔ پوصله نشان میدهد ،شمال مقناطیسی است

۳ـ شمال شبکه عبارت از استقامتی است که خطهای خریطه نشان میدهد .

استقامت : عبارت ازجهت وسمتیمعمول جغرافیائی می باشدکه ما چهارسمت وطرف را میشناسیم :

۱ـ شرق .

۲ـ شمال .

۳ـ غرب .

۴ـ جنوب .

بناً بخاطرپیداکردن استقامت برای هرنفر ضروری میباشدتادراراضی ناشناخته ونابلدبه مشکل روبرو نشویم بایددرشناختن استقامت مهارت شرایط ذیل را درنظرمیگیریم . :

۱ـ درجائی که ما راه گم میشویم ،استقامت را ، پیداکرده نمیتوانیم باید ازآثار وچیزهای موجود درآنجا استفاده شود ،قبرستان را کوشش شودپیدا ، کنیم ،دست راست ،ما بطرف سرمیت ودست چپ ما بطرف پای میت قراربگیرد ،پیش روی ما غرب ،دست راست

ما شما ل ، دست چپ ما جنوب وپشت سرما شرق میبا شد .

۲ـ برا ی پیدا کردن سرمیت که بکدا مطرف ا ست با یددوقرزن ومردموجودبا شدکه هردونشا ن سنگ مرد به تیغه با لای قبرا یستا ده می با شدونشا ن سنگ قبر زن هردویش یکسا ن نمیبا شد ،نشا ن سنگ سرش به تیغه می با شدونشا ن سنگ طرف پا یش به عرض یا بروی ا یستا ده میبا شدوبعدا "ما بطرف نشا ن سنگ تیغه قبر زن دست را ست خودرا برا برمینما ئیم که دست چپ ما بطرف نشا نهٔ سنگ بعرض قرا ربگیرد . پس همینجا ست که درمی یا بیم که د ست را ست ما شما ل ودست چپ ما جنوب ا ست وطرف روبروی ما غرب وپشت سرما شرق میبا شد .

۳ـ پیدا کردن ا ستقا مت درشرا یطی که ما جهت را نمی شنا سیم با یدکوشش شوددرمحل نزدیک ا گر کدا م خرا به موجودبا شد ،آ نجا شا یدمسلما نها زنده گی کرده با شند ، مسجدرا جستجوکنیم تا ا زمحرا ب مسجد که بطرف شرق بیت ا لله شریف ما قرا ردا ریم ،حتمی محرا ب مسجدغرب ا ست ،با پیدا کردن یک سمت ،ما سمت ها ی دیگررا پیدا کرده میتوا نیم .

۴ـ ا ستقا مت را ما میتوا نیم توسط درخت ها ئیکه درنزدیک ما قرا ردا رندد ریا بیم ،درخت ها همیشه نسبت وزیدن با دبطرف جنوب ما یل میبا شند .

۵ـ ا ستقا مت را توسط خا نهٔ مورچه میتوا نیم

دریابیم، مورچه‌ها نسبت وزیدن باد، از استقامت شمال از سمت شمال خاک خانه‌خویش را بطرف جنوب می کشند و طرف جنوب خاک کوت میباشد.

۶- پیدا کردن استقامت توسط ساعت در موقع روز آفتابی ما یک چوب بسیار باریک را در بین زمین محکم و چوبک از خود سایه تولید میکند و بعداً ساعت را طوری بزمین میگذاریم که عقرب ساعت گرد به استقامت سایه همان چوبک تطبیق شود و بعداً از آن فاصله بین عدد ۱۲ ساعت و عقرب دقیقه‌گرد نصف می شود در ین وقت استقامت شمال و جنوب پیدا میشود.

انفجار:

هرگاه یک ماده جامد یا مایع به اثر شعله، ضربه، اصطکاک، جرقه و یا فیر مرمی و دگرگونی سریع در آن ایجاد شود، در نتیجه مقدار زیاد حرارت و گاز تولید شود، و اینجاست تواء م با صدای مهیب تخریب همراه با شد و موج انفجاری بوجود آید انفجار نامیده میشود

تخریب:

عبارت از عملیاتی است که با استفاده از مواد منفجره، احتراق برای از بین بردن استحکامات و امکانات دشمن انجام می گیرد و بنام تخریب یاد می شود.

محـــــل تجمــــع :
عبارت از نقطه و جائی است که قبلاً از طرف خود ما تعین شده است که قبل از عملیات قوماندان و شخص مسئول قوماندهٔ برای مجاهدین معلومات خصوصی میدهد و مجاهدین در نگهداری آن نقاط با رزحیاتی، سیاسی و اجتماعی خویش کوشش مینمایند تا آن محل تعین شده را افشاء نکرده و افراد و قوای ما را در حالت برگشت از عملیات نظامی همه بتوانند بجای تعین شده حاضر شوند، این جای را محل تجمع می نامند.

مســـاعی مشتـــرک :
عبارت از اجراء و کوشش نمودن حل مشکلات کار، پرابلم‌های زندگی بصورت دسته جمعی بوده که همه از قوماندان گرفته تا افراد بخاطر یک هدف مشترک در یک راه کوشا باشیم تا توانسته باشیم مردم خود را به اثر زحمت کشی و رنج همگی ما از بدبختی نجات داده و اسلام با لای سرنوشت ما حاکم شود مثلاً برای بقای خود، نفع خود، امنیت خود، در محل تحت نفوذ و مرکزیت خویش وظیفه داریم تا پهره گزمه و امنیت منطقه را فعالانه در نظر بگیریم، بخاطر رفت و آمد خود ما همه مسئولیم که در تهیه کردن راه تا آنرا هموار سازیم و یا کارهای دیگر اجتماعی در آن حصه بگیریم، مساعی مشترک نامیده میشود.

مقـــاومت آخـــری با دشمن :

ازتمام قدرت دست داشتهٔ خودبصورت قاطع وفیصله کن، استفاده کرد ونیرها ی خویش را همه جا حاضرکـــردن ودررا ه کوبیدن ظلم وستم جا ضرهرنوع قربانی شـــدن خودویا دشمن راازبین بردن ، مبارزهٔ آخری بـــا دشمن است ، مجاهدین نباید حیله ونیرنگ دشمن را قبول کنند ،دشمن اگردرجنگ صلح را پیش میگیرنـــد ودرصلح فتنه درنظردارد ، بایدمجاهدین تا سرحـــد مرگ آنها را تعقیب نمایندتا نابودشوندویا تسلیـــم ما شونـــد .

۱ـ برای هرفرداز مجاهدین لازم وضروری اســـت جسماً" خودرا مبارزبسازند ، بکس بازی ،مشت زنـــی جیدووکاراته ، کونگفو ، آب بازی ،اسپ ســـواری خیزمانع ، عبوراز زیرسیم خاردار ،موترانـــــی کوه گشتی ، بالاشدن توسط ریسمان درکوه ،نیـــزه بازی وغیره تکتیک ها ی فوق برای مجاهدین رول، ارزنده دارد ،درحالت برخوردمجاهدبا دشمن ،مجاهد رابه موفقیت نایل میسازد .

را هگیـــــری مجاهـــدیـن :

برای مجاهدین لازم است قبل ازاینکه دشمن رادروسط راه توقـــف بدهند ،قوای خودرا بشکل ایجابی سلاح خودرا در ـــ

منطقه عملیات جا بجا نما یندو به مجرد رسیدن دشمن، همه برق آسا ،با یک قوماندە هرفردا زخود عمل نشان میدهد ،مثل اینکه سوچ برق زده شود همه برق های مربوط روشن می شود ، به همین ترتیب وقتیکه قطار روی جاده رسید ، هیچ یکی از افرادحق ندارند که خاموش با شند ، وعمل نمودن ووظیفهٔ خودرا بدوش برادرخودبیاندازندواین را هگیری ما البته به معلومات قبلی ورسیدگی بما رسیده است بستگی دارد

توطئه غافلگیرانه :

عبارت از آن دعوت وتنظیم نمودن وهمه افراد پاک را به حیله ونیرنگ بخاطرتحکیم بخشیدن یک طرزفکرویک هدف دردام خویش درآوردن ودرنتیجه وآخرکارهمه را فدای آرزوی شوم ونا جائزخودساختن ودست بسته وکورکورانه آنها را درنابودی مبتلا" نمودن ودرنابودی نیروی نسل جوان بحکم شریکان استعماری خویش قدم بقدم پلانها ی نابودی نسل آینده، مردم را پیاده کردن وخودوشریکان را حاکم برسرنوشت مردم ساختن می باشدکه ازراه های مختلف درا ثرزندگی ،هوشیاری ،استعماری صورت میگیردوانجام میشود ، طورمثال :

الف : پشک شناخته شده به همه اعمالش سند برتری خویش ،ریش سفیدی ،کلان سالاری ،عفو

ومعذرت ،عجزوکمینی را با چانس ونیرنگ تا زه‌دم ـ خویش با زهم‌بربالای موشک های متضرر ستم‌دیده تطبیق وپیاده‌مینماید ، همه‌را دعوت کرده‌دارد ،تا نفع ببرد .

ب : پشک با چهرهٔ آراسته وپیراسته‌با منصب بزرگواری اش امروزحاضرشده‌است تا درمیدان قصاص وعدالت حقوق همه‌موشهای بدبخت جاهل ومتضرر را ، بدهدودرین حال کجاوکی ها ،کدامین کس باید اشتراک کنند ، پس درسالون بزرگ این مهمانوازی را ترتیب میدهیم ،همه‌افرادجوان موشها صحتمندوفربه‌حاضرشوندوریش سفیدان ،مریضان اطفال لاغروضعیف معاف اند ،دیگران همه‌بیانند من امروزازنزدموشها عفومیخواهم‌ودرروزمحشردر پیشگاه‌خداوند "ج" قدرت آنرا ندارم‌که‌جواب بدهم ودرآتش جهنم‌بسوزم‌بنا " قبلا"با یدشما را دردنیا راضی ساخته‌وسندعفووبخشش ازشما بدست آورم .

ج : موش های بی دفاع وساده‌وبدون سیاست دعوت پشک ولی وبزرگوار را پذیرفتند ،همه‌باساس حواست پشک درسالون بزرگ تشریف آوردند ،با چهره سزدیک بمرگ که‌خودآنها نمیدانند ،موشها منظم وبشاش درانتظارعفووبخشش ازطرف سردارآقا ،ولی وبزرگ جدید (پشک) نشسته‌اند ،عاقبت وسرانجام تلخ ونابودی درپیش دارندولی بیچاره‌گان بامید

آزادی نشسته‌اند.

د: سالون بزرگ مهمانوازی از وجود موشها پرشده و دیگرجای برای نشستن موشها باقی نمانده پشک چه باید کند که زیاده‌تر از این وقت دادن به موش های احمق دورازهمت وغیرت انقلابی پشک میباشد هرچه زودتر شرایط انقلابی را باید حاکم نمود، دروازه بسته شود، همه حاضرشده‌اید؟ هیچکس دیگر از جوانان فربه وقوی هیکل نمانده، همه آماده‌اند که مرا به تکلیف نسازید، از طرف موشها صدای عاجزانه وآهسته برمیخیزد، بلی ما همه آماده‌ایم.

از پشک بشنوید بدبخت ها چقدر مرا عقب خودها به تکلیف میکردید و همه‌تان سوراخهای طولانی وچقور حفرکرده‌اید که همه روزدرانتظاریکی از شما روزوشب، خودرا عقب تان سپری می کردم وشب را سحرمیکردم به چنگم نمی آمدید، کمین وقا بوهمچا هلانه بودوا ینک عاقلانه با شما عمل مینمایم تا جهان است سیروآرام باشم.

ه: پشک موفقیت وپیروزی استعماری خویش را می بیند، به موش ها اینک چهره اصلی خودرا که همان پشک شناخته شده با عمالش است. به موشها اعلام میدارد، موشها! بدانید که را ه نجات ندارید، مرا خیلی ها عقب تان میدواندید وشکار میکی تان ندرتا" می بودواینک ازبرکت بزرگی، کمال وولایتم

مگربه این موضوع کمترتوجه گردیده که چه چیزقیام مارا نظم می بخشد وبه هدف وغایت اصلی نزدیکش میگردانند ، آنچه چراغ راه حرکت جهادی ومبارزاتی ما شمرده میشود چیست ؟ آیا دررا ه بدست آوردن وحصول آن اقدام کرده ایم ؟ آیا برای دستیابی آن برنامه داریم ، اگرچنین باشد تا چه حد از اجرای این امر خطیربدرشده ایم ،برخورداری کافی ازآن داریم ویا ایجاب کاربیشتر وحرکت سریعتررا می نماید .
امروزنظریکعده از مبصرین وافرادخبیربیشتر روی این موضوع تکیه وتاکید میدارد که هرکدام ما قبل از توجه به مسایل دیگرهم وزحمت کشی خودرا بسوی مسایل تعلیم وتربیه ورشدفکری جامعه معطوف بداریم دشمن هم نسبت بهر موضوع دیگربیشتردررابطه با همین مساله فعالیت می کند ،دشمن سخت تلاش داشته ومیدارد تا نه تنها همین اکنون دوراز دانش ومعرفت باشیم که درآینده هم بایدبین ما وعلم ودانش فاصلهٔ بعیدوجودداشته باشد .
امروزکه قرن بیستم واز نظریکعده قرن تمدن ،قرن علم ودانش است دیگراین تصادفی نیست که ۹۸فیصد مردم افغانستان حتی ازنعمت سوادوخواندن هم محروم هستند ،این حاصلهٔ کاربسیارقدیمی دشمن، است .
هرگاه ما ازموجودیت چنین یک بیماری رنج نمیبر-

توانستم که از نعمت خداوندی استفاده کنم، موشها! همه تان زحمت شکار می باشید، آرام باشید، به ترتیب میخورم شما را، از این بدبخت تر روز و مصیبت آور کدام روزی دیگر برای موش ها موجود خواهد شد.

نوت:

در وطن و مملکتی که استضعاف همه اشکال بالای مردم حکومت کند، افراد آن همچو موش های متضرر، ضعیف و بخیل بوده و سرانجام بچنگال پشک صاحب ولایت و بزرگی می افتد و راه نجات جز مرگ منفی و ناکام نفع اخروی و پاداش ندارند.

۱- بناء" مجاهدین موء من و مسلمان افغانستان با یدچهره اصیل اسلام را بشناسیم، آگاهانه و دانسته از اسلام اطاعت کنیم، تقلیدهای طاغوتی وجاهلی را بگذاریم و دامهای حیله گران را با زنجیرهای پولادین آنها بشکنانیم، زنده و سرسلامت بحلقوم اژدها فرونرویم.

۲- دشمن را از طرز فکر و اندیشه او با یدبشناسیم خوشباوری و اعتماد بهرکس را بخودراه ندهیم، پلانهای تازه دم دشمن برادران مجاهد م درکمین بالای سرنوشت ما می باشد، نبایدکه پیاده شود و ما را به ضعف دوست دردام شکار گرفتار سازد. ما مجاهدین متکی بخود باشیم و معاونت و نصرت از خداوند "ج" بخواهیم.

۳- تعهد و قرار داد استعماری را هرکسی که مخفی

نموده باشند مامجاهدین موءمن افغانستان به هیچ وجه قرارداد استعماری را قبول نداریم ولو از هر منبع و مقامی که باشد، با قرارداد استعماری سازش نمیکنیم و آنرا حرام میدانیم، بخاطر اینکه نابودی موجودیت ما، عقیدهء ما، ایمان و اسلام ما به نظر گرفته شده در این تعهد و قرارداد عملی و پیاده میشود.

۴ـ در افغانستان حیله ها، نیرنگ ها قبل از انقلاب وجهاد اسلامی افغانستان بکار رفته بود، مردم ما را اغوا کرده بودند که امروز دچار همه فشارها بمباردمان، قتل، سوختن خانه ها، آواره شدن مردم بی گناه، دادن هزاران شهید، حاصل آن حیله و نیرنگ ها ی پشک ها ی ولایت مآب زمامداران خود فروخته وخودباخته قبلی بود که ما اکنون رنج میبریم وخورد میشویم، و اکنون در جریان جهاد متوجه بخود و مردم باشیم.

۵ـ ما مجاهدین باید سرنوشت زندگی اسلامی خویش را از تسلط همه ستمگران بدون قید و شرط بدست ملت خویش بسپاریم و ملت را بپا ایستاد کنیم، تا ملت ما متکی بخود و آزاد باشند.

فلامه:
عبارت از آن اشاره و نشانه ئه مخصوص است که صورت تثبیت شدهء وی قبلا" برای دوجانب ثابت و معین باشد، مثلا" اگر ما بتوانیم از

فاصلهٔ دوهزارمتری ببینیم‌نمائیم ،درین حالت لازم‌است که‌کودیا شفربی سیسم‌نزددوطرف ماموجود باشدویا اینکه‌ازفاصلهٔ پنجصدمتری ماتوانسته باشیم‌دوست راازدشمن بشناسیم با شفریکه‌قبلاً" تعین کرده‌ایم ،عبارت‌ازفیرهای ما برای دقیقه تا فیردوم ما بعدازیک دقیقهٔ دیگرصورت بگیرد ،ما درین حالت روی شفرتعین شدهٔ خودمیدانیم‌که‌دشمن هجوم‌آورده‌ویا عقب نشینی دارند ، وقبل ازرسیدن قوای دشمن تدابیرتعرض وامنیت محل بودوباش موضع وازسنگرخودرا میگیریم‌یا ساده‌تربگویم ،فلامه جسم‌ماده‌جلادار ، رنگ داربوده‌که‌ازیک نقطه‌بازز ونیرنگی میتوان قطعه‌وافرادرا توسط فلامه‌قوماندہ را فهماندوبه‌آن عمل کرد .

الف : درنقاط بارزنمبر (۱)نشان تکه‌سرخ ما علامهٔ شروع جنگ با دشمن را نشان میدهد .

ب : درنقاط بارزنمبر (۲)تکه‌سیاه‌شکست دشمن را نشان میدهد .

ج : درنقاط بارزنمبر (۳) نشان تکه‌بالاشدهٔ سبزعلامت موفقیت را نشان میدهد .

د : درنقاط بارزنمبر (۴)تکه‌سفید علامت صلح وآرامش موٴقتی را نشان میدهد .

هـ : با لاشدن شمشیربشکل تیغه‌وراست حالت حاضربودن ومقابله‌با دشمن را نشان میدهد .

و : با لاشدن شمشیرا زطرف ما ویا دشمن بشکل عریض دوا نجا م آن بدست گرفته شده با شد ،قبضه ونوک، شمشیر بدست با شد حالت اسیرگرفتن دشمن را نشان میدهد .

ز : با لاکردن شمشیر یا با لاکردن تفنگ به اطراف سرخود درحرکت درآوردن غلبه وفشار بالای دشمن را نشان میدهد .

خ : با لاکردن شمشیر ویا تفنگ بشکل عادی آماده هرنوع قربانی وایثار مقابل دشمن بوده که قبضه شمشیر وتفنگ بطرف پائین وسرآن بطرف بالا باشد قسمیکه از خود ما دورگرفته شده باشد .

ارتباطی ما دربین دشمن به چه ترتیب باشد :

ارتباطی ما دربین افراد دشمن عبارت از آن فرد مطمئن ،با تعهد ،همنظر ، هم عقیده وهمفکر ،ما بوده که قبلاً "بخاطر فعالیت مخفی وزیرزمینی بدون اینکه شناخته شود ، ویا خودش بکسی خودرا معرفی کند ، از طرف ما تعین شده است که برای وی وظیفه منظور هدف خویش را سپرده ایم ودراجرای برنامه مشخص تعین شده ارتباطی با ما مسئولیت داردبا ما همکاری و معاونت مشترک خویش را تا اندازهٔ قدرت خودبنماید ودرصورت لزوم دشمن را ازدرون ضربه بزندونابود نمایدوبعدازاتمام فعالیت ،فعالیت خودرا بما

فعالیت خودرا بما گزارش داده وبررسی نماید، تا ما تواسته باشیم، روی فعالیت ورا پورهای مستند وی معلومات حاصله را حل مشکل نمائیم.

۱- نفرارتباطی دربین قطعه دشمن کوشش نماید که چهره اش افشاء شده نباشد، وهمه کس اورا نشناسد از افراد هوشیار، پائین به بالا ارتباطی وظیفه خود را شروع کند، بوسیله رساندن مطلب بدوست باشد.

۲- نفرارتباطی ما باید قبلاً" درطرزفکر، عقیده ولسان دشمن معلومات داشته باشد وقسمی به آنها خودرا نزدیک بسازد، دشمن اورا ازخودبداند وشریک کارمساعی دشمن قرارگیرد تا زنزدیک درتمام مکار های آنها سهم فعالیت را کسب کرده ورازآنها را با خود حاصل داشته باشد.

۳- نفرهای ارتباطی ما نباید دربین قوای دشمن آنجا که وفادارا ن طرزفکر، عقیدهٔ دشمن موجوداست بیان حقایق را کند بلکه با چهره آنها تا حدی که اسلام اجازه میدهد، سازش کند وکوشش نماید که افرادرا پر علیه دشمن بشورانند، وبه قیام وادارنماید وآهسته آهسته طرفدار بخودپیدا کرده، یکروزافراد دشمن را، بیک بهانه مقابل دشمن بسیج نماید وباخلق کردن توطئه از قدرت دشمن بکاهد.

۴- نفرارتباطی ما باید کوشش کند که قدرت رهبری وکلیدرا زدشمن را تا حدامکان دربین دشمن بدستش

بیا یدودردا دن نظردرا جرا ئیه قوا ی دشمن نظـــر مخا لف را بخوددرموقع که حسا س ا ست بگیردو مقا بـل آ ن قدرت دشمن که وا قعاً "کا رمیکند ،ما نع وسدشـود ویا آ نرا تخریب عا قلانه نما ید .

ا منیـت منطقـــه چطـورگرفته میشود :

مجا هدین درشنا خت خود ،شنا خت را ه خود ،شنا خت منطقه ،ا ندا زه ٔ قدرت ا فرا دوسلاح ،پا یگا ه خویـــش بیک شنا خت عینی ظا هری ، درونی ،فکری ومعنـوی ضرورت عا لی ودوا مدا ربکا ردا رندکه نقا ط بـــا رز ، نیرنگی ،ا فرا دفعا ل ،ا فرا دضعیف ،ترسووخوفنـا ک را همه بشنا سیم وا زطرف دیگردوست را ا زدشمن فـــرق کرده بتوا نیم تا دشمن بشکل ما جا سوس ،را پورچـــی ونفرخویش را دربین ما موء ظف سا خته نتوا نندتا مـــا ا زدرون هرچه که با ما ا ست ضربه نخوریم ودشمن ا طـلاع مکمل بدست ندا شته با شند .

۱ـ قوا ی خویش را ما مجا هدین بصورت منظم پوسته پوسته سا خته ونقا ط مربوط را بین مجا هدین گروپوا ر تقسیم می کنیم وبه ا ندا زه ٔ سلاح خودا زنقطه تعین شده دروقت خطروآ مدن قوا ی دشمن دفا ع می کنیم ورا پور شفری بین ما برقرا رمی با شدتا ا طمینا ن ما زنـــده وقوی با شد .

نقطه‌ء نیرنگی :
عبارت از آن نقاط ومحل معلوم و آشکاریست که مقابل ما قرار دارد که ما آنرا بدیدا ول خویش بچشم سر و یا دوربین مشاهده می کنیم مثلا" : در آمدن یک نفر روسی که با یونیفورم مشخص و قیافه جدا از ما دیده میشود، دربین مجاهدین نقطه بارز و و نیرنگی میباشد و یا دیدن ما بار اول از خواجه مسافر علیه الرحمة" تا کوتی ستاره‌ء پشه‌ئی پغمان مشاهده میشود که همین کوتی ستاره نقطه نیرنگی است که این نقطه را نقطه بارز هم گفته می توانیم .

اسم معرفت :
عبارت از قرارداد، انتخابی است که از طرف قوماندان قرارگاه و افراد مسئول قواء وضع و تعین میشود و به سلسله‌ء مسئول بودن افراد کارکنان بر آنها میرسد و از نگهداری راز تعین شده با قیمت خون خود مسئولیت داریم، دفاع شود که کلید مستحکم قطعه ما یان بدست دشمن نیفتد، در حالت اضطراری با افشاء شدن اسم معرفت، اسم معرفت فی الحال عوض شود، و به همه افراد دوست رسانده و تفهیم شود .

ترصد :
عبارت از دیدن و پالیدن اطراف، پیش روی و عقب بوده که از نزدیک شروع و به

طرف دورا دا مه‌دا دن است .

۱- درترصدزمینی وهوائی درجائی قرارگیریم که‌شعاع آفتاب ،دوربین ،آئینه ، میل تفنگ ما را جلایش آنرا نبیند ،ما باید قسمی ترصدکنیم‌که‌به‌دید دشمن ازمحل بودوباش آنها معلوم‌نشویم ،البته از بین جنگل زارها ، بته‌ها ، عقب دیوارها ،زیر درختان ،وسدهای اراضی استفاده میشودتا دشمن را خوب تحت نظرخویش آورده‌بتوانیم‌وازطرف دیگر ارتباط ما بین دشمن وبرادران برقرار باشد .

عملیات :

عبارت ازعملی ساختن یک برنامهٔ فکری است که‌ازیک عقیده‌نشئت وسرچشمه میگیردوما آنرا مطابق برنامهٔ قبول شده‌گی پیاده کرده‌وعملی می سازیم‌که‌بحالت برخورد ،ضربه‌زدن ـ تصادمات ، پی گیرآنرا آشکارمی بینیم‌ودرچنین برنامه‌هدف ما حاکم‌شدن حق وبرچیدن بساط باطل وظلم‌است .

رفتارمجاهدین درشب :

مجاهدین ما دروقت شب بشکل قطاردولینه ،یکی عقب دیگربفاصلهٔ یکنیم‌مترومیان (منځ) نیم‌متر ازیک منطقه‌به‌منطقه‌دیگربدون غالمغال وسروصدای بی موردبه‌آهستگی ،آهسته‌گذاشتن پای بالای‌اراضی

را ه میرود و میگذرد و کوشش شود که با داشتن شفر معین همه فهمیده حرکت کنند و به هیچکس حق داده نشود که نو وارد داخل قطار ولین ما شود.

۱ـ مجاهدما در شناخت تعداد خود متوجه باشند.

۲ـ انتخاب راه نزد خود مجاهد در نظر گرفته شود.

۳ـ تعین کاشف و مترصد قبلا" شده باشد و مجاهد به جهتی که میروند مترصدین از مجاهد بیست یا بیست و پنج متر پیش حرکت کنند و با دیدن دشمن یک نفر از مترصدین برگردند و راپور مطمئن و ثابت به قوماندان یا گروپ خویش بدهند.

۴ـ ارتباط نظری را مترصدین کوشش کنند از دشمن از دست ندهند.

۵ـ در تقسمات وظیفه هر برادر است که کوشش نماید که وظیفه را بخوبی انجام دهند و مجاهدین مطمئنانه قدم بقدم پیش بروند و بجای و نقطه ای که منظور نهائی مجاهدین است تلاش نمایند و برسند و درصورت امکان اگر برادر قدرت داشت کار برادر دیگر را انجام دهد بد نیست.

کشف: عبارت از معلومات درست اخبار مکمل و مفصل درباره دشمن جمع آوری نمودن و بعدا" به مرکزیت خویش آنرا سپردن بقرار شرح ذیل

الف: کشف ذریعهٔ دوربین که تعداد برادران

ازدونفرشروع الی سه نفرمی باشد، راجع بدشمن اخبار جمع نموده وبصورت پنهانی اجراء میگردد البته این نفرها ازمحل دشمن می باشندکه با ما داخل ارتباط هستند.

ب : کشف ذریعه گروپ جنگی که این گروپ با لای سلاح ، دوربین، ساعت دستی، قطب نما ونان یک شبانه روزرا می داشته باشند، تعداد این گروپ ازپنج الی پانزده نفر میباشدکه اخبار جمع مینمایند واگرکدام جای دشمن به همراه شان مقابله کردبا دشمن می جنگند.

کشف قایم : عبارت ازگروپی میباشندکه جهت محافظهٔ چارچ های مدفون شدهٔ ما فعالیت می کنند، وهمچنان دروقت وقوع دشمن توجه تانکها را بخودمی گردانندوبرای آنها یک سد واقع میشودتا وقتیکه دشمن تلف شود.

کشف حفاظتی : عبارت ازگروپی میباشد که محافظت قوماندان را مینمایدوهم ازمحل عملیات درمجموع معلومات را حاصل میدارند.

وظایف گروپهای کشف :

۱ـ حاصل کردن اخبار دربارهٔ طاقت وقدرت.

دیم ، هرگاه ما از فرهنگ ومکتب مان آگاهی وشناخت می داشتیم وهرگاه مطابق به نهادهای مکتبی مان تربیت شده می بودیم ،دیگرامروزبا چنین یک تفرقه وپراگندگی بسر نمی بردیم ، دیگرپیکرخودمانرا به چندین پارچه وقسمت تبدیل نمیکردیم وبا زهرپارچهٔ آنرا به پارچه های دیگر .

هرگاه ما درفرهنگ ودانش خودحل می بودیم ،هرگاه ما چراغ علم ومعرفت را درهرساحهٔ اززندگی خود روشن ساخته می بودیم ،یگرازدیدگاه های تنگ وضیق، گروه بازی موضوعات را موردتحلیل وبررسی قرار نمی دادیم ،دیگربه موجودیت گروهای متعدددریک جامعه اسلامی تن درنمیدادیم ،زیرا مکتب ما دانش ومعرفت ازمکتب ما وتعهددربرابرمکتب ما ما را می گفت که مسلمانان یک حزب دارند ، وآن حزب خداست وهرمعتقد به مکتب اسلام اعضای آن ومسوول یکی دربرابردیگر .

قبلا" تذکررفت که علم هم صنف های مختلف دارد ، _ معلومات ودانش هم به شاخه های متعددتشکیل شده امروزبه حالت موجوده ما یکی ازشاخه های بسیارعمده وضروری علم ،دانش ومعلومات نظامی است که برای مبارزه وجهادسالم ایجاب آگاهی به آموزش های نظامی ،تکتیک ها ونظریات حربی ومسائل مربوط

دشمن .

۲- معلومات دربارهٔ مقدار سلاح دشمن ومحل آن

۳- معلومات دربارهٔ قوای هوائی دشمن، یعنی (سیمدار) مین ها وغیره .

۴- معلومات دربارهٔ تکتیک جنگی دشمن .

۵- معلومات راجع به هدف ما ، قدرت وطاقت دشمن درآن .

۶- معلومات دربارهٔ پهره داری های دشمن .

۷- معلومات دربارهٔ عادت دشمن که چه مصروفیت را بخود میگیرند ووقت حمله ما کدام وقت است .

۸- معلومات دربارهٔ راه رفت وآمد به هدف .

۹- تعین اهداف مانند پلها ، دیپو ، سلاح کوت ذخیره نفتی ، ذخیرهٔ مواد ترانزاقی ، مرکز تجمع دشمن ، ذخیره برق ، مخابرات وغیره چیزها .

۱۰- معلومات دربارهٔ علاقهٔ دشمن (حالت طبیعی مانند ، تپه ها ، پشته ها ، بلندی ها ، پشتیها وغیره) .

۱۱- تعین راه رفت وآمد مجاهدین ووقت پهره وگزمه دشمن .

۱۲- تعین ساعت ووقت نان خوردن دشمن . باید گروپ کشف ما بصورت صحیح ودرست موادات فوق را اطمینان بخش بدست آرند .

نوت : تعریف دیگر کشف :

عبارت از معلومات و اطلاعات حاصلهٔ ایست که ما بصورت آگاهانه از دشمن ،جای بودوباش دشمن قرارگاه دشمن ، دیپوسلاح کوت دشمن ، روغنیات تلویزیون ، مخابرات ،رادیو ،ذخیره برق وغیره چیزها را از دشمن بدست می آوریم ونقشه مکمل آن بدست ما میرسدوبرادرانیکه کشف مینمایند برآنها لازم است تا آگاه ،با سواد بوده با شندواز طرف دیگر صبروحوصله مدنظر است که در صورت رسیدن به محل دشمن بتوانند تمام جوانب وموجودیت دشمن را بررسی نمایندودرحالت دستگیرشدن رازدوست را بدشمن ندهندوافشاء نسازندوچیزیکه می بینندویا می‌شنونددرحالت کشف بدون کدام کم وزیاد آنرا به نفرهای مسئول خودبرسانندتا اجراءآتیکه درنظر است عملی شود.

تخمین مسافه ویا معلوم کردن مسافه :

۱- درصورتیکه کیلومتری فاصله برای مجاهدین ثابت نباشد ،برادران باید ذریعهٔ چشم با گرفتن یک نقطه ، که آن نقطه را ابتداء"شروع تخمین دانسته ازحصه نشانی فاصله تخمین واندازه می گیریم ،بطور مثال : از نقطه با رزنمبر (۱) طرف شمال تا نزدیک

ما سه‌صدمتر میبا شد .

۲ــ مجا هدین فا صله‌را با تعین نشا نگا ه‌تفنگ خویش را ا جراء ی فیروآ تش‌ا ندا زه‌میگیرند ،مثلا" نشا نگا ه‌تفنگ روکش را درپنجصدمترعیا ربسا زند وبعدا " فیروآ تش را شروع کنند ،مرمی تفنگ وقتی که‌با برآ مدن خودش‌ا زدهن میل به‌نقطه‌آ خرین قدرت خودرسیدودرنقطه‌ا یکه‌مرمی ا صا بت میکندا زهما ن نقطه‌شروع وتا موضع وفیریکه ،قرا ردا ریم‌پنجصد مترمیبا شد .

۳ــ مجا هدین توسط خیزا نگشت‌کلان دست را ست خودمسا فه‌ٔرا بدین ترتیب پیدا می کنند :ا نگشت دست را ست خودرا بسمت پیش روی خودتا جا ئیکه‌ا مکان دا رد ، درا زمی کندوبعدا " توسط یک چشم‌ما نند هدفیکه درتفنگ نشا ن می گیرد ،بهمین ترتیب می بیندوبا زهما ن چشم را بسته‌کرده‌توسط چشم دیگرنشا ن میگیرد ،فا صلهٔ بین هدف وا نگشت خودرا تشخیص دا ده ضرب ده‌می کنیم ،حا صل ما فا صلهٔ مطلوب ا ست .

۴ــ مجا هدین برا ی پیدا کردن فا صله‌با را ضی قدم‌میزندورا ه‌میروند ،قدم‌ها ی خویش را حسا ب میگیرندوبعدا " مجموع قدم‌ها ی خودرا ضرب سه وتقسیم‌چها رکرده‌فا صلهٔ ا یکه‌بدست می آ ید ،فا صلهٔ مدنظرمیبا شد .

۵ـ بخاطرپیدا کردن وپیدا نمودن فاصله‌چندنفر ازبرادران را ازنقطهٔ به‌نقطهٔ دیگرروان شوند وبعداً "نظریات چندبرادران درنظرگرفته‌شود نظریات نزدیک که‌با هم‌نزدیک باشد ،آنرا جمع میکنیم وبعداً " تقسیم‌تعداد همان افراد می‌کنیم ،حاصل آن فاصلهٔ مدنظراست .

۶ـ برای پیدا کردن فاصلهٔ ما فاصلهٔ اصلی را نصف نموده‌وآنرا به‌نوبه‌نصف ونصف نموده‌تا اینکه بیک واحد معلوم‌برسیم‌وبعداً " تمام‌نصف ها را جمع می کنیم ،فاصلهٔ اصلی بدست می آید .

حالاتیکه‌درتعین مسافه‌بالای
چشم تاثیر میکند

الف : هدف ها ئیکه‌ازاصل مسافه‌نزدیک معلوم، میشوند ،چنددلیل دارد :

۱ـ اگردربین ما وهدف فاصله‌پنهانی موجود باشد مانند: دریا ، پشته‌قول ،فاصله‌ازاصل فاصله نزدیک معلوم‌میشود .

۲ـ اگراهداف دردشت وسطح هموارقراردا شته باشد ،هدف‌ازاصل مسافه‌نزدیک معلوم‌می شود .

۳ـ اگرروشنی پیش روی قراردا شته‌باشد ،هدف ازاصل مسافه‌نزدیک معلوم‌میشود .

۴ـ اگرهدف دربین اجسام‌خورد ،خوردقراردا شته

باشد، از اصل مسافه نزدیک معلوم میشود.

چرا هدف از اصل مسافه دور معلوم می شود.

جواب : ۱ـ درصورتیکه درکوچه های تنگ موقعیت داشته باشد، درین وقت هدف خوردتر و فاصله از اصل فاصله دور معلوم می شود.

۲ـ اگر هدف در بین اجسام بزرگ قرار داشته باشد، هدف از اصل مسافه دور معلوم می شود.

۳ـ درحالت پروت هدف دورتر از اصل مسافه معلوم می شود.

خوبی معلوم بودن مسافه :

۱ـ درصورت تشخیص درست مسافه مرمی ما به هدف می خورد.

۲ـ بواسطه تعین مسافه درست، مرمی خوب بهدف میخورد.

۳ـ بواسطه تعین فاصله درست دشمن بدون کدام خبر از بین میرود.

نوت : بخاطر بهتر تشریح کمین خصوصیات ذیل را درنظر می گیریم :

خصوصیات علاقه های خوب کمینگاه:

۱ـ کمین از نظر قوای هوائی وزمینی دشمن پنهان باشد.

۲ـ در کمین از نظر دشمن خاطر جمع بوده و علاقه های دشوار را انتخاب گردد.

۳ـ کمین حداقل دو راه فرار و عقب نشینی داشته باشد و راه به پناهگاه نزدیک باشد.

۴ـ کمین از مناطق آباد دور از راه ها دور باشد. و در نزدیک راهی هدف نزدیک باشد.

۵ـ کمین باید جای آرام و مصئون بوده باشد واز تعرض آنی دشمن برای دو الی سه ساعت مجاهدین توانسته باشند، در حالت عادی جای خوب پناهگاه را دارا باشند.

۶ـ کمینگاه باید در جوار نزدیک قوای دفاعی دشمن که به کمک قوای متحرک دشمن به ظرف یک ساعت رسیده بتوانند قرار نداشته باشد. دور تر از فرقه و میدان هوائی دشمن باشد.

۷ـ کمینگاه باید در یک جای بلند انتخاب شود و تا ساحهٔ دید ما فراخی داشته باشد.

۸ـ کمینگاه از هدف نه بسیار دور و نه بسیار نزدیک باشد بلکه حد وسط فیر موثر ما باشد.

۹ ـ کمین گاه قسمی راه آن انتخاب شود که زمینه

فرا ربصورت فوری وآنی آماده باشدودروقت اضطراری
وخطرصدفیصد ما تحت آتش دشمن همه‌ا زبین نرویم .

۱۰- درکمینگاه کوشش شودکه‌دروقت فیروآتش ما
سلاح‌درمقابل شعاع آفتاب قرار نگیردتا ازدیدوتعرض
قوای هوائی کمی مصوءن بمانیم .

۱۱- دروقت فرارقوای زمینی دشمن مادرنزدیک
شدن قوای دشمن باشیم‌ودروقت دیگرکمینگاه‌ازطرف
ما فیروآتش بالای قوای فراری ویا متعرض دشمن
ضربه‌های متواترشروع شود .

۱۲- درگرفتن یک کمین حداوسط بایددشمن در
وقت فیروآتش مادروحشت وترس قرارگیرندونتوانند
ازقوماندە ،قوماندان وسلاح دست داشته‌خوداستفاده
نمایند .

وظایف عمده‌دریک کمینگاه :

الف : انتخاب محل بلندبرای گروپ اشاره ،
بخاطرترصد .

ب : نقاط بارزامنیتی برای جابجاشدن گروپ
اشاره‌دروقت ترصد .

ج : تقسیمات وظیفوی ذریعه‌شخص قوماندان‌باید
صورت گیردوبهرگروپ فهمانده‌شودکه‌هرگروپ بعداز
ختم‌عملیات به‌جهتی که‌قراردارندیک کیلومترمسیر
خویش رادرصورت بودن راه‌طی کنندوبعداً "ازراه‌که

مطمئن باشد درمحل تجمع خویش جمع شوند .

د : مجاهدین وقتی که درمحل تجمع رسیدند ، با گرفتن مکمل راپور امنیت وخیریت ، باید ازمحل تجمع اول درجای مصئون تر بروند .

هـ : درو قت کمین گرفتن مجاهدین ما هر فرد وهرگروپ مسئولیت داده شده را که وظیفه خود را بطور احسن وخوب بشناسند ودرآنجا جدیت وبیداری از خود نشان بدهند .

و : مجاهدین درکمین گاه قبل از اطلاع گروپ اشاره وگروپ ترصد همه باید سلاح خود را معاینه نمایند ودا خل سلاح پاک ولته کش شود وقید ویا ضامن سلاح بحال فیر وآتش قرار بگیرد که با رد وم با رسیدن قوای اخطار ویا پریشان نشوند .

ز : گروپ اشاره درکمینگاه باید تیزبین وصبور باشند که بدیگر کارها خود را مشغول نسازند وهمه باید در نقاط بارزبه ترتیب منظم جا بجا شوند وگوش به قوماندان باشند .

خ : درکمینگاه نشان حفاظتی باید بفاصله پنجصد متر دورتر گذاشته شود وتمام افراد گروپ قبلاً از آن با خبر باشند ودر جریان جنگ با دشمن مقاومت برادران نقاط بارز خیلی مهم وارزنده می باشد که سبب پیشرفت برادران درجنگ می شود .

ط : درکمینگاه ارتباط بین برادران وقوماندان

بسیار آگاهانه باشد و بشکل برق را پور خیریت و امنیت ادا ده شود .

کارهای ممنوعه در کمینگاه :

۱ـ در یک کمینگاه اگرچه محفوظ و با امن باشد نباید از یک شبانه روز اضافه سپری گردد .

۲ـ در خریطه (نقشه) نباید محل وجای کمینگاه نشانی شود که کلید بدست دشمن می افتد .

۳ـ شکل طبیعی اراضی را نباید خراب کرد .

۴ـ از سخن زدن و حرکات بیمورد اجتناب کرد .

۵ـ آتش قسمی باشد که دود نداشته باشد و باید سلاح لمبه پت داشته باشد و از مرمی رسام در کمینگاه استفاده نشود .

۶ـ در کمینگاه تبدیل عادات باید صورت گیرد .

۷ـ از تبدیل کمینگاه جز معاون دیگران باید اطلاع نداشته باشند .

۸ ـ در کمینگاه از آمدن حیوانات جلوگیری گردد

۹ ـ در فرار از کمینگاه نشانه های حفاظتی همه از بین برده شوند .

۱۰ـ اگر تعرض در کمینگاه صورت گیرد نباید بشکل دسته جمعی از یک راه فرار کرد ، اولا" برادران تیت وپرا کنده شوند و بعدا " منفردانه کمینگاه را تخلیه کنند .

۱۱ـ اسم شب هرشب تبدیل شود ودروقت جنگ اگر کمان میرفت که اسم شب افشاء شده ،فورا" عوض شود ودرروزهم بدین ترتیب عمل شود .

۱۲ـ خبررسان اشاره را فراموش نکنند وهم افراد اشاره او را فراموش نکنند ،درکمینگاه همه افراد زیرک وهوشیار با ید جمع شده باشند .

راه گیری :

عبارت از یک حمله نا گهانی بالای کاروان قوه ها متحرک می باشد وبه مقصد ذیل اجراء می شود :

۱ـ بغرض ترساندن ووحشت برای دشمن .

۲ـ بغرض تعین جهت واستقامت دشمن .

۳ـ نیرویا قوای زیاد دشمن را بخاطر محافظه کردن راه ها ، پل ها ، استیشن های رادیو ، تانک تیل مخابرات ، وغیره مصروف نگهداشته تا درمناطق دیگر از آن استفاده ننمایند .

۴ـ راه اکمالات راقط: نمودن یعنی آوردن خرچ وبعضی مهمات دیگر را بندساختن .

۵ ـ جلوگیری از معلومات حاصل نمودن وکشف دشمن .

۶ ـ مانع شدن قوای دشمن را ازتلاش های ضرر رسانی آنها برای مردم منطقه .

۷ ـ مانع شدن سنگربندی وموضعیگری دشمن

به‌فعالیتها ی نظا می مخصوصا " به‌شکل چریکی وگوریلائی را مینما ید .
ما نه‌تنها با یدیک دا نش کلی وکا فی درین زمینه دا شته‌با شیم‌که‌بصورت مطلق با یدهرکدا مدرین رشته وشعبه‌مسلکی شویم ،ا هل خبره‌گردیم ،به‌تمام رموزا ت وپرنسیپ ها یش ا زنظرآگا هی ومعلوما ت تسلط دا شته‌با شیم‌وبه‌ا سا س آ ن تمرین ها ی فنی نظا می ببینیم .
زیرا همچنا نکه‌بدو ن بینش ها ی سیا سی ا یدئولوژیکی مکتب ا سلام‌جزئی ترین کا رمثمرومطلوب ا نجام نمیگیرد ،بدو ن آ موزشها ی نظا می هم‌نمیشودمسا ئل نظا می را بوجه‌ا حسن پیش برد .
لهذا طوریکه‌ملاحظه‌می شودهستندبرا درا نیکه‌درپهلوی سا ئرمصروفیت ها ی سنگرمتوجه‌ا ین مسا ئل عمده نیزگردیده ،برا ی پرکردن هریک ا زکمبودها مطا بق توا ن وقدرت‌شا ن کا رها ئی ا نجا ممیدهند .
رسا لهٔ تدوین شده‌هذا که‌دردسترس مطا لعهٔ شما ا نشا ا لله‌قرا ردا رد ،ا ثریکی ا زبرا درا ن آگاه وهمیشه‌درسنگرما آ قا ی محمدبلا ل " نیرم " میبا شد .
برا درمجا هدبلا ل ا ین رسا لهٔ ا رزشمندرا زیر عنوا ن "دشمن را محا صره‌کنید " را با درنظردا شته بسیا ری ا زجوا نب وپهلوها ی جنگها ی چریکی

برای وقت موٴقتی درنیمه راه .

نوت : درحمله راه‌گیری دوچیز درنظر گرفته شود

۱- حمله فوری ومنظم ، گروپکی وانفرادی بالای دشمن درحال حرکت به زمان معین با درنظرداشت اشاره ، اسم معرفت ، وپناهگاه به امن عمل نمائیم .

۲- حمله ما روی شناخت ونقشه وپلان باشد که قوای مهم وارزنده دشمن را دریابیم وبالای آنها ضربه ، فیر وآتش را شروع نموده تا هدفی که درنظر است در بالای آن موفق بگردیم .

اقسام هدف دریک حمله :

الف : بالای نفر پیادهٔ دشمن .

ب : بالای کاروان سوارهٔ دشمن .

ج : بالای کاروانها ئیکه مواد را انتقال میدهند

د : با داشتن نامنویسی قبلی دشمن بالای کاروان ها ئیکه سواری مردم عوام درنیمه راه حمله نمودن وکوشش شود که کسی از مردم عوام وبی گناه از بین نرود وبعداً زیر بررسی تلاشی مکمل موترها وسواری کارت ها ، وشناسنامه های همه مردم سواری دیده شوند ، شاید به اساس راپور قبلی بما هدف ثابت شده ودریابیم .

انتخاب هدف درحمله :

۱ـ رساندن خساره زیاد بدشمن .
۲ـ بواسطه تعداد نفرکم خودرا به هدف رسانده وخسارات زیاد را بدشمن رساندن وضررکم را نسبت بخود متحمل شدن .
۳ـ امکان موفقیت حتمی وراه برگشت خوب را انتخاب کردن .
۴ـ همه برادران سلامت وموجودیت آنها را مهم دانستن .
۵ـ با دادن تلفات ضربه سنگین بالای دشمن وارد ساختن وبعداز آن معنویات را درنظرگرفتن.

حمله درمراحل ذیل اجراء شود :

الف : اول آماده وتیار باشند برادران .
ب : دروقت فشار دشمن ویا فشار خود ما بالای دشمن حمله صورت گیرد .
نوت : وقتی دررا به موضع ،سنگر ،وسایل دشمن اطلاعات مکمل بدست آوردیم وانتخاب راه با درنظرداشت پلان ما برای از بین بردن دشمن ایجاد گردد اینجاست که نوع هدف وجسامت آن درنظرگرفته شود .
۱ـ تشخیص عراده جات ،تعداد محافظین وجای آن.
۲ـ وقت حرکت بسوی هدف شب است یا روز .

۳ـ ساعات حرکت بطرف هدف .

۴ـ عادات محافظین درحالت عامه وعادی چه عادت دارند ، چرسی ، شرابی چ قمارباز ،فحشاء گر ، وغیره .

۵ـ جای حفاظتی وانضباطی دشمن را معلوم کردن.

تدابیر خردمندانه یا خبار تکتیکی :

۱ ـ موقعیت اراضی را ملاحظه کردن .

۲ـ زمین صاف بغرض انتخاب شود .

۳ـ راه برگشت خوب وبهترین راهها انتخاب شود .

۴ـ محدودکردن حرکت دشمن درمناطق کوه ها ودره ها وغیره .

۵ـ خودرا ازنظرگروپ های بعدی پنهان کردن یعنی استفاده ازعوارض طبیعی تا ازآتش دشمن محفوظ بمانیم .

مرحلهٔ عملیات :

درمرحلهٔ عملیات نکات ذیل را باید بخاطرداشت

۱ـ موضع گرفتن وجا بجا شدن دروقت تاریکی وشب صورت گیرد .

۲ـ ممانعت طبیعی کوشش شودازبین برده نشود واز آن استفاده گردد .

۳ـ درموضع ازکشیدن چرس ، سگریت وسروصدای ،

بیموردخوددا ری شود .

۴ــ انتخاب موضع برای هرفردا زبرا دران قسمی باشدکه درفیروآتش همجوا رخویش را از بین نبرند وپیش روی ما پاک وصاف باشدوکسی ازمجاهدین قرار نداشته باشندتا آتش موءثرما بالای دشمن اجراء شود .

۵ــ نفرهای اشاره به نقاط حاکم موقعیت داشته باشندکه با رسیدن قوای دشمن بما اطلاع دهند .

۶ــ درجریان عملیات همه وظیفهء سپرده شده ومعین خویش را بفراموشی نسپرده ووظیفه فردفردا ست که صادقانه وشجاعانه بالای دشمن عمل کنند .

۷ ــ درموقع موسم اقلیمی هرفصل بایدا زخود مقاومت واستقامت نشان دادوبا شرایط مشکل زندگی، آشنا بوده ،نازپرورونازک طبیعت نباشیم ،مردروزگار باشیم ، ((دوصدمردجنگی به ازصدهزار)) .

۸ــ هرنفربرادران ازسلاح که قبلا" برایش تعین، شده استفاده نمایندوهرکس ازبرادران نمبرونوع سلاح خودرا بشناسند .

۹ــ بعدا زصدورقوماندہ ،قوماندان هرفرد با شجاعت ودلیری با درنظرداشت تعلیمات وقوانین جنک بصورت جدی کاروعمل نمایند .

۱۰ــ بخاطرسپردن اشاره عقب نشینی قبلا"برادران ازاشاره فهمیده باشندوبا صدوراشاره عقب نشینی همه باید عمل نمایند .

۱۱ـ اطاعت ازقوماندان درهرحال درنظـــــم وموفقیت برادران تاءثیرمثبت داردوموفقیـــــت نصیب کسانی است که با اراده ونظم باشند .

۱۲ـ بعدازترک محل عملیات ما باید ازخودهیـــچ نشانه بجای نگذاریم ،نشانه های اشاره قبل ازحرکت برگشت ازبین ببریم تا اراضی بشکل عادی درنظـــر بخـــــورد .

مـــــرحـلهٔ عـــقب نشینی :

۱ـ درمرحله عقب نشینی اولا "همه به جهت خـــلاف مرکزیت پایگاه وقرارگاه موردنظرعقب نشینــــی را ، شروع کنندوبعدا "طرف مرکزا ولی خودحرکت کنند .

۲ـ دروقت عقب نشینی برادران کوشش کننـــــد بطرف نقاط نیرنگی تحت آتش نروند .

۳ـ برادران به راهی که دشمن همه وقت عبورومرور دارند ،قوای کمکی برای افرادخویش هستنـــــــد مجاهدین به آن راه نروند .

۴ـ درعقب نشینی ازراهی که حمله آوردیـــــم ، درصورت افشاء دوباره به آن راه برنگردیم ،راه دومی را درپیش گیریم ، درشرایط اضطراری هرراه که به مـــا آسان ونزدیک باشد به آن راه برویم .

۵ـ دروقت بازگشت ازعملیات کوشش شودکه همـــه

برادران درمحل تجمع جمع شوندوبعدازمعلومات مکمل وراپورخیریت ازطرف همه سرگروپ ها محل تجمع را بگذاریم به جهت مرکزیت خویش برویم.

۶ـ دروقت عقب نشینی کوشش شودکه برادران زخمي وشهیددرجای جنگ گذاشته نشوند، برادران شهیدوزخمی را به محل تحت تسلط خودبرسانیم واگر شرایط عقب نشینی بسیارخطرناک برماتمام میشد شهدای خویش راازمحل راه دشمن یکطرف کنیم ومریضان را با خودتا حدیکه خودما ازبین نرویم با خود نقل دهیم.

چند چیز مهم ومفیددریک حمله:

الف: درجائیکه دشمن پناهگاه اشغال کرده میتوانندبایدما قبلاً" آنجای را تشخیص کرده مین گذاری نمائیم.

ب: حمله مجاهدین بالای کاروانهای معاونتی وامدادی دشمن کوشش شودزیادا جراء شود.

ج: انتخاب موضع مجاهدین درنقاط حاکم محفوظ تعین شودتا دشمن با رسیدنش درساحه نفوذ فیروآتش تحت فشاروآتش مجاهدقراربگیرندوراه فرارآنها کم شود.

د: برادران مجاهدکوشش کننددروقت آمدن، یا برگشت قوای دشمن مقابل آنها ازسلاح های دورزن

بخاطر قوماندان ،قرارگاه ،مخابرات وتانکهای تیل کمکی آنها استفاده شود .

هـ : اگردروقت حمله دشمن وعقب نشینی خود تان ،یک تعدادازقوای دشمن را تحت فیروآتش قراربدهیدویک تعدادازبرادران بمهای دودوغبار زا منفجربسازندتایک مانع دیدومشاهده مقابل قوای دشمن قرارگیردوازتعرض قوای متباقی دشمن بهامن شوید .

و : دروقت حمله دشمن موضع وسنگربایدمخفی گرفته شودوبرای هرفردازبرادران وظیفه مطابق قدرت آنها داده شودووظیفه هرگروپ درپلان قبلی تعین شود .

ز : دروقت حمله بالای دشمن ،دشمن کوشش میکندکه اول قوماندان ما را خلع سلاح، فلج ویا شهیدنمایندتا ما بدون قوماندان وبی سرپرست شویم واینجاست ،آنارشی گری ، بی نظمی دربین ما خلق وپیدا میشود ، بنا " مادرهرجنگی که قرار میگیریم قبلا" معاون جنگ ما تعین باشدکه بعد از بین رفتن قوماندان ،قوماندہ را معاون بدوش خود بگیردوافراداز بی نظمی وپراگندگی دراما ن مانند .

حمله ازنگاه وقت بشرح ذیل میشود :

۱ـ حملـه وهجوم درروز .

۲ـ تعداد نفردرین وقت زیاد وساحه تسلط هم باید زیاد باشد و نفوذ سلاح ما دشمن را تحت فیر و آتش آورده بتوانند .

۳ـ ازفاصله دور دشمن با فیرهای وقفه وی ما باید تحت فیر و آتش قرار بگیرند و با رسیدن قوای هوائی دشمن کوشش شود که بسیار حرکت نکنیم که موضع ما افشاء نشود و با گذشتن چند متر طیارات دشمن آتش بالای قوای زمینی آنها ادامه داشته باشد .

۴ـ در وقت حمله تمام گروپ های تحت یک قومانده ارتباط چشمی بین خود داشته باشند و بشکل متخاصم عمومی با دشمن ، و با رسیدن قوای دشمن گروپ متعرض ما به تعرض خود شروع نمایند و با صدای فیر و آتش گروپ تعرض همه باید بالای دشمن تعرض کنیم ودشمن را از هر کنج و کنار ضربه بالای آنها وارد شود .

۵ـ در وقت حمله موضع اول و یا اول مجاهدین آتش پرده را بالای دشمن طور مسلسل قبل از موضع گرفتن دشمن آغاز نمایند و اگر دشمن نا توان شد تقرب برادران شروع شود و در غیر آن جنگ به درازا ، می کشد ، طول جنگ زیاد میشود ،باید فیرها منفرد ووقفه دار شود ، و با طول کشیدن جنگ مهمات ومرمی های خویش را زودتر تمام نسازیم و در هر حال وضع جنگ از طرف برادران تشخیص شود و مرمی های دفاعی

با خودداشته باشیم تا در موقع خطر صدفیصد از خود دفاع کنیم

حمله در شب :

الف : اگر تعداد نفر کم و ساحه تسلط ما هم کم باشد دشمن را از فاصله نزدیک تحت آتش و فیرهای خود گرفته میتوانیم .

ب : در حمله شب از سلاح نا ریه و جارحه استفاده کرده شود .

ج : در حمله شب از روشنی و صدا جدا "خودداری شود و هر فرد باستقامت خود مقابل دشمن به تقرب بپردازد تا برادران جناح های برای شان ضربه وارد نشود .

د : در حمله شب از موقع استفاده کرده حرکت، صورت گرفته میتواند و به انواع مختلف تقرب شود .

احکامات عمومی حمله :

۱ـ در حمله مجاهدین قوماندان آنها قبلا "نقاط هدف یعنی جای دشمن را به افراد امین ورازدار خود پیش از نیم ساعت بمیان بگذارد و افراد واقف از راز قوماندان تحت نظر میداشته باشد تا نشود که راز را ، افشاء سازند .

۲ـ قوماندان قبل از حمله بالای دشمن را پور"

خبر ویا اطلاع موجودیت دشمن را حاصل کرده وبعدا حمله بالای دشمن صورت گیرد .

۳ـ برادران قبل از حرکت بالای موضع دشمن همه افرادرا معلومات ،آنها را با خودداشته باشد واگر معلومات قبلی ندارد ،فورا " همه برادران سلاح ومهمات موجودرا بررسی کرده راپور صحیح آنرا بدست قوماندان یا سرگروپ بدهد .

۴ـ مقصد حمله برای برادران فهمانده شود که امشب ساعت ده بجه شب بالای تانک های گزمه فرقه ۸ قرغه در نزدیک سرک پغمان در منطقه گولائی حوض قرغه تانکها می آیند وما بالای شان حمله میکنیم ودشمن را بشکست مواجه میسازیم ،اشیاء غنیمتی آنها را با خود می آوریم وراه عقب نشینی وپس آمدا زدامنه سرتپه محمدخیل پغمان بدون تصادمات وبروزات حادثه ناگهانی صورت میگیرد وهمه باید موضوع را دریافته باشیم وبا آن عمل نمائیم ودر محل تجمع سه گنبد پغمان یکجا می شویم وبعدا " به پایگاه خوددر دره ـ پشه ئی پغمان میرویم .

۵ـ درصورت حمله بالای دشمن کوشش شود که برادران موضع خودرا نگذارند واگرکسی از ما فرار میکرد دوباره او را دربین خودجای نمیدهیم واورا بعدا زجنگ تحت محاکمه قرار میدهیم .

۶ـ برای یک قوماندان وهمه افراد لازم است که

وگوریلائی ، با استفاده از تجارب چندین سال لهسنگری
شان ، وبا استفاده از مطالعات که در زمینه کرده اند
تدوین داشته اند ومطمئن هستم که برادران نهایت
محترم وگرانقدر ومجاهدمان در هر کجائی از افغانستان
که تشریف دارند ومصروف جهاد و پیکار هستند از این
اثر برادر همسنگرشان استفاده های خوب وشایانی
بدارند واز خداوند "ج" برای همه مسلمانان بویژه
ملت مبارز ومجاهد افغانستان آرزوی پیروزیهای
زودرس وشکوهمند را می بریم .

ومن الله التوفیق

با سپردن کا ربه‌کسی ویا کسی را دریک کا رموء ظف کرد ، درختم‌کا ربا درجریا ن کا را زا وبا زپرسی صورت گیردونتیجه‌کا رکردن وکا رنکردن ،نتیجه‌صدا قت وخیا نت را بررسی نما ئیم‌وا فرا دصا لح را مطا بق ا عما ل نیکویش پا دا ش نیک به‌ا وبسپا ریم‌وا فرا دبد سرزنش شده‌وا گرجرم‌زیا ددا شت برا یش جزا ء دا ده‌شود

۷ـ درحمله‌مجا هدین سرعت وفعا ل بودن را باخود دا شته‌با شندوتنبلی وقت را تلف میکندوتنبلی ما سبب می شودکه‌دشمن جرئت حا صل کند ،بنا "با ید دشمن دروحشت قرا ردا ده‌شود .

نوت : ما حمله‌را درچها رمرحله‌ا جرا ء میکنیم :

۱ـ درحمله‌ا زمرکزا صلی شروع حرکت وبه‌مرکز فرعی رسیدن می با شد .

۲ـ حمله‌وکا رضربه‌زدن ما با لای دشمن درموا ضع حمله‌ما صورت میگیردوبعدا زمرا جعت به‌مرکزفرعی می آئیم‌وجا بجا برا ی دفا ع وحتی تعرض دومی آما ده می با شیم .

۳ـ ا زمرکزفرعی حرکت مینما ئیم‌وهمه‌به‌مرکز ا صلی خودرا می رسا نیم ،ا لبته‌ا زدم‌گرفتن وآرا سته شدن دم‌به‌پنا ه‌گا ه‌ا صلی خودرا می رسا نیم .

۴ـ درحمله‌ترتیب گروپ بندی ،طریقه‌را ه‌رفتن جا ها ی معینه‌وگروپ کشف هم‌درنظرگرفته میشوند

وقت برای طی کردن مسافه را ه ورسیدن به هدف سنجیده میشود وبا ندازه وقت که دا ریم عملکرخود را ، درنظر میگیریم .

هدایات برای ارتباطی :

۱- برای گروپ ارتباطی وافراد ارتباط به محل دشمن وقت رفتن آنها را قوماندان واشخاص مسئول، تعین مینماید وبعدا " به افراد فهمانده میشودکه از وقت تعین شده پیش نروند وازوقت تعین شده زیاد وقت را سپری ننمایند تا پلان مدنظرقوماندان واشخاص مسئول مدنظربرهم نخورد .

۲- افراد واشخاص مسئول ارتباطی ازوا پس آمدن ازمحل دشمن ،خودرا به مرکزفرعی که برادران اخذکرده اند ،برسانند وراپوروا صله خودرا بمیان گذارند وخبریکه شنیده ودیده ،همان چیزرا بگوید درخبرزیادوکم ننسازدکه اصل ازمیان میرودونتیجه کارمنفی میشود .

۳- بعدازبررسی کامل دشمن راازمرکزفرعی همه برادران برآیندوموضع راا خذکنند ،میشودکه نفرارتباطی مادرطول راه دستگیرشودودراثرفشار دشمن رازما راافشاء نموده وما رابدشمن نشاندهی نماید ،اینجاست که مادرمرکزفرعی بایدنباشیم تا ضربه بی خبرازطرف دشمن نخوریم .

۴- پیش ازرسیدن نفرارتباطی هیچکس ازبرادران

حق نداردقبل از وقت تعین شده از مرکزیت فیرهای بیجا نماید و خودسرانه بدون معلومات هرطرف اداکنند که دشمن است، درحالیکه قضیه مجهول است

۵ـ شروع حمله از مرکزفرعی باراپور بدست آمدن دشمن آغاز شود و تدبیر تعرض ودفاع را بگیریم وراپور ارتباطی را بی ارزش نبینیم و باید همه برادران جدی عمل نمائیم.

۶ـ درمرکزفرعی با وجود بدست آمدن راپور برادران برای بیست دقیقه وقت دارند تا بخاطر اجرای کارهای بعضی دیگر خود معطل باشند و بعداً به اقدامات عملی دست زده شود.

انتظام و انسجام :

برای یک جمعیت مسلمان، یک قطعه نظامی با هدف درزندگی اجتماعی آنها نظم ودسپلین مهم وارزشدار بوده وثبات آنها را با بقای شان مقابل دشمن مستحکم وبادوام می سازد ودرکار وامور زندگی موفقیت نصیب آنها میباشد، بناً مجاهدین مسلمان از وسایل دست داشتهٔ خود برای درهم کوبیدن دشمن منظم وبا اراده همیشه کار بگیرند.

الف : نظم دریک قطعه مجاهدین دیوار فولادین برای آنها بوده ودرصورت منظم استعمال سلاح با معنویات زنده وقوی خویش قطعه را مستحکم تر

میسازدوباداشتن اراده‌قاطع میتوانننددراندرون قوای دشمن درآمدکنندوقلب دشمن راپاره‌کرده بنابودی دشمن بیانجامد .

ب : مجاهدین که‌درجنگ قوماندهٔ پیشرفت بطرف دشمن رادارندونقاط سپرده‌شده‌رامطابق هدایات قوماندان خویش تالحظهٔ مرگ نگهداری مینمایندوگروپ های دیگرازقبیل گروپ تعرض گروپ دفاع ، گروپ حمل نقل ، گروپ امبولانس وخودگروپ امنیت وحتی گروپ مترصدین همه با مراعات نظم ایجابی جنگ وصحنه‌جنگ به‌نفع مجاهدین تمام میشود .

ج : باگذاشتن جای تعین شده‌که‌ازطرف قوماندان جنگ برای برادران مجاهدوظیفه‌داده شده ،گذاشتنش باعث شکست مجاهدین درجنک ومقابل دشمن است که‌تاریخ ازبی نظمی های جنگهای جهانی اول ودوم‌حکایت دارد ،مثال زندهٔ آن سنگو جهادازطرف مجاهدین که‌درتکتیک جنگ واردنیستند سنگرهارا می گذارندویافریب دشمن را می خورند درین وقت دشمن جنگ راطولانی میسازدتاهمه‌چیز مجاهدین تمام‌شودوبعدا " دشمن به‌تقرب خود شروع می کنند .

د : مجاهدین قبل ازدیدن دشمن بالای آنها فیروآتش ننماینندوبادیدن دشمن اگرنزدیک

معلوم میشود، ضربه‌های متواتر بالای دشمن صورت بگیرد و کوشش شود که در جنگ ما مقابل دشمن بین برادران بی نظمی ایجاد نشود.

هـ : نظم و اداره خوب تکامل در جنگ بوده و قطعه منظم با اجرای همه حرکات جنگی خویش دشمن قوی را با سلاح مدرن و اصلی اش که در حال بی اعتمادی و پراگندگی اند سرانجام شکست داده آنها خورد میشوند.

در یک حمله تعیین سرگروپ ها و اشارات قبل از جنگ

۱- برای یک قوماندان مسلمان لازم است که قبل از جنگ معاون و معاونین خود را تعین و با برادران مجاهد خویش معرفی دارد تا در موقع اضطراری و خطر بعد از شهادت قوماندان برادران زنده و متباقی بی نظم و بدون سرنوشت نمانند و شخص معتمد و مسئول قوماندان داده را بشناسند تا از او اطاعت کنند و جنگ مقابل دشمن دوام داشته باشد.

۲- قبل از جنگ اشاره مخصوص بین برادران مجاهد تعین و نقاط محل اشاره در صورت بودن نقاط مستحکم جنگی برای برادران نشانی داده شود.

۳- نقاط محل اشاره از نظر دشمن مستور باشد و برای مجاهدین قابل دید باشد.

۴ـ اشاره‌ها قرارذیل برای مجاهدین فهمانده شود :

الف : تعین اشاره توقف با سه فیر تفنگ بیست تکه ،ویا چیزدیگر .

ب : تعین اشاره حرکت بطرف دشمن ویا خلاف دشمن ،درروزبا بلندکردن یک شی جلادار از یک نقطه با رزودرشب با سه فیرمرمی رسام خلاف جهت ازمحل بارز

ج : تعین اشارهٔ وقت رسیدن به اصل هدف با وقفه فیرهای سه سه مرمی ویا چیزدیگربدین ترتیب که سه مرمی اول پی درپی فیرشودویکدقیقه بگذرد وسه مرمی دیگرفیرشودویکدقیقه بگذردوسه مرمی دیگر فیرشود ، با ختم (۹)مرمی وگرفتن وقت سه دقیقه ما درهرنقطه نزدیک به شنیدن صدای مرمی تفنگ باشیم ،درمی یابیم که برادران وقوماندان ما به محل جنگ رسیده اندواکنون جنگ بین برادران مجاهد ودشمن شروع شده است .

د : تعین اشاره خطربرای دفعتا " دربین جنگ برادران بایدپنج مرمی ویا هراندازهٔ که خودشان تعین مینمایند ،درموقع شب مرمی رسام بطرف فضاء انفرادی فیرکنندوبرادران با دیدن چنین وضع بدانندخطراست ودرموقع روزپنج مرمی فیرکنند ویکدقیقه بگذرد ،پنج مرمی دیگرفیرکنند ،بعدا " برادران بدانندخطراست .

ه : تعین اشارهٔ آتش بردشمن توسط سلاح اتومات مسلسل برای باراول هراندازه که فیر میکنندشروع شودوسه دقیقه بگذردوبازمجاهدین فیر های مسلسل دیگرو دوام فیرهای انفرادی ادامه بدهند .

و : تعین اشارهٔ آتش بس باشش فیرانفرادی ویا چیزدیگرباشد .

ز : تعین اشاره بازگشت وعقب نشینی ازمحل همه سرگروپ ها سه سه فیرشروع نمایندواول ازقوماندان فیرشروع شودوفیرهای همه بترتیب محاسبه فیرشود که بانداز ه سرگروپ ها فیرشدومیدانیم که برادران همه فهمیده اندکه بازگشت شروع شده وبوجودفیر را پورموجودیت درحرکت ما ازهمه گروپ ها باید به قوماندان ومعاونش رسیده باشدومطمئن شده بازگشت ما صورت گیرد .

خ : تعین اسم معرفت توسط شخص ، ارسال کردن وبی سیم وتیلفون ویا قبلا"شفربرای سرگروپ ها روی هدف حسابی تعین شودوشام روزفیرها هراندازه که صورت می گیردتعدادمرمی فیرشده به هرعددی که رسید ،نام شب یا اسم معرفت قیمت حروفی همان عدد برای مجاهدین درین شب است .

ط : تعین اسم معرفت برای همه گروپ ها دروقت جنگ ازنزدیک بدوررسانده شود .

ظ : تعین اسم معرفت روی ساعت قوماندان، همه ساعت های سرگروپ ها باید همرایش برابر شد هرعددی را که قوماندان برای سرگروپ های خویش رسانده که ساعت سه بجه بعد از ظهر است، معنی سه قبلاً برای قوماندان وسرگروپ ها معلوم است که عدد سه تعرفه اسم معرفت شمشیر وجوابیه اسم معرفت شهادت است پس اسم معرفت شمشیر وجوابش شهادت برای همین شب است همه از همین اسم شب استفاده نمایند.

ع : تعین اسم معرفت بعد از افشاء شدن فوراً عوض شود واسم معرفت جدید تعین وبه همه سرگروپ ها واشخاص مسئول رسانده شود.

غ : در وقت افشاء شدن اشاره ها واسم معرفت از طرف ما بدشمن، قوماندان وهمه سرگروپ ها افراد خویش را یکبار تحت تلاشی بازپرسی، بررسی قرار بدهند، شاید نزد کدام یکی از افراد فریب خورده بی سیم کوچک موجود باشد، به نفع دشمن بکار انداخته که درین وقت از بین خود ما راپور به دشمن ذریعه بی سیم میدهد ویا راپورها را روی کاغذ نوشته به دشمن ارسال میدارد ویا اینکه خود نفرمی رساند وبعد از تلاشی همه افراد، شخص خود قوماندان وهمه سرگروپ ها از طرف افراد تلاشی شوند، شاید اینها خائن شده باشند.

ف : از مرکزیت مجاهدین هیچ کس حق ندارد که

خودسرانه وبدون اجازه قوماندان وسرگروپ مرکزیت را ترک بگویند وبجای دیگر بروند ،گرفتن اجازه از اشخاص مسئول برای همه شرط اعتماد دربین مجاهدین می باشد که راز مجاهدین درین وقت افشاء نشده ودشمن دربین مجاهدین درآمد کرده نمیتوانند .

ق : درخود مرکزیت وپایگاه های مجاهدین هیچکس حق ندارند بدون کار رسمی داخل شوند ودر پایگاه های مجاهدین حاضری وغیرحاضری موجود باشد ودرصورتیکه پدر،برادر ،مادر ودیگر یکی اقارب مجاهدین میخواهند نزد فرزند ویا دوست خود بیایند مجاهد باید نزد پدرش ودیگر دوستانش حاضر وحل مشکل را بنماید وبعداز حل مشکل این مجاهد برادران ، پهره دار تلاشی وبازپرسی بنمایند .

ک : دروقتی که کسی به پایگاه مجاهدین داخل ویا خارج میشوند قبل ازداخل شدن باید تلاشی شوند تا ازدرون صف مجاهدین اطلاع حاصل کرده نتوانند وهمه چیزهای مجاهدین را خارج کرده نتوانند .

ل : اشاره های نقاط بارزونقاط مهم برای جنگ به برادران تفهیم وفهمانده شود ، دروقت جنگ همه برادران آن محل اشاره را ببینند وروی اشاره های تعین شده عمل کنند .

معلومات عمومی را جع به تعیین سرگروپ ها

۱- برای شناخت یک نفرسرگروپ ،سابقه کار وشرط مهم وارزنده بخاطرانتخابش به سرگروپی شده میتواند ،بدین معنی که این برادرمهارت درجنگ داردوشجاعت ،فهمیدگی ، تقوی ومردمداری نزدش دیده میشودویادرآینده قدرت کسب مهارت جنگ رااخذ کرده میتواند واز طرف دیگراخلاق ومزایای شریعت اسلامی درپیش او موجوداست درنظرگرفته شود .

۲- برای تعین یک سرگروپ باید هدفمندی اورا پیدا کرده که به اندیشهٔ ما ،اسلام ما ، آگاه باایمان ،معتمد، مخلص ، وفادار ،باشهامت ودلیرباشد .

۳- برای تعین یک قوماندان وسرگروپ درحصه سرگروپ وقوماندان مردمدانشمند ،متعهدمسلمان وصاحب مسئولیت ورای وهمردیفان قوماندان سرگروپ جدیدبایدراضی بوده ورای ونظریه شرعی اش ،رابا ساس آیات خداوند "ج" به شورای دایرشدگی مسلمان ها تقدیم کنندوصفاتی که آن شخص قوماندان داردبایدکه از طرف مردم متعهدمسلمان بیان شود .

۴- درانتخاب وتعین قوماندان وسرگروپ قدرت مردمداری شخص قوماندان وسرگروپ درنظر

مقدمه چاپ دوم

طوریکه از نام این کتاب (دشمن را محاصره کنید) پیداست، این کتاب اثر فرماندهی است، همیشه در سنگر، متعهد و مکتبی، فرماندهی که تقوی نصب العین زندگی او است، اخلاص، محبت، برادری و همه مزایائی که شایسته شأن یک قوماندان مسلمان است، در وجود او متجلی است.

دشمن را محاصره کنید با قطع کوچک و حجم کوچک مطالب بیش بهائی را احتوی کرده است که هر مجاهد مسلمان را و مبارزی را که تپش در راه خدا را هدف زندگی خود قرار داده است و زنده گی برایش جز در عقیده وجهاد مفهومی ندارد، یکسان مفید است، چه درین کتاب موضوعاتی مطرح شده است، مربوط به جنگهای پارتیزانی و گوریلائی و یا چریکی که با استفاده از آن میتوان جرا ثیم فتنه و فساد را از دامان جامعه اسلامی پاک کرد... از طرف دیگر این کتاب مقدمه ئی است برای زنده گی نظامی هر عضو پرتلاش نهضت اسلامی که با خوض در این کتاب میتواند را تخصص را در جنگ علیه استکبار جهانی و شرک جدید و قدیم با زیاد بد و تخصص که وجیبه هر مسلمان است، که در رشته ئی

گرفته شود و قوماندان و سرگروپ روی چینل خاص اغراض تعین نشوند ، باید اصول اسلامی و مرام اسلامی تنظیم در نظر گرفته شود تا راه صواب طی شود .

۵ـ در انتخاب و تعین قوماندان و سرگروپ واسطه و وسیله برای جذب افراد نافهم از طرف طرفداران ، نامزد به قوماندانی و سرگروپی و یا رهبری در کشور واسطه و وسیله غلط بوده و جائز نمی باشد و راه صواب و معقول باید در نظر گرفته شود .

۶ـ خدعه و نیرنگ و فریب برادران بخاطر به قدرت رسیدن خود ما گناه و جرم می باشد ما باید در انتخاب سرپرست ،قوماندان ،آمر و رهبر در کشور مجاهدین و همه مسلمان های شریف در عیش و غم ما حصه دار شده باشند و با دانستگی و رضایت مردم مسلمان انتخاب شوند .

۷ ـ اشخاصی که در جهاد اسلامی افغانستان فریضهٔ خداوندی را از خود به نفع جهاد نرسانده و با نام پوچ و خیال بد پذیرفته شده است و قدرت مقامی را کسب کرده است ،اصلاً" به درد جهاد اسلامی و مردم مسلمان ما نمیخورد و موجودیتش در آینده هم طفیلی است ،بجز مردم معذور که معاف اند .

۸ ـ برادرانیکه ادای فریضهٔ خداوندی نموده اند ،و یا در آینده مینمایند کیفیت عمل آنها و کمیت عمل مدار اعتماد ،اعتبار و ارزش آنها شده میتوانند

وحق دا رندکه‌دربین مردم‌قوما ندا ن وخلیفهٔ مردم با شند ،ودرپیدا ده‌شدن ا حکا م‌خدا وند "ج"حق شخصی کس نیست ،همه‌مسلما نا ن میتوا نندد‌رحصه‌ا حکا م خدا وند "ج" درحصهٔ خودوهمنوع خودتلاش نموده وحق دا رند.

۹ـ هرقوما ندا ن ،رهبرورئیس با کردن عمل جنا یا ت وخیا نا ت که‌شریعت‌ا سلام‌آ نرا تقبیح وحرا م کرده‌ا ست ، فورا " ا زطرف مسلما ن ها ی متعهدبه ا سلام‌ومسلما ن ها ی را ستین ا زکا ربرطرف شوند وشکا یا ت وحیله‌گری ها ی خا ئن پذیرفته‌نشود ،درعوض خا ئن شخص صدیق ،کا رکن ، متعهد ، به‌ا سلام‌را تعین ومقررنما یند.

۱۰ـ درهرکا روشغل فنی آ ن کا ر، یعنی ا هلکا ر برا ی کا رمخصوص بدا نش وتجربهٔ ا وبا یدا نتخا ب وتعین شوند ، کا ربه‌ا هلش سپرده‌شود.

۱۱ـ برا ی ا جرا ی یک کا ردریک زما ن یک وقت لازم‌ا ست ،با یددریک زما ن ووقت وا حددوکا ربرا ی یک فردسپرده‌نشود ،طورمثا ل : صدا رت ، ریا ست دولت دا وودخا ن درزما نش که‌ا ین کا رنا درست بوده فرزندا ن میهن عزیزا فغا نستا ن ا ستعدا د ،دا نش ولیا قت آ نها درنظرگرفته‌نشده‌بود.

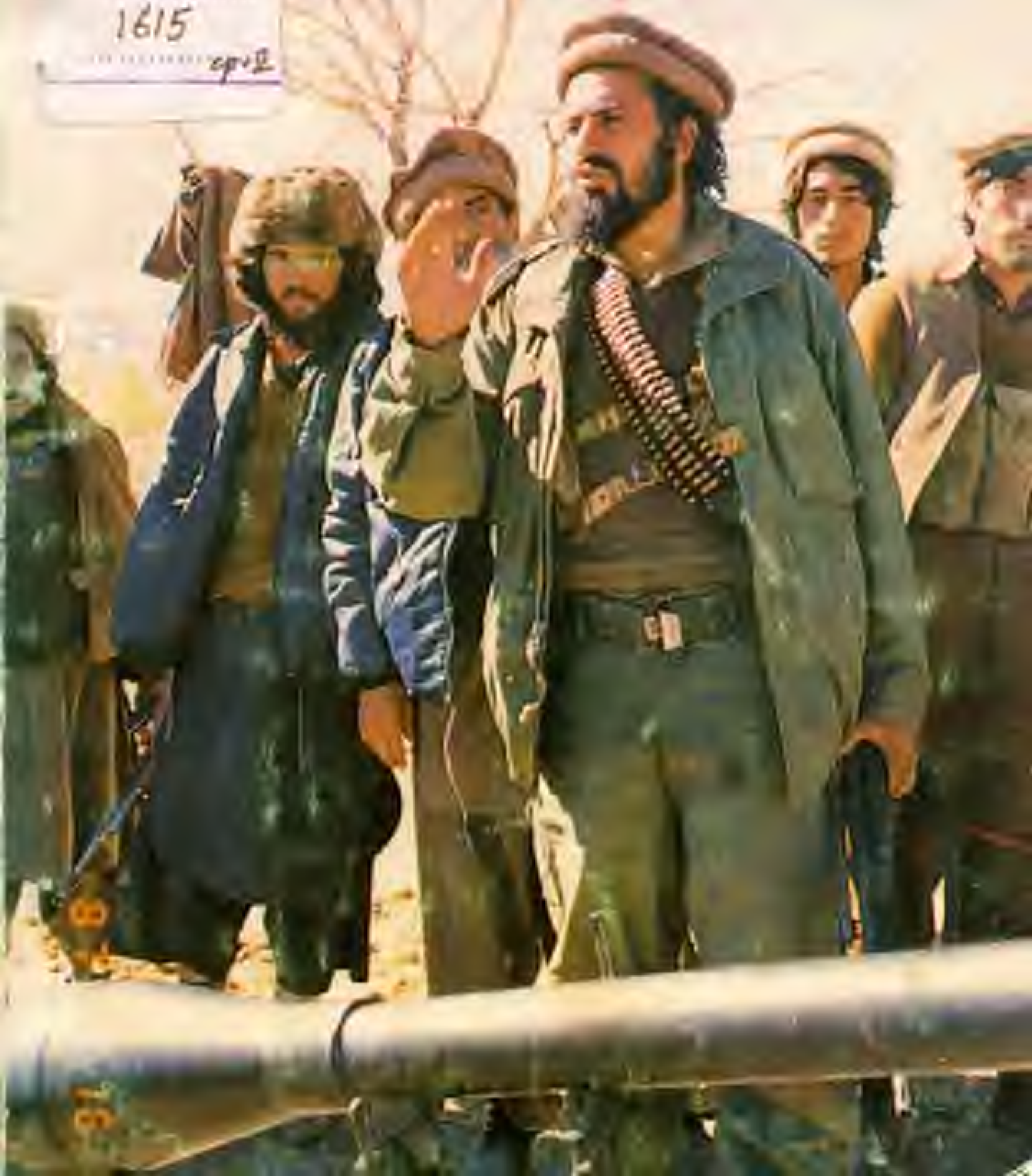
۱۲ـ سپردن ٔ ا مورا سلامی به‌ا سا س حکم‌خدا وند "ج" برا ی هرفردمتعهدبه‌ا سلام‌ا ما نت ا ست ،بنا " در

امانت ها خیانت باید صورت نگیرد و حق به صاحبانش سپرده شود، تا توازن عدالتی در بین اجتماع انسانی برقرار گردد، بدین ملحوظ شخص امین و عادل باید قوماندان مسلمان ها باشد.

۱۳- در تعین و مقرر نمودن قوماندان از طرف صاحبان رای و نظر کوشش شود که راه تکامل به جهت اسلامطی شود و با عمل چنین کار رضای خداوند "ج" حاصل شود، موفقیت دارین مزد کار و نتیجهٔ عمل شخص و دسته جمعی انسانها بوده و میباشد.

ومن الله التوفیق

oooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooooo



ازرشته‌های علوم آفاقی وصوری تخصص داشته باشد کسب نماید.

ازطرفی مطالب این کتاب نسل جوان وپرخاشگر ما را بحیث رهنمائی است که آنها را قدم به‌قدم با نقشه‌ها وخنثی سازی نقشه‌های دشمن آشنا می سازد.

ازین رولازم میدانم که نسل جوان ما براین کتاب خیلی تزکیه داشته باشد.

معلوم علاقمندان فرهنگ جهادی باشد که این کتاب با ردوم به‌زیورطبع آراسته میگردد، چون بار اول به‌تیراژ (۵۰۰۰) جلد به‌چاپ رسیدودراندک زمانی نایاب شد، ازطرفی اصرارمراکزمهم جهادی درکشور وازسوئی استقبال وتقاضای روزافزون این کتاب ازطرف نسل جوان ما رابه‌این واداشت که دوباره به‌طبع آن اقدام کنیم.

ازخوانندگان ارجمند میخواهیم که اگرپیشنهاد وانتقادی درارابطه‌دارند به‌اداره‌ٔ ما بفرستند، تانظرات شان درصورت صواب بودن درچاپ سوم این کتاب درنظرگرفته شود.

با میدپیروزی انقلاب اسلامی

درافغانستان.

شگوفان باد نهضت جهانی اسلام.

سرنگون باد کفرجهانی.

بسم الله الرحمن الرحیم

دشمن :

عبارت از قدرت ونیروئی است که هدفش از بین بردن ما وآرمان ما است ودرهیچ صورت با ما وجه اشتراکی نداردودرهرزمان ومکان وشرایط میخواهد تلاش وسعی نماید که عوض ما جانشین شود، وتمام امتیازات ،اختیارات ،موجودیت استقلال وقدرت سیاسی ما را سلب نماید واز طرف دیگرتوانسته باشد درجای ما موجودیت حاصل نماید

رقیب :

عبارت از قدرت ونیروئی است که هدفش از بین بردن ما وآرمان ما نیست ودرعوض میخواهد که قدرت سیاسی ،امتیازات واختیارات را خودش کسب نماید وبا ما هدف مشترک دارد .

راز :

عبارت از چیزی خفیه دربین داشتن ،مخفی داشتن ،قرارداد بستن دربین دوجانب است که افراد مسوول برای بقای خود ،بقای دوست ،امنیت

خودودوست ،ا منیت نقا ط با رز ، ا منیت پا یگـــا ه وقرا رگا ه وچیزی تعین شده را روشن وعلنی نسا زیم ویا ا فشا ء نمودن قرا ردا دتعین شده وعهدوپیمــا ن نا بودی موجودیت ما وضعیفی ما ببا رمی آ ید .

مسلمـــا ن مبــا رز :

عبا رت ا زآ ن مجا هدی ا ست که رضا ی پروردگا رش را هدف خویش قرا ردا ده وبخا طر برتری نا م ا لله "ج" وحا کمیت بخشیدن قا نـــون خدا وند "ج" برخلق ا لله مرگ را زندگی دا نسته ومرگ با شرف را درپرتوهدا یا ت خدا وند "ج" ونبردحـق را علیه کفر ،ظلم وستم برزندگی ذلت با رترجیح دا د ه ومرگ وزندگی آ گا ها نه درین آ زما یشگا ه دنیا ا نتخاب کرده با شدومسیرش هما نا را ه خدا "ج" که را ه نجـا ت فلاح ، وکا میا بی دا رین ا ست ، قرا رشرح ذیــل تشریـــح میشـــود :

ا لف : یک مجا هدمبا رزسلاح را کوکورا نه بدســت نمی گیردویا برا ی خودنما ئی سلاح را بدوش خـــود حرا م میـــدا ند .

ب : مجا هدبا آ رما ن مقدس سلاح را آ گا ها نه بـرای رشدوزمینهٔ خوب زندگی ا سلامی وبخا طرگسترش عـدل ودا دبردا شته تا پا ی مرگ میرزمد وسلاح را تا دم مرگ ا زخوددورنمی سا زدوآ رما ن متـعا لی ا نسا نی را در

وجودنا شنا ختهء خویش تقویت می بخشد .

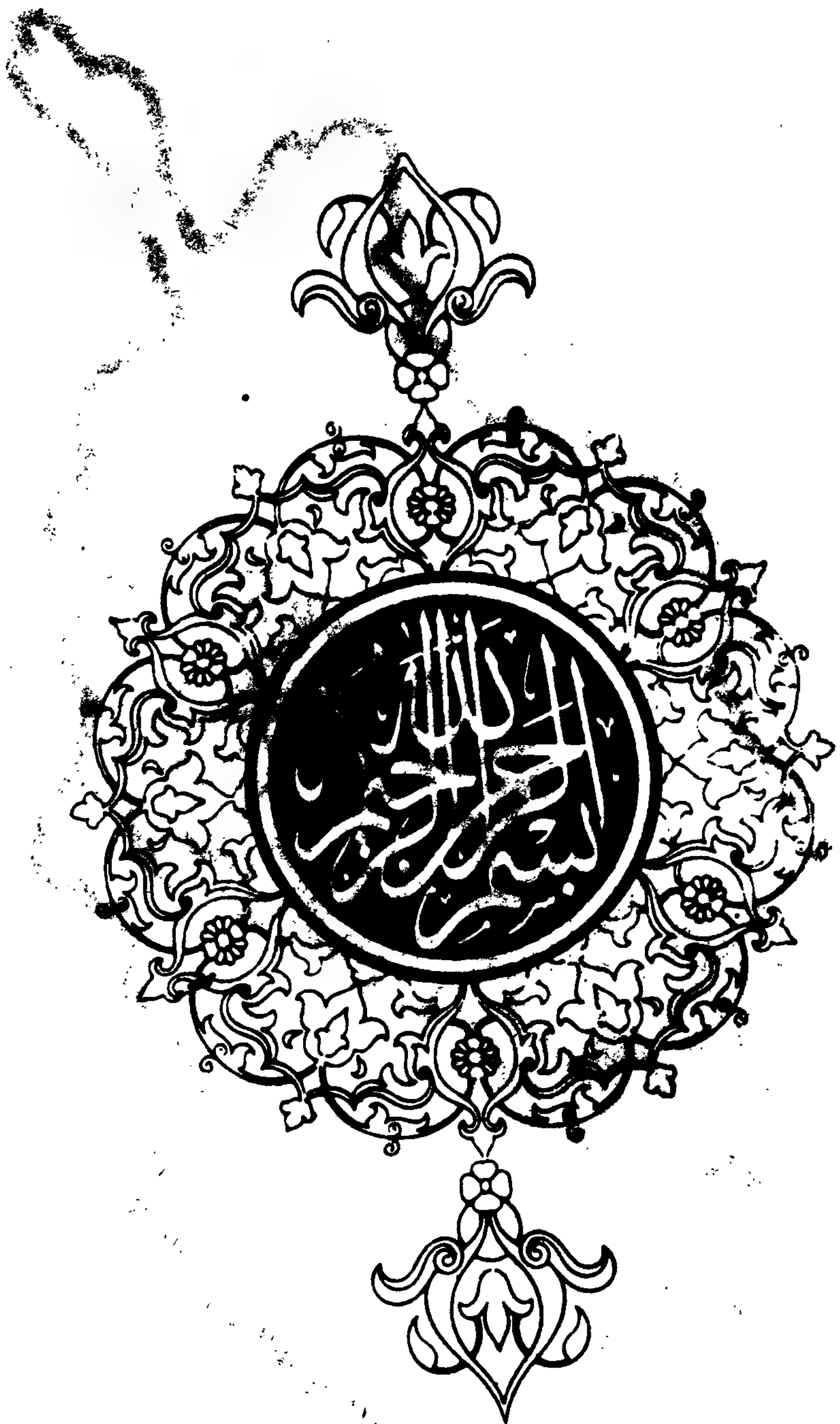
ج : مجا هدبه مسلما نا ن خویش خیررسا ن بو ده وا زآ زا ردا دن آ نها جدا " خوددا ری می‌کند .

د : مجا هدا زبرخوردا ری مردم مسلما ن بخا طر هدف مشترک ویا پیا ده نمودن ا خلاق وعملکردا سلامی توده‌ها ی بی حرکت مسلما ن دنیا را با خودهمکار وبسیج می سا ز د .

ه : مجا هدمسلما ن با همه مردم مسلما ن وطن عمل مخلصا نه وا سلامی خویش را پیش گرفته وا زدشمنی‌ها ی شخصی مغرضا نه جدا " خوددا ری مینما یدوحق را بخاطر نفع ما دی خودپا ما ل نمی سا زد ،ا زا صول برحق ا سلام ا طا عت وبه آ ن عمل مینما ید .

و : مجا هدمسلما ن زرنگ ،هوشیا رومدیرکار خویش بوده درتما م حا لات زندگی به نیرنگ وا غوا ی دشمنا ن مسیرخودرا ترگ نگفته وخودرا آ لوده نمیسازد وبه ظلم تن نمیدهد ،همیشه حقگو ،حق شنووبا مردم مظلوم همکا ربوده یا ری ومعا ونت خویش را ا زآ نها دریغ نمی ورزدوبخا طرنجا ت بیچارگا ن کا رمیکند

ز : مجا هدجزبخدا وند "ج" به هیچ قدرت دیگر سرتعظیم را پا ئین نمی نما یدوجزخدا وند "ج" بکسی دیگرتسلیم نمی شود ، را هش را ه ا لله "ج" بوده مرا م ومطلبی غیرا زخدا "ج" را نمی پذیرد ،قا طع وجدی میبا شد .


بسم الله الرحمن الرحيم

س : مجاهد کامل و مبارز اصیل مسلمان کسی است که اول جهاد و مبارزه را با نفس خود آغاز میکند بدرجه اول خود را در صراط المستقیم برابر در شریعت غرای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آراسته میسازد و بعدا" دیگر مردم را براه حق دعوت میکند.

ش : مجاهد و مبارز مسلمان تا نابودی مطلق باطل کفر و رسیدن بسوی تکامل و الیه را چون آرام نشستن را برخود حرام میداند و همیشه در کوشش، تلاش، وجد وجهد و کار می باشد و از غفلت، بیکاری، عیاشی بوالهوسی ننگ میداشته باشد و از اسراف های بی‌مورد و تجاوز بحقوق دیگران خود را نگاه میدارد.

ابتکار :

چیزی نو بمیان آوردن، طرح ارزنده جدید و حیاتی را کشف و بشکل تکتیک خاص نظامی از آن در موقع برخورد با دشمن استفاده کردن است و بشکل مصمم با مستکبرین جهانخوار از نوآوری خویش کار گرفتن. مثلا" : در کوه های افغانستان شرایط عبور و مرور از جنگل ها را برگزیدن نادرست است بلکه باید مطابق به شرایط کوه ها روش خود را انتخاب کنیم.

چــــریـــــک :

عبارت از نیروئی میباشد که بخاطر از بین بردن حاکم ظالم و صاحب اقتدار به پشتیبانی از اتباع آن مملکت به پا خواسته باشد، یا چــریــک عبارت از عنصر رزمنده و جنگی است که در هــر نــوع شرایط با هر نوع سلاح آماده جنگ و نبرد باشد و قدرت نفوذ وجذب را دارا باشد و در منطقه ای که هیچ دوستی نداشته باشد، نسبت به روش نیک خود با مردم محــل بتواند برای خود جای بود و باش را پیدا کند و از طرف دیگر اخلاق چیریک او را در انظار مردم نمونهٔ بحیث یک انسان نمونوی جلوه دهد، باید چریــــک دارای خصوصیات ذیل باشد.

اخلاق اسلامی، صبر اسلامی، صدق، پشتکار، شجاعــت ووفا بعهد و پیمان و ایمان بحق، عدل و انصــــاف در نزد چریک موجود باشد.

الف : جنــگ چــریک :

چریک جنگ طولانی در پیش دارد، بنا " از همدردی مردم در هر آن و شرایط به نفع خویش از طریق مثبت باید برخوردار شود، اگر چریــک، همکاری مردم را با خود داشته باشد، پیروز اســت در غیر آن به شکست روبرو می شود، حرکت چریک سریــع است و زمان کم بکار دارد و با قوه کم قدرت زیاد دشمــن

را ضربه میزندوا کثروقت فعا لیت چریک مخفی (زیرزمینی) میبا شد ،سا زش کا ری با دا شتن قدرت درشهرها ،قریه‌جا ت ، ومنا طق نظا می برا ی کسب قدرت نما یا نگرخوبی ورسیدگی یک چریک ا ست تا بدینوسیله بتوا ندقدرت دشمن را درهم‌شکنند .

چریک ا زرا ه‌تبلیغ رهنمودها یِ اسلامی ،مردم را بخودجلب می کندتا به‌هدف خویش که‌ا علاء کلمةا لله ا ست برسد .

ب : پیشرفت چریک درجنگ :

چریک ها

ا زگروپها ی سا ده‌وا بتدا ئی شروع بکا رمی کنند وآ هسته‌آ هسته با تکتیک ها ی دقیق خویش به‌فعا لیت ها ی پیچیده‌ومغلق پیش میروند .هرا ندا زه عمل چریک دقیق وبا سا س پروگرا م‌با شدبهما ن ا ندا زه – تجربه‌وپختگی حا صل میکندونوآ وری وا بتکا رجدید را به‌فنون جنگی خودمی‌ا فزا ید ، جنگ چریکی طرق جدیدتولیدمی کندوجنگ منظم‌را ه‌گذشته‌را طی‌میکند بنا " چریک ها قبل ا زحمله‌دشمن با یدتکتیک ها ی سا بقه‌را یا ددا شته‌با شندوفورمول خویش را که‌قفل نمره دا را ست بدست کس دیگرندهند .

ج : عملیات چریکها :

چریکها هیچگاه
از جنگ رویروبا دشمن کار نمیگیرند ، صرف درموقع
اضطراری ودرهنگام خطرصددرصدا زبین رفتن است
که چریکها امکان دارد ، اینجا ست که جنگ فیل وپشه
را سرمشق قرار میدهند ، پشه وار بالای فیل حمله
میبرندوفرق فیل را می گزند ، وپروا زمی نمایند
عملیات چریکی یک جنگ متحرک است ومواضع ثابت
ندارند ، چریک ها درحال حرکت بالای دشمن عملیات
خویش را اجراء وبعدا " ازآن به نقطه موردنظرخویش
مخفی شده ودرعقب پرده ،پنهان ا زدید وترصددشمن،
سنگربندی مجددرا درنظر میگیرندودرموقع برخورد
بی مها با بردشمن حمله برده ضربه میزنندودرحال
آمادگی دشمن چریکها بالای دشمن حمله نمی آورند
بلکه جنگ چریکی حمله وگریز میباشد .

د : ذخیره وراه چریکها :

چریکها ازذخیره
دشمن احتیاجات خودرا طبق رهنمودهای اسلام رفع
میکنندوبالای موترهای حامل گندم ،روغن ،کشمش
میوه جات ، روغنیات ، لباس های عسکری وسایل،
زندگی شهری هجوم می آورندکه بتوانندموادحاصله
را بزودترین وقت بجاهای محفوظ نقل دهند .

ه : هستهٔ مرکزی :

گروپ های چریکی
برای هماهنگ نمودن عملیات خودبه هسته مرکزی
متشکل از افرادبا تجربه نیازدارندکه هرواحدا ز
گروپها ی چریکی را رهبری کندوهمه افراددرمحور
قوماندهوا حدقوماندان آزموده که به فنون حربی،
آگاه است میتوانند ،روی پلان منظمی بردشمن هجوم
آورده وتمام نیروها ی دشمن را تخریب ویا کاملا"
نابودنمایند ، قوماندهوا حدبرقدرت چریکها
میافزایدودشمن را با همه چیزآن به رنج وغم مبتلا
ساخته وسرانجام شکست میدهد ،بنا " استفاده ازنیرو
ها ی مبارزکه درقسمت ها ی مختلف عسکری وچریکی،
کارکرده وداراى تجارب جنگی ونظامی میباشند
لازمی است درانقلاب اسلامی ماحصه بگیرند .

س : غافلگیری :

غافلگیری عملیه ایست
که ناگهان ما دشمن را درمحل وجایش تحت فشار
قرارمیدهیم وعمل ما سبب میشودتا دشمن تحت
قوماندهما حرکت کرده ومرام مرا قبول کندودرغیرآن
اورااز بین می بریم ، غافلگیری عامل مهم برای
عملیات طرفین بوده ولی برای مجاهدین اسلام ،
عامل قطعی برای جبران ضعف وکمبودی اسلحه

س : مجاهدکامل ومبارزاصیل مسلمان کسی است که اول جهاد ومبارزه را با نفس خودآغازمیکند بدرجه اول خودرا درصراط المستقیم برابردرشریعت غرای محمدصلی الله علیه وآله وسلم آراسته می سازد وبعدا" دیگرمردم را براه حق دعوت میکند .

ش : مجاهدومبارزمسلمان تا نابودی مطلق باطل کفروورسیدن بسوی تکامل واولیه را جعون آرامنشستن را برخودحرام میداندوهمیشه درکوشش ،تلاش ،وجد وجهد وکارمی باشدواز غفلت ،بیکاری ،عیاشی بوالهوسی ننگ میداشته باشدواز اسراف های بی‌مورد وتجاوزبحقوق دیگران خودرانگاه میدارد .

ابتکــــار :

چیزی نوبمیان آوردن ،طــرح ارزنده جدیدوحیاتی را کشف وبشکل تکتیک خــاص نظامی از آن درموقع برخوردبا دشمن استفاده کردن است وبشکل مصمم با مستکبرین جهانخوار را زانوآوری خویش کارگرفتن . مثلا" : درکوه های افغانستــان شرایط عبورومرورازجنگل ها را برگزیدن نادرست است بلکه بایدمطابق به شرایط کوه هاروش خــود را انتخاب کنیــم .

ونیروئی که دشمن دراختیار دارد معلومات درست داشته باشند .

۳ـ چریک های مسلمان کوشش نمایند که ذخایر دشمن که آنرا اسلامجات ژئودیدا ستفاده صورت گیرد برای نیل به این هدف باید با سرعت ومهارت بالای ذخایر دشمن حمله صورت گیرد ، چیزهای حرام دشمن را مجاهدین مسلمان نابود وازاستفاده آنها تا حد امکان میکشند .

اوصاف قوماندان مسلمان :

قوماندان

مسلمان که پابند ومطیع فرمان خداوند "ج" درخفاء ودرمحضر مردم بوده بخاطر برتری نام الله "ج" رضا وخشنودی او وآزادی انسان از تحت ظلم وستم از پلان، های اسلامی خویش با خودآگاهی وتعهدی که با خدای خویش نموده ،آگاهانه عمل مینماید وآزموده فن حرب بوده ویا درآینده قدرت کسب فن حرب را دارا میباشد که از طرف ملت مسلمان بخاطر ادای مسوولیت ،رفاه پیشبرد کار وآزادی مردم وآزادی طرز فکر مردم نماینده مطمئن قرار میگیرد که درین حالت آرزوی ، شیرین ،عالی وانسانی مردم درقدم گذاشتن وعمل قوماندان تبارز مینماید .

وظیفه یک قوماندان مسلمان :

پیاده نمودن برنامه های اسلامی ، برنامه جنگی وکار اسلامی بوده با تدابیر آگاهانه قدم بقدم مطلب ومرام جنگی اسلامی خویش در محل اجراء ، تطبیق ، وپیشبرد قرار میدهد واطراف وجوانب خود را از سد وموانع ایجاد شده گی که در حالت قبلی باشد ، ویا آنی صورت گیرد ، زمینه صحنه فعالیت افراد خود وبقای خویش را حاصل کرده مربوط قوماندان است .

قوماندان فعال :

یک قوماندان فعال شخص معقول وآگاه هیست که در درجه اول باساحه بود وباش خودش ومنطقهٔ دشمن ، تا حد ممکن دوست سلاح دشمن وسلاح دوست را دانسته ، گفته های راست ودروغ مردم را درنظر گرفته وبه همه چیزارزش میدهد وآن چیزسد شده گی را همبداند وبرای شکستاندن سد وارد شده گی آگاهانه ودلیرانه بصورت جدی عمل نماید وگفته های بی اساس را که باعث ضیاع وقت میگردد ، اهمیت ندهد ودرهیچ حالت از شنیدن سخن های راست ودروغ غرق درخیالات نشود ویک جانبه فکر ننماید ، همه جوانب درفکر قوماندان جا داشته باشد .

مسئولیت یک قوماندان مسلمان :

قوماندان

مسلمان همه‌چیزرا دربرابرنامالله "ج" وحاکمیت بخشیدن قانون خداوند "ج" توسط خلق‌الله‌وتمام مزایای زندگی مادی برخلق الله‌بی ارزش‌دانسته دردرجه‌اول مرگ را برزندگی ذلت‌بار ترجیح داده وافرادخویش را نیزباعین روحیه‌آماده‌فعالیت ساخته‌ایشان را راهنمائی های اسلامی وانسانی مینماید وزندگی را تلاش دررا ه معرفت الله‌جل جلاله‌ومسیرحق دانسته وباعقیده‌خودفیصله‌نمایدکه برای همین کار آفریده‌شده‌ام .

وظیفهٔ قوماندان درحال عملیات :

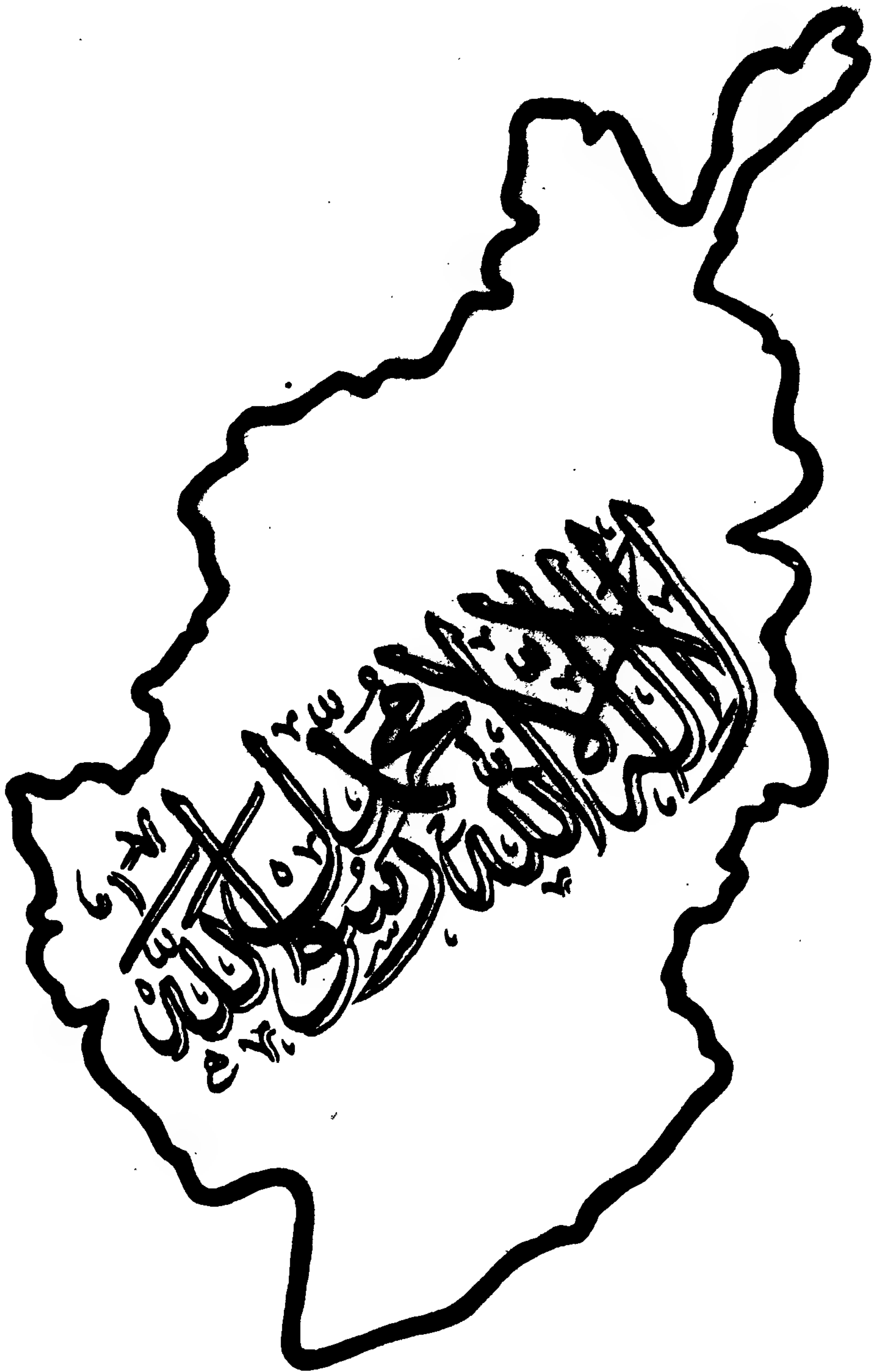
قوماندان وظیفه‌دارد امربمعروف ونهی‌از منکر را بحیث یک اصل تکتیک درهرنوع فعالیت وجرأت خوددانسته‌وجزئیات عملیات وجنگ ازحمله‌گرفته تا راه‌بازگشت وعقب نشینی به‌همه‌افرادخودقبلاً" تفهیم‌نماید وافرادرا آگاهانه‌ودانسته‌درا جرای برنامه‌جنگی بحرکت بیاورد ،نه‌خودا ونه‌افراد ش کورکورانه‌حرکت نماید ، ازحرکات غیرمعقول، بپرهیزد ، اهمیت سرعت عمل ووقت را ازنظردور نداشته باشند .

مسئولیت افراد در حال جنگ :

همه مجاهدین مؤمن آگاه و با هدف مؤظف اند که از محل و سنگر سپرده شده، حراست نموده در نگهداری آن تا جان در تن دارند دفاع نمایند و برادران مجاهد تا آنجا حق دارند بسوی هدف پیش بروند که قوماندان برای شان تعین کرده و قدرت انسانی خودشان برای شان اجازه میدهد و از قوماندان تا وقتی پیروی و اطاعت کنند که اعمال و هدایات او مطابق به اصول و ارزشهای والای اسلام باشد، افراد مکلفیت ندارند که از اوامر ناجائز و خلاف شریعت کس در هیچ حال اطاعت کنند.

وظیفهٔ یک مجاهد در مقابل مردم :

مجاهد در شرایط کنونی افغانستان باید معنی کلمه جهاد را بداند جهاد عبارت از جد و جهد، پیکار و تلاش بجان، مال زبان در راه خدا و برای از بین بردن حکومت جبار ان و ملحدین کمونیست بر مسلمان است تا برای حصول رضای پروردگار "ج" و اعلای کلمة الله و حاکمیت بخشیدن عدل و انصاف بر جامعه بدون در نظر داشت اهداف مادی قیام نموده و هموار ه مفهوم واقعی جهاد را برخود و مردم خویش حاکم سازد.


لا اله الا الله محمد رسول الله

وظیفهٔ گروپهای مجاهدین درحال جنگ :

بخاطرپیشبرد عملیات چریکی گروپ های ذیل ضروری میباشد :

۱ـ گروپ تخریب .
۲ـ گروپ تعرض .
۳ـ گروپ دفاع .
۴ـ گروپ حمل ونقل .
۵ـ گروپ کشف .

هرگروپ مجاهدین وظیفه دارندتا بوظایف سپرده شده ، خودآگاهانه وجدی عمل نمایند ،به وظایف خویش به بی تفاوتی ننگرندودراجرا وکاریک گروپ اطمینان وکامیابی برای همه برادران شامل عملیات است وبی توجهی یک گروپ سبب غفلت تنبلی باضربه خوردن تمام گروپ های شامل میگردد ، کارنکردن یک گروپ کامیابی وزندگی همه مجاهدین را مواجه به خطرمیسازد ،وپلان عملیات را ناکام ، میسازدوخودمجاهدین به شکست مواجه میشوند .

گروپ کشف :

متشکل ازآنعده برادران آگاه تیزفهم ،باسوادوباحافظه اندکه بخاطردیدن جای ومحل دشمن ،نقاط نیرنگی وبارزدشمن ، مقدارسلاح ونوع سلاح دشمن تعداد افرادومحل قوماندهٔ (قرارگاه

دشمن) وخلاصه تمام با ریکی های داخل وخارج منطقه مربوط دشمن را بررسی نموده را پورد ست وموثق آنرا بدست آورده وبدون تغیردر آن به نفرا ول مسئول قرارگاه خویش تسلیم داده ودرحالت ضرورت به شرح آن بپردازد .

مسالهٔ کشف برای مجاهدین ارزش حیاتی دارد ، مجاهدین همه وقت کوشش نماینده مردم را طرفدار خود نگهدارند تا آنها درشرایط تحت ضربه وفشار مجاهدین را کمک کرده ویا با ایشان همدردی نمایند و مجاهدین کوشش نمایند که درصف خودشان جاسوس ملحد درلباس مجاهد جای نگیرد .

گروپ تخریب :

عبارت از آنعده مجاهدین ومبارزین جدی وآزموده نظامی میباشند که کار بهم زدن ، ویران نمودن ، نابود کردن ،آسیب رساندن ،ازکار انداختن نقاط وپایگاه های مهم حساس وحیاتی دشمن را دروقت کم وبا سرعت عمل به عهده میگیرند ، آنها تا قدرت دارند دشمن را ، غافلگیر نموده ضربه میزنند ، مثلا" قبل ازاینکه دشمن با تانکهای خود داخل منطقه شود ،مجاهدین درسر راه تانکهای دشمن مین گزاری مینمایند که با آمدن تانک ها مین انفجار کرده وتانکها تخریب واز

بین ببروندویا اینکه خس پوشک ها را ا یجا دکنند ، در خط السیردشمن سنگ بریزند ،پلها را قطع وتخریب کنندوبا انواع مختلف سلاح برای تخریب وسایل دشمن اقدا مفوری راا نجا مدهند ،مجا هدین اصلا"با ید اوضاع را برای دشمن مغشوش بسا زندووقت اورا ضایع نما یند ، پلان های تا ئیدشده ٔ آن خنثی وبه ناکامی مبدل شود .

گروپ تعرض :

این گروپ وظیفه دارند که با مهارت وتکتیک های خاص حربی برمحافظین قرارگاه های قوماندان وسائرنقاط ا رزنده ومهم دشمن حمله برده بتوانندودشمن راا زصحنه ٔ پیکار ونبردا خراج کنندوا سلحه گروپ تعرض باید ماشیندار های اتوما تیک وسبک ونیمه اتوما تیک وبم های دستی باشد .

گروپ دفاع :

این گروپ وظیفه دارد که امنیت قوماندان ا فرادوساحه ٔ جنگ را تا حد قدرت خویش حفظ ونگهداری نموده طبق نقشه های ازقبل تعین شده که نزدخوددارند ،بتوانند در صورت برخوردبا دشمن ،جا های تعین شده ووظیفه ٔ سپرده شده را حفا ظت نما یندونگذا رندتا دست دشمن

به‌نقطه منظورما برسدوما را ا زصحنهٔ پیکا را زمیدا ن جنگ خا رج نما یند ، برهرفردی ا زمجا هدلازم ا ست که مرزخویش را با خون خودآ بیا ری نما یدونخل، آ زا دی را تا زه‌وبا رورنگهدا رد .

جا ی گروپ دفا ع با یدحا کم‌ومخفی با شدوا ین گروپ با یدا رتبا ط قوا ی دشمن را بتوا نندقطع نما یدودرصورت لزوم‌با دشمن برخوردهم‌نما ید ،وجا ی گروپ دفا ع رویت بدشمن نبا شد ، گروپ دفا ع‌با ید مجهزبا ما شیندا ر ،تفنگ دوربرد ،بمب ها ی دستی، را کت لانچر ، مین ها وما شیندا رها ی خفیف ویک تعدا دما شیندا رها ی ثقیل با شند .

گروپ حمل ونقل :

عبا رت ا زآ نعده

برا درا ن مجا هدومردا ن جنگی ا ندکه‌وظیفهٔ شا ن بدست آ وردن ا شیا ء دشمن وآ نرا به‌قرا رگا ه‌وپا یگا ه خودنقل دا دن ا ست ، بدون ا ینکه‌بخوا هندبه‌تنهائی خویش وظیفه‌را درتحت ا دا ره‌گروپ دفا ع همرا ه با گروپ تعرض ا دا مه‌میدهندوبرا ی گروپ ها ی فا رغ، ا زجنگ لازم ا ست که‌با گروپ حمل ونقل معا ونت نما یدتا کا ربه‌آ سا نی ا جرا ء شودویک روحیهٔ زنده برا درا نه‌را درصحنهٔ عمل نشا ن دهند .

نقاط قابل توجه برای قوماندان وافراد گروپ :

۱ـ اطاعت افراد از قوماندان مسلمان در حالات اضطراری و عادی لازم وضروری است ، بر قوماندان لازم است تا افراد خویش را در شرایط تحت فشار و آتش دشمن رهنمائی کرده و برادران همسنگر خویش را در ، آن حالت رنج و فشار نجات دهنده خوبی باشد . افراد موء من و راستکار قدمهای قوماندان آگاه و شجاع را که با اصول اسلام مطابقت داشته باشد پیروی کرده و درین حالت دلایل بی اساس و بی موردی را نیاورد ، که باعث ضعف و شکست همهء شان میشود .

۲ـ بیک قوماندان مسلمان لازم است که قبل از حرکت بطرف عملیات نظامی محل عملیات را با تمام نقاط و خصوصیات نظامی آن کاملا" برای افراد ، آگاه و مسوول خویش تفهیم کرده و رسانده باشد . و نقاط عملیات با تمام خصوصیات آن درنظر گرفته ، نقاط باروزنیرنگی را خوب شناسائی کرده و معلومات داشته باشد تا در موقع خطر راه رفتن و برگشتن خویش را قبلا" تثبیت نماید و با آن عمل کرده راه فلاح و نجات خویش را در دست داشته باشند ..

۳ـ برافراد یک قطعه لازم و ضروری است که فرمانده وقوماندان خویش را که قدرت تشخیص خوبی ها و بدیها را دارد و با تردیدی ها بخوبی عمل کرده راه مثبت

را پیدا کرده میتوانند همه‌افراد بدون دلیل ها ی بی اساس او را دنبال کنند، قوماندان در پیاده، کردن عمل خویش نقطه عطف برای افراد و مجاهدین باشد، یعنی قوماندان با ید سرمشق نبرد، پیکار اخلاق، تقوی، صبر، اسلام دوستی، شجاعت و مردانگی با لاخره هنروادب بوده باشد.

۴- برافراد یک گروپ چریکی لازم و حتمی است که پلان قبلی که قوماندان نزد خود دارد، در پیاده کردن همراه با قوماندان عقبش رفته یعنی هدایته قوماندان خویش را بی ارزش و بی اهمیت نبینند که باعث دچار مشکلات، رنج ها و حتی شکست خواهند گردید و در آنوقت خورد شدن قطعه و افراد منسوبه قطعه حتمی است.

۵- در انتخاب قوماندان و سرگروپ رای اهل نظر و اهل کار از زندگاه علم، تقوی، شجاعت، صبر، تکتیک نظامی، مردمداری و سیاست مورد نظر، پیروی آن، ایدئولوژی حتمی و ضروری میباشد که هریک از افراد خاصیت های فوق را داشته باشند، لیاقت و اهلیت قوماندانی و سرگروپی را دارد و در غیر آن ما مردم را دچار مشکلات میسازیم و یک دشمن قوی را در لباس دوست در میدان عمل تبارز داده ایم و دوستان، و مردم مظلوم و محکوم خویش را از درون و از نزدیک ضربه می‌زنیم و نابود می سازیم که چنین تعین شدن

افراد مذکور خلاف اصول اسلامی ،بذات خود خدمت
برای دشمن وکافران است .

۶ـ درسنگرهای اسلامی ما بدرجه اول باید
برقوماندان وسرگروپ لازم وضروری است که روح
انقلابی وزنده را دربین همه افراد مسلمان ومجاهد-
ین را ه خدا "ج" خلق نموده وچهره درخشان آزادی را
در وجود شریف انقلابیون مسلمان مشاهده کرده و اخلاق
ومزایای جاویدانقلاب اسلامی را محک شناخته ،اسلام
وانقلاب اسلامی به اصول اصلی اش بالای خویش حاکم
ساخته بتوانیم تا افراد در وقت غلبه وشکست از اصول
اسلام وطرف فکر انقلابی منحرف وبیگانه نشوند و از
مسیر اصول انقلابی اسلام به بیراهه نروند وما از
طرف دیگر توانسته باشیم که بخاطر احیای بقای
انقلاب اسلامی کارما مفید تمام شود .

۷ـ هریک از افراد گروپ مجاهدین باداشتن
قدرت ویا ضعف روح انسانی را درنظرداشته باشند
میتوانند مطابق به مقتضای فطرت سالم انسانی
عمل وی ثابت کننده احیای انقلاب اسلامی شده
میتوانند وروح انقلابی را درفرد فرد زنده وبا تحرک
ساخته ادامه بقای انقلاب اسلامی را از انقلابیون
وپیروان انقلاب تضمین وخواستار شده میتوانیم .

۸ـ برادران موءمن ،مسلمانان ومجاهدین
قهرمان افغانستان شنیدن سخن سرمایه است ،بنا "

ا زسرما یه‌ا ستفا ده‌کردن را ه‌خوب بکا را ست ،ما با ید سخن ها ی همه‌برا درا ن آگا ه ، روشن ،صا دق ،وفادار مبا رزومجا هدرا بدقت گوش کنیم ،وخودخوا هی وجا ه‌طلبی را ا زخوددورنما ئیم‌وا غرا ض ما دیا ت درین مرحله‌ٔ آ زما یش یکطرف گذا شته ،مسیرا ه‌خدا"ج" راازرو ی قرآ ن وهدا یا ت مفید پیغمبرصلی ا لله علیه‌وآ له‌وسلم‌به‌پیش گیریم ،سرا نجا م‌آ زا دوموفق میشویم .

تعرض چیست ؟ :

تعرض عبا رت ا ست ا زحمله‌بردن ،هجوم‌بردن با لای دشمن وهسته‌نظا می وملکیت دشمن بوده دشمن را بطریقی خوردکردن ،تخریب کردن ونا بود ومنهدم‌کردن ا ست که‌جا ی بودوبا ش دشمن را با تمام ا متیا زا ت وا ختیا را تش ا زوی گرفتن وا ورا مطیع خودوطرزفکرخودگردا نیدن وسرا نجا م‌ا طرا ف و دور ، ونزدیک را ا زتما م‌موا نع فکری وجسمی پا ک وتصفیه نمودن ا ست وحق ا نسا نی وقا نونی آ نرا به زورتجا وزدرا ختیا رخوددرآ وردن تعرض ا ست .

مثا ل زنده‌ٔ آ ن روسها بعدا زفعا لیت ها ی زیرزمینی خودبه‌تجا وزعلنی خودبا لای طرزفکرها عقیده‌ٔ ما ،ا سلام‌ما ، موجودیت وهستی ما دست درازی وا زحدخویش تجا وزکرده‌ا ندکه‌ا ین عمل غیرا نسا نی

روسها تجا وزوتعرض است ،برما وموجودیت ما ،امنیت را درسرا سرافغانستان برهمزده است که ما درین جنگ روسها را مسوول مجرم درجه یک می شناسیم وگفته میتوانیم ،تعرض از نگاه نظامی به هیچ حالت درزمان ومکان منا سب شکل خاص اجراء وعملی میشود:

۱ـ تعرض از حال ولاړ : عبارت از تعرض روبرو ویا مستقیم بالای دشمن بوده که درین حالت ، مقابل خود مانع یا سدا یجاد شده گی با ندازهٔ قدخود داریم که از ضربه دشمن وآتش دشمن ما را محفوظ میدارد ویا اینکه ما قدرت از بین بردن وفلج کردن دشمن را داریم وبا آن روبرو یا مستقیم می جنگیم ودرغیر آن از جنگ روبرو استفاده کردن دارای نتیجهٔ منفی بوده ونابودی ما امکان دارد ، درین نوع تعرض پیروزی کم بوده امکان خوردشدن میرود .

۲ـ تعرض از حال نیم قدیا خم خم بسوی دشمن رفتن درین نوع تعرض ما دشمن را درحالت بی خبری از بین می بریم ودرمقابل ما مانع ایجاد شده نصف قد مار ا دربردارد یعنی مانع مکمل وسدمکمل ما نیست که ما را از ضربه هوائی وزمینی دشمن محفوظ داردبلکه ما نیمه قدخویش بالای دشمن حمله ورمیشویم البته جنگ ما درحالت اراضی قرارداردر ،سپربما حکم میکند که از وپیروی کنیم یعنی نیمه قدبجنگیم .

۳ـ تعرض از حال چارغوک : درین نوع تعرض

ما بهچها را نداً مبسوی دشمن درحال اداً مهجنگ وآتش میشویم ، این نوع جنگ دردامنههای صعب المرور وکوههای مرتفع وپستی ها وبلندی های اراضی وجنگل های غلوودلدل زارها کهدربین مردم ما بنام چارغوک یاد میشود ، انجام میشود ،البتهدربین تعرض مشکل دیگری موجوداست کهدراثرآن بهدوپای مستقیم مقابل دشمن حملهبردهنمیتوانیم ومجبوریم بشکل چارغوک دربین قطعهدشمن ،قرارگاهدشمن مراکزمهمنظامی دشمن درآمده ،دشمن را دروجودخود فریب میدهیم مثلاً" بشکل پشک ، روباه ، شغال بزوگوسفند میتوانیم اززیرسیمخاردار ،دیوارهای امنیتی ،سوراخ های آب برآمدهقرارگیریم ودشمن را درغفلت ازشناخت خودقراردهیم .

۴ـ تعرض ازحال پروت : این تعرض بشکل درازکشیدن روی اراضي صورت میگیردکهاین نوع مقابله وجنگ با دشمن وجودمانع وسدطوریست کهبایدخود را خوردبسازیم کهتا بافیروآتش دشمن ازبین نرویم بنا " خودرا روی اراضی درازکشیدهکهاین حالت را ، پروت مینامیم وبالای دشمن ازآنجا آتش وضربه مینمائیم ودرحال افشاء شدن بجناح راست یاچپ درحال غلطیدن جای خودرا تغییرمیدهیم وارتباط نظری با دشمن راازخوددوروفراموش نمینمائیم وباهمجوارخودارتباط نظری میداشتهباشیم ودرهر


قرآن مجید

جنگ ما تا بع ا را ضی وشرا یط جوی میبا شیم‌کـــه‌بـه هدا یا ت طبیعی وکسبی ا را ضی جنگ ها ی پیـــا ده را مجبورا " عمل میکنیم ،ا ین حرکت محا ربوی روی‌فشار زیا دصورت ودرا جرا یش موفقیت زیا دا ست .

۵ـ ترا بله : تیزتیزوکوتا ه‌کوتا ه‌قدم‌گذا شتـــن وبردا شتن ا ست ، ما وقتی تیزتیزبا عجله‌قـــــــد م برمیدا ریم‌وبعدا "قدم‌میگذا ریم‌که‌وقت کم‌دا شتــــه با شیم‌فشا رزیا دبا لای ما وا ردبا شدکه‌درصورت معطلی وتنبلی ما نا بودمیشویم‌درین حا لت فشا رووقت کـم بما حکم میکندکه‌درتحت آ تش وضربه‌ها ی دشمن بطرف دشمن ا را ضی را درنظرگرفته‌با قدم‌ها ی کوتا ه‌کوتـــا ه وسرعت زیا دخودرا بسوی دشمن نزدیک بسا زیم‌وقبـــلا" جا ی پروت وآ تش‌کردن را بهرحا لتی که‌قرا رمیگیریم درنظردا شته‌با شیم‌بشکل ما رپیچ ، (زیکزا ک)خـود را بدشمن نزدیک می سا زیم‌که‌درین حا لت نشـــا ن دشمن بما خوب عیا رشده‌نمیتوا ند ، وما را موردآ تــش قرا ردا ده‌نمی توا ندکه‌ا ین عمل ما خطرنا کتـــریـــن را ه‌نزدیک شدن بدشمن ا ست ، زیرا با آ ن ا زحلقومش خونش را می نوشیم .

ا لف : کوتا ه‌کوتا ه بخا طری قدم‌میگذا ریم‌کـــــه ا ستنا دومحکمی دا شته‌با شیم ،تیزتیزبخا طری قـــدم می گذا ریم‌که‌وقت کم‌را دربرگیریم‌وسلاح دست را بـــا مها رت جنگی ا ستعما ل کرده‌بتوا نیم‌ودرین نـــوع

عمل شجاعت وبی‌باکی ما رول عمدهٔ پیشرفت ما است.

ب : قبل از ترابله‌درجناح راست یا چپ ما امنیت گرفته میشود وبالای دشمن برادران امنیتی ما آتش وفیرهای ضربوی خویش را پی درپی ومسلسل شروع می نمایندودشمن را درشرایطی قرار میدهند که‌درین موقع از فرصت استفاده‌کرده‌خودرا بدشمن می رسانیم .

ج : تعرض یک شکل اساسی محاربوی بوده‌که سبواسطهٔ آتش سلاح دست داشته‌خویش دشمن را نابود ساختن ودشمن را اسیرگرفتن ،سلاح ملازمه‌آنرا به غنیمت گرفتن ویا ازبین بردن است .

برادران مجاهدنسبت نداشتن سلاح ثقیله همیشه‌بحال دفاع باشندوزمانی به‌تعرض دست بزنندکه‌دشمن را غافل ببیبیندمثلا" دروقت وزمان حرکت دشمن که‌آنهم‌پیش از پیش نزدیک را ه‌کمین ویا موضع خودرا اشغال کرده‌باشند .

ح : مجاهدین بالای دشمن بشکل گروپ وار که هرگروپ آن از پنج نفرزیادنباشدوفاصله‌بین هرگروپ آن از صدمترکم‌نباشد ،میتوانندهجوم‌ببرند درین حالت منځ بین هرنفرشش مترباشدکه‌دشمن قوای آنها را تشخیص کرده‌نتوانند .

خ : مجاهدین بعدازجابجا کردن گروپ های خویش سلاح ضدتانک ،راکت لاینچر(آر ،پی ،جی ،۷) —

آ ر ، آ ر ۸۲ را (درصورتیکه‌داشته‌باشند) آماده‌ساخته
بمجردرسیدن قوای دشمن درساحه‌نفوذی سلاح
اولین فیروآتش‌ازطرف قوای ضدتانک مجاهدین
بالای تانکهای دشمن شروع شود .
د : برادران مجاهدوانقلابی ما باچنان ضربت
وقوت بالای دشمن ضربه‌واردکنندکه‌دشمن معنویات
خودرا بباز دوجرئت آنها سلب شود ، ودرین وقت
سلاح جابجای ما باید بفاصله‌پنجاه‌یا صدمتر
یک تانک وزرهپوش ووسایط دشمن را تخریب کنند
ه : تانکها ویا زرهپوش‌ها ویا وسایطی که‌بین
وسایط تخریب شده می مانندعمله‌ومتباقی افراد
دشمن تحت تاءثیرآمده‌روبفرار می‌نهندودرین وقت
با سلاح های خفیفه‌وماشیندار آنها را تحت فیروآتش
گرفته‌وازبین برده‌شوند .
ذ : بایدمجاهدین برای دشمن وقت ندهند
که‌سلاح ثقیله‌خودرا عقب موترها بسته (جر) نمایند
خلاصه‌بازوبسته‌نکنندوسلاح هائیکه‌دافع هوااست
وبالای موترها نصب ویا جرگردیده‌است ،مجاهدین
کوشش کنندکه‌دشمن داخل موضع وسنگرنسازدودرحال
جرونصب سلاح‌های دشمن ازدست آنها سلاح برآید ،یا
نابودسازندویا به‌اختیارما قراربگیرد ،واگرسلاح ،
های دشمن جابجا واخذموضع کردندمقاومت دشمن
بسیارقوی میشود ، بایدازاخذموضع دشمن قبلاً"

بصورت جدی وحتمی جلوگیری گردد .

ر : مواضع مجاهدین طوری باید انتخاب شود ، که مرتسم آن به هوا نباشد واز طرف دیگر دریک نقطه بارز وبرجسته برای دشمن که از دور معلوم میشود نباشد ، که چنین موضع خطرناک بوده وامکان از بین رفتن افراد وموضع درا ولین فیر دشمن میرود .

ز : دروقتیکه جنگ بین مجاهدین وکافران ادامه دارد ، تانکها وزرهپوش های دشمن آتش وفیر خودرا آغاز می نمایند ، مجاهدین باید با قدامات جدی ورزمی خودبپردازند وقوای دافع تانک با سلاح های دافع تانک وراکت های خودبه فیروآتش شروع ، نمایند ، دودیکه درا ثرتخریب وانفجار تانکهای دشمن بوجود می آید اسباب پریشانی قوای دشمن را بارآورده ولاجرم از پیشروی خودمی مانند ، یا پیشروی آنها بطی میشودوبرای ما وقت مناسب پیدا میشود که تدابیر تعرض را خوب دنبال نمائیم وبدشمن باردیگرفرصت ندهیم .

س : وقتی که مجاهدین برقوای دشمن تلفات آوردند ، دشمن معنویات خودرا از دست میدهد ، ورو ، به فرار وگریز می نهند ، یا درمقابل ما ایستادگی می نمایندکه درا ثرآن تلفات سنگین را متحمل ، میشوندودرتحت فیروآتش ما خویش راازما دور یا نزدیک می سازند ، دریں اثنا مجاهدین باید زبم

ها ی دستی حدا کثرا ستفا ده نما یندوهمین جا ا ســت که دشمن به تسلیم شدن مجبور میشوند .

برا درا ن مجا هدما با یدا زفیرها ی ضربـــوی، ومسلسل خوددا ری نما یند ،زیرا مرمی ها ی شـــا ن دروقت کم تما م می شود ،وا گرجنگ طولانی شود ،ضربــه ها ی دشمن شدت می یا بدوما مجبورمیشویم ا زخــود دفا ع کنیم ،مرحلهٔ حسا س فرا میرسدکه تسلیمـــی دشمن میبا شد ،بنا " با یدقبلا "ما درحصه مصـــا رف مهما ت خودا حتیا ط تا دروقت ضرورت دچا رمشکـــلات نشویم وهم توا نسته با شیم با دشمن تصفیه حسا ب نمائیم

ش : گروپ ها ی مجا هدین کوشش کنندبا ضربه های متوا ترا فرا دبا قیما نده دشمن را ا زبین ببرند ،باید درگرفتن غنیمت همه مصروف نشوند ، وبه مرا م جهـا د که عبا رت ا زخوردکردن ،تخریب کردن ونا بودکـردن کا مل دشمن ا ست توجه جدی دا شته با شند .

ص : مجا هدین قبل ا زا ینکه به حل مشکـــل بپردا زند ،کوشش نما یندد شمن وقوا ی آ نرا درنظـــر گرفته وفیرها ی شا ن بصورت منفردووقفه دا ربخا طر ا ینکه آ تش شا ن دوا مدا رووقت زیا درا دربربگیـــرد ا دا مه دهندتا مقصدا صلی شا ن بدست آ ید ،یعنی دشمن به شکست موا جه شده وفرصت برا ی ما دسست دهدتا فیـر به خوبتربا لای دشمن درحا ل ضعف آ ن وا ردکنند .

ض : مطلب مهم وقا بل توجهی را که مجا هدین با یـد

درنظرداشته‌باشندحمله‌های ناگهانی طیارات بلند پروازوباسرعت دشمن است که‌بخاطرحمایه‌ومحافظت طیارات پست‌پرواز‌آنها یعنی هلیکوپترهای جنگی صورت میگیرد، ما درین وقت بایدبا سلاح دافع‌هوا ازقبیل : موشک ها ، راکت ها ومتباقی سلاح های زمینی دافع هوائی موجودخویش به‌آتش وفیرمسلسل شروع نمائیم‌وپیش روی طیارات دشمن پرده‌آتش را تشکیل کنیم‌تا طیارات دشمن موفق به‌بمباردمان اساسات نقشه‌خودنگردیده ،بمباردمان آنها بی اثرباشد.

ط : وقتیکه‌طیارات پست پروازوبلندپرواز ـ دشمن می خواهندبالای مواضع ما بمباردمان نمایند مجاهدین پیاده‌وتوپچی بایدهمه‌تا مسپرنمایند ودرین وقت‌ازشورخوردن بیجا جدا" خودداری شود وبرای موضع های دافع هواکاروووظیفه‌خویش‌انجام دهندودرصورت تعرض زمینی دشمن همه‌برادران مجاهد پیاده‌وتوپچی بالای دشمن فیروآتش را شروع کنند ونگذارندکه‌برادران مجاهدما درا ثربمباردمان وتاءثیرآتش‌قوای هوائی دشمن ازطرف قوای‌متعرض زمینی آنها ازبین بروند ،محافظت وارتباط نظری به‌قوای هوائی وزمینی شرط دفاع مجاهدین ازموضع وخودآنها درموقع جنگ میباشد، که‌بدین لحاظ، مترصدین وهمه‌برادران درارتباط به‌موضع آتش

دشمن مسوولیت مشترک دارند.

ظ: برادران مجاهد در تعرض قوای هوائی و زمینی دشمن باید از خالیگاهها، بالای قوای زمینی دشمن انداخت و آتش را اجراء کنند و درین وقت اگر امکان داشته باشد از عقب نشینی صرف نظر شود، زیرا درینصورت متشتت و پراگنده و پاشان شدن دشمن معنویات خودرا باز یافته و بفکر اشغال سنگرهای مجاهدین می افتند، مجاهدین درین وقت باید بخاطر بقای خود مقاومت نمایند تا قوای تیت و پراگندهٔ دشمن وقت پیدا نکنند که جمع شوند، باید درهمان حالت اولی بمانند تا از بین نروند.

ع: لازم به یادآوری است که شرط مهم به موفقیت رساندن جنگ با وجود داشتن سلاح دافع هوا و سلاح زمینی، فقط صبر و مقاومت و پشتکار می باشد، مقابل قوای دشمن توسط سلاح دافع هوا و سلاح زمینی خویش آتش متقابل نمائیم، آنها را هم بمرگ تهدید کرده و از عقب نشینی گروپ های خود صرف نظر کنیم، چنانچه مردهای جنگدیده گفته اند: معنویات عالی مجاهدین موثریت سلاح را بالا میبرد و در جنگ پیروزی را نصیب شان می سازد.

الف: بلی در عقب نشینی که تلفات می بینیم باید در جنگ با دشمن همان تلفات عقب نشینی را - متحمل شویم و دشمن را هم نیمه جان و هلاک و اسیر

کرده‌به‌آن تلفات جانی ومالی وارد نمائیم.

ب : بزادران مجاهدما وقتی که‌درمیدان جنگ کدام‌را ه‌عقب‌نشینی ندارند، باید زمساعی همه گروپهای مجاهد استفاده‌کنندوبالای دشمن ضربه وارد کنندودرصورتیکه قدرت برادران به‌پایان نرسیده باشد، یعنی مرمی های سلاح پیاده، بم‌های دستی مرمی های راکت لاینچر، مرمی های سلاح دافع هوا مرمی های سلاح ثقیله‌زمینی‌تمام‌شده‌باشد، وینا روبه‌اتمام‌باشدحق دارندکه‌عقب نشینی نماینـد وخویش را بیک نقطه‌امن برسانند.

ج : درصورتیکه‌اراضی کوهستانی باشد مجاهدین میتوانندبه‌ترتیب نوبت عقب نشینی نمایندودرعقب صخره های کوه‌ها خودرا پنهان نمایندودرآنوقت نوبت به‌نوبت ترصدنموده‌وترصد دوام‌داشته‌باشدویاهمه‌ترصد نمایندتادشمن آنها را غافل ویکجا اسیرنسازد.

د : درصورتیکه‌دشمن بشکست مواجه‌شد، مجاهدین دراین اثنا احتیاط را ازدست ندهند، دشمن را دنبال کنندوتلفات سنگین به‌آنها وارد سازند تادشمن مجبوربه‌تسلیم‌شودویا ازآخرین قدرت خود کاربگیردتاسرانجام‌ازطرف برادران مجاهدما نابودشودوسلاح ومهمات آنها به‌غنیمت بدست ما آید ودوباً ره‌نتوانندبا ما مقابله‌نمایند.

هـ : نیروهای مجاهد بایدبا بسیار دقت وهوشیاری با تکتیک ها واصول نظامی درمیدان نبرد جنگ ومقابله با دشمن عمل نموده ،هرکس به استقامت خودوساحه نفوذی سلاح خودبطرف دشمن حرکت کنند وهمه دریک نقطه جمع نشوند ، زیرا بیک فیروآتش دشمن چندین تن شان ازبین میرودوکوشش زیاد شود که برادران معنویات خودرا دروقت خطرجانی ازدست ندهند ،مرگ وزندگی را هردوزندگی بدانندومطمئناً نه بجنگند .

و : برادران مجاهدما وقتی غنائم را جمع کنند که دشمن اسیریا نابودشده باشدیا توان ایستادگی وفیر را بالای ما نداشته باشند ، وبایدبسیار احتیاط شود که مبادا زیرآتش سلاح ها ودیگرمهمات دشمن چون مین ، بم‌دستی ، بم‌های ساعتی ، بم‌های فشاری قرارگیرند .

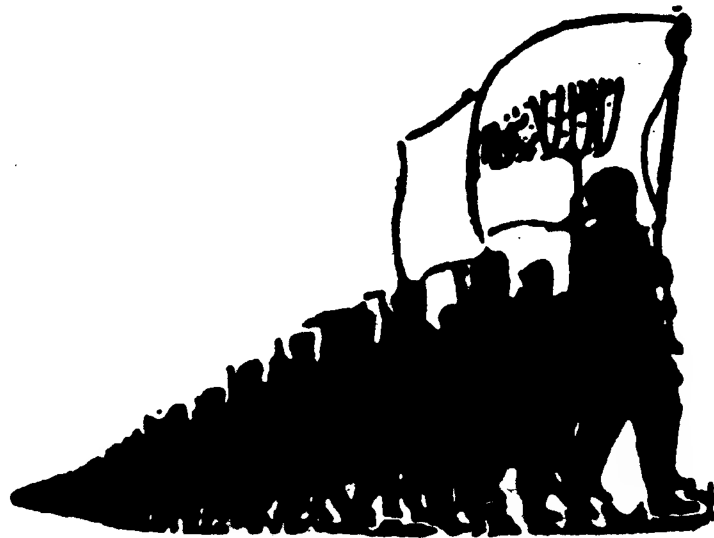
نوت : معلوم‌کردن وازبین بردن بم‌های تعبیه‌شده ازجانب دشمن :

الف : اول مجاهدین پیش ازآنکه سلاح غنیمتی دشمن رااززمین بردارند باید ازفاصله دورکه برای خودمجاهدضرر نرسد یک فشار بالای سلاح که درزمین افتاده وارد سازند که سلاح اززمین بیجا شودواگر بم‌گذاشته‌شده باشد ، دراین حالت بم‌ها ن اغلب انفجار می‌نماید ودراینصورت مجاهد پروت کندتا ضرری

برایش نرسد .

ب : مجاهدین قبل ازآنکه سلاح خفیفهٔ دشمن را بالامینماینداز مااست درفاصلهٔ ۲۰ متردوراز سلاح پروت نمایند ،بعدمشاهده نمایندکه آیا درزیر سلاح بم است ویانی ،درصورتیکه بم باشد ،بالای سلاح فشاروارد نمایندتا باپارچه‌شدن توته‌های بم نه مجاهدتلف شودونه سلاح ازبین برودواگر بم نبود سلاح باید ازجای خودبیجا شودوبعداز حصول اطمینان سلاح گرفته شود .

ج : برادران مجاهدما دروقت جمع نمودن غنائم کوشش انضباط ،نظم ودسپلین اسلامی ونظامی را از دست ندهندوبه‌قوماندهٔ قوماندانان ویاسرگروپ خودگوش داده وهدایاتش را پیروی نماینده‌وهیچکس ازبرادران مجاهدما مثل دزدان وچپاولگران درحصهٔ مال غنیمت عمل ننمایند ، غنیمت ها مطابق اصول اسلامی جمع آوری شودوبعدا" باشخاص مستحق آن سپرده‌شود ،درحصه تقسیم غنائم بین برادران مجاهد عدالت درنظرگرفته‌شودتا درصورت عدم مراعات عدالت ازیکطرف خداوندجل جلاله قهرنشودواز جانب دیگردربین برادران اختلاف ایجادنشودواز ین طریق رضایت همه برادران مجاهد ،تقویت واستحکام نظام اسلامی یعنی خلافت حاصل شود ، تقویهٔ بیت المال مسلمین جهت پیشبردجهاد اسلامی باید همیشه درنظر



مشخصـــــــــــا ت

نا م کتـــا ب : دشمن را محا صـــــر ه‌کنید .

مــوء لـــــف : محمدبلال "نیـــــــرم " .

نا شـــــــــر : قرا رگا ه‌جندا لله ،ولایت کا بل .

تیـــــــــرا ژ : (۵۰۰۰) جلـــــــــــد .

تا ریخچا پ ا ول : ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ هـ ش .

تا ریخچا پ دوم : ۱۳۶۷/۹/۲۵ ،هـ ،ش .

ادرس پستی ـ پاکستان ـ پشاور ـ پست بکس(۵٦۰)

برادران باشد .

د : برادران مجاهدوقتیکه دشمن خدا جل جلاله ورسول صلی الله علیه وآله وسلم را اسیر میگیرند باید با آنها مطابق هدایات خداوندجل علی شانه واحادیث پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم معامله واجراءآت صورت بگیردواز برادران مجاهد مسلمان کس حق ندارندکه بدشمن جزای خلاف احکام شریعت بدهند ،زیرا چنین روش نه تنها سبب جرم وننک برای مسلمانان ها میگردد ،بلکه عدول ازاحکام شریعت ، ظلم وتعدی را درقبال میداشته باشدواین بزیان مسلمانان ها ونفع دشمن منتج میشود ،بنا "از جزا های خلاف شریعت جدا " دست کشیده شودولازم است که با درنظرداشت کرامت انسانی با دشمن برخورد صورت گیرد .

ه : برادران مجاهددروقت گرفتن غنیمت وجمع آوری آن بایدامنیت منطقه را خوب بگیرند همه با طراف غنایم جمع نشوندچه بسا اوقات دیده شده که وقتی مجاهدین حین جمع آوری غنایم امنیت خود را نگرفتند ،بنا " برآن ازطرف دشمن ضربه خورده اند لذا کوشش نمائیم با چنین بی احتیاطی ها ازطرف دشمن باید ضربه نخوریم وتحت فیر ،آتش وتعرض دشمن قرارنگیریم وبرما لازم است که امنیت منطقه را منظم ، وبا توماندهٔ واحدبگیریم ودرختم جمع کردن غنایم

همه بیک قوماندهٔ منطقه را ترک بگوئیم ودر صورت داشتن قوت از منطقه دفاع کنیم.

۱- برادران مجاهد گروپ امنیت در وقت گرفتن وجمع آوری غنایم حق ندارند، امنیت منطقه وبرادران را رها نمایند چون وظیفه معین گروپ امنیت فقط امنیت برادران وامنیت منطقه است افراد این گروپ چون در جریان حمله مشترکاً با دیگر برادران خود جهاد و پیکار کرده اند، بناً آنها در غنایم مثل برادران دیگر خود حق دارند، لذا مطمئن بوده و وظیفه خود را انجام بدهند.

۲- برادران مجاهد حق ندارند که غنایم را مخفی و پنهان سازند و در آن تصرف ناجائز نمایند، غنیمت مال همان مجاهدینی است که در جهاد عملی با دشمن جنگیده اند و از آنها مال وسلاح ودیگر چیزها بدست آورده، حق شرعی مجاهدین سهیم در عملیات است که باساس حکم خداوند جل علی شانه و رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، اول غنیمت بین شان تقسیم شود تا بنیه اقتصادی مجاهدین تقویت گردد وبه اطمینان خاطر جهاد نمایند.

۳- برادران مجاهد وقتی اسیر را میگیرند، باید خیلی کوشش نمایند که برای اسیر چون انسان است دشنام ندهند، لت وکوب نه نمایند، اسیر را باید تحت محاکمه اسلامی قرار دهند که آنجا باید انضباط اسلامی

استوار باشد، اسیر به محکمه اسلامی و دادگاه اسلامی نزد قاضی، قوماندان و آمرین مسوول در وظیفه اسلامی تسلیم شود تا اشخاص موظف بعد از تحقیق و بررسی فیصله شرعی را مطابق فرمان خدا جل علی شانه و حدیث حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم صادر نمایند و اگر عفو در حصه اش آمد، عفو و بخشیده شود و اگر جزا با لایش آمد، جزا داده شود.

۴ـ قبل از فیصلهٔ شرعی هیچکس از برادران مجاهد حق ندارند که خودسرانه در حصهٔ اسیر اجراءآت و عمل کنند.

محاصره:

عبارت از حلقهٔ گرداگرد است که در اطراف دشمن توسط فیر و آتش و قدرت ایجاد می شود، درین وقت دشمن درسخت ترین حالت جنگ قرار میداشته باشد و اگر برعکس ما از جانب دشمن درین حلقهٔ محاصره قرار بگیریم در حلقهٔ محاصره معنویات افراد حفظ و مورال افراد بالا و از تجارب خوب جنگی کار گرفته شود، طبق ذیل رفتار شود:

الف: در محاصره مجاهدین سه قسمت یا دو قسمت شوند، بعد از آن همه با هم مقابل دشمن آتش را شروع کنند تا دشمن در مواضع خودسر خود را پائین کنند و از جهتی که مجاهدین میخواهند برآیند، قدرته

یک پوسته وگروپ خویش را تقویت کنند ،یعنی از دوگروپ مجاهدین کم شوند وبگروپ سومی بپیوندند

ب : دوگروپ دیگرمجاهدین متواتربالای دشمن فیروآتش کنندوگروپ سومی به جهتی که میخواهند بروندبه تقرب خویش بشکل ترا بله پیش شوندوبا ،، فیرهای متواتربالای دشمن ازتحت تاءثیرنفوذ آتش سلاح دشمن خارج شوندوبعدا "برای معاونت به مجاهدین ازعقب وپشت سردشمن غافلگیرانه ضربه وارد کنندکه دشمن متوجه گروپ سومی شودودوگروپ دیگربتوانندبشکل ترابله واجرای آتش ازحلقه محاصره بیرون آیند .

ج : درمحاصره مجاهدین همچوگرگ گرسنه ای که خودرا بدیده شیرمیزندازهیبت وخشم انقلابی خود کارگرفته با فیرهای پی درپی وبا انداختن بم های دستی باصدای الله اکبربطرف یک جناح دشمن یورش وحمله ببرندودرصف باطل ضربه وارد نمایند ،تا دشمن تخریب ونابودشودوراه برآمدن ازحلقه محاصره باز شود .

مجاهدین با ادامهٔ تاءمین امنیت خودازساحه نفوذ دشمن دورساخته به نقطهٔ امن برسانند .

د : وقتی ما درمحاصره دشمن قرارمیگریم که در اجرای وظیفه غفلت کرده باشیم ،اسم معرفت را بدشمن داده باشیم ،پهره را بصورت درست وکامل انجام نداده

باشیم ودرنقاط بارزومهم ،پهره ایستاده نکرده باشیم وآنجا خالی باشد ،دشمن نقاط مذکوررا ازما بگیرد وقوای خودرا جابجا کرده از آن نقاط بالای ما بتواند آتش نماید ودرنتیجه ما تحت تاثیردشمن قرار بگیریم ومحاصره شویم .

و : ویا زمانی درمحاصره دشمن قرار می گیریم که قدرت ما کم شود ،یعنی مرمی های ما تمام شود وافراد برجسته وجنگی ما شهید شوند ،معنویات مجاهدین روبه ضعف باشد .

بهمین ترتیب مجاهدین ما زمانی درمحاصرهٔ دشمن قرار می گیرند که قدرت فرماندهی ازآنها ، سلب شود ، ارتباط بین افراد قطع شود ،قوماندان، شهیدشود ، ویا قوماندان اسیرگردد ودرهمین وقت دربین مجاهدین کسی دیگری نتواند که فرماندهی وقوماندانی را بدست گیرد .

خ : زمانی ما درمحاصره دشمن قرار می گیریم که راه عبورومروروپیاده ٔ دشمن را قبلا "مسدودنکرده باشیم وازطرف دیگرراه تانکها ی دشمن وزرهپوشها ی آنرا قطع وبندنساخته باشیم ،اینجا ست که ما تدابیر قبلی دفاع وامنیت را ترک نموده ایم وبرای دشمن وقت وراه داده ایم درنتیجه به محاصره دشمن قرار می گیریم وابتکارعمل را بدست خودبدشمن میدهیم

ط : وقتی برادران مجاهدما درمحاصره دشمن

قرا رمیگیرندکه از پنج جهت تحت آتش قرار گیرند
وچهار طرف مجاهدین توسط قوای زمینی دشمن
گرفته شود واز طرف هوا نیز توسط قوای هوائی دشمن
یعنی طیارات جنگی تحت آتش قرار بگیرند .

ظ : وقتی مجاهدین درمحاصرهٔ دشمن قرار می
گیرندکه جاسوس وراپورچی دشمن دربین مجاهدین
نفوذ کرده به لباس خودشان داخل فعالیت گردد
راپورهای مجاهدین را یکایک بدشمن بدهد ومجا ـ
هدین اورا نشناسند .

ص : مجاهدین وقتی درمحاصرهٔ دشمن قرار
میگیرندکه از منطقه تحت نفوذ خود از موضع‌ها وسنگر
های خود از مرکزیت وپایگاه خود بدرستی آگاهی نداشته
باشندودشمن را پورموثق را بدست آورده ، نقشه
کروکی سنگرها ،نوعیت وتعداد سلاح مجاهدین را کشف
کرده باشد .

ض : مجاهدین وقتی درمحاصرهٔ دشمن قرار
میگیرندکه قوای دشمن بسیار زیاد ومنطقه بودوباش
مجاهد بدشمن نزدیک وقوت مجاهدین کم باشد ، و ،
مجاهدین مسوولیت داشته باشدکه از منطقه خود
حفاظت ونگهبانی نمایندودشمن درین حالت جنگ
را دوامدار میسازدواز عقب قوای تازه‌دم می فرستد
وبا قوای سابق دشمن یکجا شده وبه قدرت دشمن
می افزایدواز جانب ما نظربه نداشتن مهمات وتمام

شدن مرمی ها ،جنگ ما با دشمن بطی میشودودشمن پیش می آید ،میشوددرمحاصرهٔ دشمن قرارمی گیریم وحلقه محاصره به تدریج برما تنگ میگردد .

ع : پیش ازآنکه مجاهدین درمحاصرهٔ دشمن قرار بگیرند باید مرمی های ذخیره وی وموادارتزاقی داشته باشند تا درموقع محاصره از آن استفاده نمایند تا با نبودن موادارتزاقی ومواد نظامی از بین نروند .

غ : وقتیکه مجاهدین ما درمحاصرهٔ دشمن قرار بگیرند ،کوشش نمایند که موضع وسنگررا درجائی بگیرند که عقب مجاهد قوای دوست باشدودرحالت فشار بتوانند نزدآنها پناه ببرندوآنها بتوانند با مجاهدین کمک نمایند ،هرسنگروموضعی که راه کمک رسانی ومعاونت داشته باشد ،مجاهدین آن هیچگاه محاصره نمیشوند ،شاید برای چندساعت درمحاصره بمانند ولی با رسیدن معاونت از جانب دوست خود حلقه محاصره را می شکنند .

ف : مجاهدین وقتی که درمحاصرهٔ دشمن می افتند کوشش شود از هوای بارانی ،هوای گردوغبارآلود استعمال مرمی هاوان ،تاریکی شب استفاده کرده بالای صف باطل حمله ورشوند با چنان فشار بالای دشمن آتش نمایند که دشمن مجبورشود ،برای مجاهدین راه بدهدودرشب بدشمن نزدیک شدن به ترتیب

ذیل می باشد :

۱- مجاهدین سه پوسته شوند ، یک پوسته آنها یکطرف و بیک جناح دشمن بروند و در تاریکی شب ایستاده یا به چارغوک و یا بهترتیبی که مناسب باشد و موقعیت شان برای شان اجازه دهد بطرف دشمن تقرب کنند .

۲- دوگروپ باقی مجاهدین آهسته ، آهسته از جناح راست و چپ پیش بروند و فیر نکنند ، شروع جنگ ورسیدن بالای دشمن تنها وظیفهٔ گروپ اول است .

۳- دوگروپ مجاهدین به انتظار قوماندهٔ آتش گروپ اول باشند ، وقتی که آتش گروپ اول شروع شد ، این دوگروپ هیچ فیر نکنند ، آهسته آهسته خود را بدشمن نزدیک بسازند و به وقت معینه که قبلا" بین هرسه گروپ تعین شده از دوطرف از فاصلهٔ نزدیک فیر را شروع وقوماندهٔ تسلیم شوید را بدشمن بدهند گروپ سومی هم به فعالیت خود جدی شود ، دشمن را تحت آتش خود قرار بدهند .

۴ - فعالیت وعمل نمودن برادران طبق وظیفه محوله و سپرده شده سرانجام دشمن را به شکست مواجه می سازد ، بدین معنی که پهره داران پهره خود را بدقت انجام دهد ، گروپ امنیت محافظت برادران را بصورت جدی درنظر بگیرد ، گروپ تعرض وتخریب بوظیفه خود ادا مه بدهند ، قوای منظم وکثیر دشمن را با بسیار

خوبی وآسانی میتوانند خورد، تخریب ونابود بسازند

۵ ـ وقتی که قوای مجاهدین احتیاط را از دست ندهند وبگذارند که دشمن سیل آسا بداخل منطقه بیاید ومجاهدین درکمین خویش آماده فیر وآتش باشند، همینکه دشمن درساحه آتش مجاهدین رسید، مین راکت لاینچر، بمهای دستی همه استعمال شود ومجاهدین درپوسته های تقسیم شدهٔ خود درفاصله های مناسب ومعین جا بجا باشند وبا یک قوماندهٔ واحد شروع به جنگ نمایند وبا شروع شدن جنگ کوشش شود مرکزفرماندهی دشمن از بین برود وارتباط بی سیم ومخابره دشمن هرچه زودتر قطع شود تا افراد دشمن سراسیمه وپریشان درهرحصه تحت فیر وآتش مجاهدین خورد شده به مجاهدین تسلیم شوند ویا درا ثر مقاومت از بین بروند .

۶ ـ وقتیکه مجاهدین درعملیات خود مقابل دشمن قرار میگیرند باید جهت وسمت را بشناسند وحرکت با شناخت جهت ومجاهدین درحال جنگ مشکل راه یابی را آسان کرده، راه هیچگاه گم نمیشود

آنچه برای یک مجاهد ضروراست :

مجاهد باید بالای سلاح دست داشته خویش فوق العاده حاکمیت داشته باشد وبطرز موثر آن را استعمال کرده بتواند یعنی خواص تخنیکی وتکتیکی سلاح، منزل

موء ثر ، منزل اعظمی سلاح ،صورت انداخت ونوعیت سلاح را با اندازهٔ مقاومت آن به‌خوبی بفهمدوبطور خلاصه تکتیک استعمال سلاح را یاددا شته‌باشد .

تکتیک عبارت ازروش خاص ، عمل خاص ،طرز-برداشت خاصی می باشدکه‌مجاهدین درجنگها طبق آن عمل می‌نمایندوبه‌طرزمعین وخاص اجراء میدارند . به‌مجاهدین لازم است که‌قبل ازجنگ ودرزمان جنگ مواردآتی را درنظربگیرند :

الف : امنیت :

عبارت ازتدابیرقبلی است که‌ما بخاطرحفظ خود ،مهمات وسلاح خود ،پایگاه ومرکزیت خود ،قرارگاه،وهسته مرکزی وکدررهبری خود وهمه‌هستی وموجودیت خوددرنظر می گیریم‌وبرای دفاع ازخویش وهمه‌چیزها آنرا موردتطبیق قرار میدهیم‌وبا احساس بروزخطروحادثات ناگهانی ازطرف دشمن حاضربوده‌وقدرت تعرض را هم‌با یدداشته‌باشیم ، وجواب بالمقابل برای دشمن ویا بالاترازآن نزد ما وجودداشته‌باشد .

۱- امنیت یکی ازشرایط بسیارمهم‌برای تمام امورزندگی مخصوصا " درصحنه‌های جنگ وجهادمحسوب می شود ، دریک کتله ،یک جمعیت ، یک ملت ودولت اگرامنیت نباشدملت وجمعیت مذکوربتدریج ضعیف گردیده محکوم‌به‌نابودی خواهدشد .

مقدمه

تطورات وگوناگونیهای متعددونهایت زیاد ساحات ،زمینه ها وجوانب زندگی ومعیشت انسان درروی زمین ،مطالعات بررسی ها ،تحقیقات، وکشفیاتیکه دررابطه با آن تاامروزصورت گرفته ویک جریان ممتدودوامداررا دنبال میکند ،وهم توجه ودقت ویاکوشش وتلاش آنعده از انسانهائیکه به خواسته ها واقتضاءات فطری وطبیعی شان (فرار ازمجهولات بسوی معلومات) لبیک گفته اند ،منتج به معرفی یک سلسله ارزشهای شده که حقیقتا "بدون وصلت وتوسل به آنها پشت سرگذاشتن زندگی ندامت وپشیمانی را برای انسان بجاخواهدگذاشت ، و آه وفریادی را درسینه اش جاخواهددادکه حاصله اش بازهم جزخودخوری ودلهره چیزدیگری نمی باشد.

شناخت ومعرفت هریک ازارزشهای پوشیده ومکتون ((درلابلای ناآگاهی ها وعدم معلومات انسانهای نامتجسس ،کسانیکه برخلاف گرایشهای متعالی وبخشیده شدهٔ الهی حرکت کرده اندوبدون تفحص وپویائی بسربرده اندتفکروتعقل راکنارزده اند خردوعقل رابدون استفاده وغیرفعال گذاشته اند))

۲ـ یک گروپ ،یک اجتماع وبالاخره یک دولت اگر ازدوروپیش داخل وخارج خودغافل وبی خبرمیباشد، خودسری ها وبی پروائی ها برآن حکمفرما میگردد وهیچیک ازافرادمسئول وظیفهٔ محوله را بدرستی انجام نمیدهد، امنیت آن کتله واجتماع برهم میخورد وازبین میرود.

۳ ـ گروپ ویاافرادیکه برای امنیت یک قطعه تعین می شوندحق ندارندکه بوظیفهٔ محوله خویش سرسری نگاه نمایندوآنرابی اهمیت جلوه دهند محافظت،مراقبت دقیق ونگهبانی اشیاء محلات وموضع هائیکه برای شان سپرده می شودازوظائف نهایت عمده وباارزش آنها می باشد.

۴ـ تاءمین خود ،مرکزیت ، پایگاه ،هیئت اداره کننده نظام قراول ، قرارگاه مجاهدین ،نقاط مهم سوق الجیشی ومنابع ارزشمنداقتصادی مملکت، ازقبیل فابریکه ها ،استیشن رادیوتلویزیون مخابرات ، بندبرق ،استیشن برق ، منابع گاز وپطرول ودیگرموادخام وپخته ازکارهای حساس مجاهدین است تاآنزمان مسئولیت دارنددرحفاظت، ونگهداری آنها کوشش بخرچ دهندکه قدرت وتوان شان برای شان اجازه میدهد ،مرآنها یراست که مملکت را با همه چیزهایش مال وحق خودبدانندو دفاع ازآنرا وظیفهٔ اسلامی خودداین وقت است که

درحصه امنیت ونگهداری آن احساس مسئولیت کرده اند، مکلفیت خودرا دربرابر آن بصورت صحیح شناخته اند وتا آخرین دم از آن دفاع میدارند.

۵ ـ امنیت خود مجاهدو ساحه تحت نفوذش بسیار مهم وضروری بوده وبایدتمام نقاط بارزومهم سوق الجیشی وعسکری اش راکه ارزش حیاتی دارد درنظر گرفته شود تا خالیگاه ها بدون امنیت نماندواز آنجا دشمن درخود منطقهٔ مجاهدین نفوذ کرده نتوانند ومجاهدین را ضربه نزنند ،مجاهدین آمادگی قبلی دفاع ازخودرا باید داشته باشد.

۶ ـ برادران مجاهدانقلابی ومسلمان ما می دانند، که درنگهداری ومحافظت دین اسلام ،ناموس ووطن همه افرادوطن بجزخائنین که خودووطن را به روسها فروخته اند سهیم هستیم ،بنا "همه باهم درامنیت اسلام ووطن کمرهمت بسته ومساعی مشترک اسلامی وانسانی را بخرج دهیم ،زیرا انسانهائیکه دین ووطن ندارند دیگرچو موجودات بی ارزش وآواره ،از یکسو بدیگرسو با کمال ذلت وخواری بسرخواهند برد.

نوت :

قبلاً گفتیم که ترابله عبارت ازمارش، مارش های کوتاه وتیزاست که درتحت تاثیر آتش دشمن اجراء میشودوبه اشکال آتی اجراء می شود :

۱ـ ترابله ازحالت ولاړ ،زمانی ازین حالت

ترا بلهٔ اجراء می شود که از طرف دشمن دیده نشویم
وما بتوانیم ولار بجنگیم.

۲ـ ترا بلهٔ از حالت خم،خم رفتن درصورتی اجراء
که سپرما را درحالت ولار پنهان کرده نتوانند،ما
ازا راضی استفاده کرده بشکل خم خم،ترا بله میکنیم
وبطرف دشمن پیش می رویم.

۳ـ ترا بلهٔ از حال چارغوک وقتی اجراء می شود
که بشکل خم خم بطرف دشمن نزدیک شده نمیتوانیم
سپرکوچک است درین وقت چارغوک را شروع وبطرف
دشمن پیش میرویم.

۴ ـ ترا بلهٔ از حالت پروت وقتی صورت می گیرد
که سپرکاملا"خورد باشد ویا هیچ سپر موجود نباشد
بطرف دشمن پیش میرویم که بشکل لولیدن اجراء
میشود.

۵ ـ زمانی که انسان از حالت ولار از طرف دشمن
دیده می شود از حالت خم خم ترا بلهٔ اجراء می شود
ودرین وقت تفنگ را از حصه مرکزی آن بدست گرفته
وبه بسیار سرعت به موضع جدید خود را می رسانیم وبعداً
از آن آتش متقابل را بالای دشمن شروع می نمائیم.

۶ ـ زمانیکه در حالت چارغوک ترا بله صورت
میگیرد باید بند تفنگ بگردن انداخته شود،بالای
هردو سر پنجهٔ پاها ودست به بسیار سرعت به موضع جدید
برسانند.

۷ ـ ترابله از حالت پروت به سینه و آرنجها و زانوها وقتی اجراء می شود که اولا" ما پروت می نمائیم و تفنگ خود را از زیر بند توسط دست راست گرفته خود را به پهلوی چپ خوابانیده توسط دست چپ و پای چپ لغزانده به موضع دشمن خود را می رسانیم و کوشش بخرچ میدهیم که دشمن را یا اسیر و یا نابود سازیم.

تکتیک ترابله :

الف : احضارات ترابله که درین وقت هرکس چهار طرف خود را دیده که در موضع چیزی را بجای نگذاشته باشد، مرمی، چاننه، ریسمان، پتک وغیره لوازم خود را معاینه مینماید، وبعدا "به ترابله می پردازند لیته قبلا" با خود می سنجد و فکر میکند که موضع جدید خود را درکجا انتخاب کند و بموضع جدید از کدام راه برود و بچه ترتیب برود، وبعدا " ترابله آغاز می شود، البته از طرف راست و یا چپ موضع خود حرکت مینماید، اگر دشمن ما را دیده و موضع ما را نشانی کرده باشد ما بحالت ولار از موضع خود حرکت را شروع نمی کنیم، زیرا درآنصورت به فیر اول دشمن از بین می رویم.

ب : اجرای ترابله وقتی است که انسان به عمل ترابله آغاز می کند و عملی می نماید و بطرف دشمن

ویا خلاف آن پیش میرود .

ج : مرام ازختم وانجام ترابله آنست که انسان خودرا بموضع جدیدکه انتخاب نموده برساند ،طبیعی انست که موضع عقب یک سپرکه بشکل سدیا مانع بوده باشد ، انتخاب می شودودرین وقت انسان اولا" از طرف چپ ویا راست موضع بطرف دشمن دیده تا هدفه خودرا تعین نماید وارتباط نظری را با دشمن استوار می سازدوبعدا "مسافه را تخمین نموده انداخت را شروع می نمایدوبا افشاء شدن موضع مکررا " خودرا ازموضع لغزانده عقب موضع دیگرمیرساندوآنجا تفنگ خودرا پرومسافه تخمین شده را درنشانگاه بسته نموده به فیروآتش خودادامه میدهد .

د : زمانیکه امرترابله ازطرف قوماندان داده می شود ،اجرای ترابله بین همه گروپها وافراد مراعات شودتا ازطرف برادرخودضربه نخورد ،بطور مثال : مجاهدانی باسم عبدالصمدونورالدین جوشی میخواهندترابله نمایند ، عبدالصمدبرای نورالدین می گوید : که هدف مرا تحت تاءثیرفیروآتش خودبگیر که من ترابله می کنم ،نورالدین میگویدمن هدف شما را تحت تاءثیرفیروآتش خودگرفتم ،شما ترابله نمائیدبه همین ترتیب نورالدین بدیگربرادران — میگوید ، ونورالدین هم بنوبهء خودترابله می کند ومثل عبدالصمدترابله خودرااجراء می نماید ،بر

مجاهدین لازم است که بصورت دسته جمعی ترا بله ننمایندکه از طرف دشمن یکجا از بین برده میشوند .

ه : مجاهدین بخاطری که آتش بالای دشمن قطع میشود و دشمن درین وقت موقع را مناسب دیده واوضاع را به نفع خود یافته و از موضع سرخود را بالا کرده بیک ضربه همهٔ ما را تیت و پراگنده ساخته و نابود می کند ،بنا " ترابله باید منفرداً نه ،منظم با حمایه آتش مجاهد اجراء شود .

و : آنچه مهم و قابل توجه میباشد اینست که قبل از ترابله موادآتی باید در نظر گرفته شود :

۱- هدف کجا جابجا است .

۲- موضع جدید مجاهد در کدام جای باشد .

۳- از چه راه خود را بدشمن نزدیک بسازد .

۴- فاصلهٔ چند متر را ترابله کند .

۵- چند دقیقه و ثانیه ترابله کند .

دفاع چیست ؟ :

دفاع عبارت از دور ساختن و دفع کردن ضرر است که از سوی دشمن متوجه ما گردیده و یا به عبارهٔ دیگر تدابیری است از نگاه نظامی که در وقت برخورد با قوای دشمن مجاهد میتواند مانع پیش آمد دشمن بطرف سنگرهای خود منطقه خود میشوند که درین حالت مجاهد میتواند از خود نگهداری کرده و از همه چیز خود

حمایه ونگهداری مینماید که درین حالت قدرت ما نسبت به قدرت دشمن کم وضعیف است وقدرت تعرض را نداریم .

۱ـ دفاع وقتی صورت می گیرد که هجوم وحمله دشمن باشد وما را متضرر بسازد ، بنا"ما بخاطر طرد ضرر خود حاضر به جنگ شویم .

۲ـ در دفاع تلفات کمتر است نسبت به تعرض .

۳ـ در حالت دفاع مجاهدین کوشش نمایند که جای خود را بدشمن نشان ندهند و مرمی های خود را بدون تثبیت هدف فیر نکنند .

۴ـ در دفاع مجاهدین باید بالای دشمن متحرک از حال سکون فیر و آتش کنند و نگذارند دشمن را که حالت سکون را با خود بگیرند ، باید دشمن متعرض پا درهوا باشند ، موضع ثابت وساکن اخذ کرده نتوانند

تقرب :

عبارت از نزدیک شدن است که از اراضی هموار ، پست ، بلند ، جنگل ،کوه ،دریا ویا مانع یا سد استفاده کرده دشمن را درنظر داشتن ارتباط را از دشمن از دست ندادن وقسمی خود را به دشمن رساندن است که قبل از رساندن از بین نرویم وتحت آتش دشمن قرار نگیریم وما توانسته باشیم پلان خویش را به مجرد رسیدن بدشمن عملی وپیاده کنیم ،این نزدیکی به اشکال مختلف شده میتواند :

۱ـ ما باید دشمن را فریب بدهیم .

۲ـ غافل بسازیم .

۳ـ از جناح راست ویا چپ ویا سمت دیگر قوای اصلی ما پیش بیایند که آن سمت را دشمن نقاط امن وبی خطر میداند وهیچ فکر نمیکند که از آنطرف خطر پیش میشود .

۴ ـ وهم با دریافت اسم شب یا روز وشفر آنها ارتباط را خوبتر در بین دشمن برقرار ساخته باشیم تا بخوبی در بین دشمن نفوذ کرده وقلب دشمن را زخم زده پا ره سازیم واسم شب ویا اسم روز یا اسم معرفت که کلید باز کردن راه دشمن برای مجاهدین است به هر ترتیبی که ممکن باشد بدست آریم البته بهمان اندازه موفقیت ما بیشتر می باشد .

۵ـ ما خودرا بدشمن بدون اضطراب وبا قدمهای متین غافلگیرانه با استفاده از ابتکارهای جدید که مربوط فهم وتدبیر مجاهدمی باشد ،نزدیک میسازیم

۶ ـ دربین آب پیش آمدن ، از استروا خفاء زمین استفاده کردن ،برای دشمن صداهای مانند صدای حیوانات ،پرندگان ... ها وديگرچيزها ئيكه در گوشها عادی بشد خلق کردن ودشمن را متوجه آن ساختن وبعدا "پیش رفتن .

۷ ـ درنقاط دوراز محل پهره داری ،محل ترصد یک حادثه را بدشمن خلق کردن ودشمن را متوجه آن

ساختن وازنقطه موردنظربشکل پشک ، حیوانات
چارپای ،دربین قوای دشمن ،قطعه دشمن درآمدن
وپیش رفتن .

کمین :

کمین عبارت ازموضع وجاییست،
که ما درآنجا خودرا جا بجا می کنیم وبشکل پشک که
برای گرفتن موش خودرا آماده ساخته ، قابودادنست
ما نیزخودرا برای دشمن آماده می سازیم وقبلا"
بخاطرحمله خودرا مخفی مینمائیم وبا رسیدن دشمن
درساحه نفوذ فیروآتش ما عملیات خویش را شروع
مینمائیم ونقاطیکه دریک کمین ضروری است آنرا
درنظرمی گیریم :

۱- ما کمین کنندگان خویش را ازنظردشمن پنهان
کرده زیادکوشش می کنیم که غافلگیرانه بالایش ازحال
سکون خودضربه وآتش نمائیم .

۲- بالای دشمن قوی هیکل وزیاد با چنان هیبت
وخشم انقلابی ونظامی خویش آتش کرده وحمله ورمی
شویم که دشمن درتحت تاءثیرآتش پی درپی ما
معنویات خودرا کاملا" ازدست بدهدودراثرفشار
ما مجبوربقبول امروقوماندهٔ ما گردد ،بفرمان ما
تسلیم وگردن بگذارد .

مطلب ازکمین :

الف : مقصد ازکمین اسیرگرفتن ویا نابود کردن دشمن است که یک ودوویا چندین نفرمسلح دریک منطقه ویا دریک جای مناسب تعین شده جا بجا میشوند ووظیفه موردنظررا که برای شان سپرده شده منظم اجراء مینمایند .

ب : نفرها یا گروپیکه برای کمین انتخاب وتعین میشوند باید بالای خودحا کمیت داشته باشند وصفات مخصوصه با ایشان باشد :

۱- شجاع وجسور .
۲- بااعتماد ومطمئن .
۳- پشت کار ومقاومت .
۴- فهمیده وتعلیم یافته باشد .
۵- چست وچالاک وفعال درجای کمین ووظیفه .
۶- با سلاح عصری ومدرن مجهزباشند تا بتوانند با یک ضربه کوتاه دریک زمان کم دشمن راازپا انداخته وبه هدف برسند .

ملازمه نفرهای کمین :

۱- قبل ازکمین گرفتن ما بایدخودرا مجهز وآماده برای کمین گرفتن بسازیم .
۲- سلاح ومهمات جنگ را با خودداشته باشیم .

بوسیلهٔ روآوردگان وخوانندگان کتاب طبیعت وکتب انفس نه تنها روشن گرورا هگشای راههای پرخم‌وپیچ خودآنها پایان وحقیقت شناسان را هم متمتع گردانیده وطعم‌ولذتهای گوارائی از آن چشانیده .

امروزاگربشرازنظربرخورداری ازوسائل وابزار مترقی وپیشرفتهٔ زندگی یک سلسله‌نیازهای این جهانی اش را رفع کرده‌ودسترسی های درزمینهٔ اکتشافات وقوانین خلقی پیداکرده‌وبدان جهت خویش راازانسانهای پیشین متمایزمیداندکه باکشف یک چندقانون ازقوانین موجوددرجهان خودراصاحب آلات وابزاری می بیند ،بدون معنی نیست که انسانهای خارق العادهٔ پیداشده‌وازنظر ساختمانی فزیکی وامثال آن ازدیگران فرق دارند وچیزهای دیگربلکه‌همهٔ اشیاء وپدیده‌های مادی ومعنوی درصحنهٔ هستی ازجانب پروردگاروآفریدگار شان به‌ودیعت گذاشته‌شده .

استعدادهای نیرومندونهایت باارزش فکری ازیکسو وقوانین واصولمندی های طبیعی ومعنوی ازسوی دیگرپیوسته‌باانسان همراهی دارد ، مگرآنکه بخواهدبرای استفاده‌خوداززهریک آن کاربگیرد کاربردواستعمال صحیح هریک آن بالطبع همان نتیجه‌مطابق به‌مختصات خودش را میدهد .

۳ـ شاژورپر ،شاژورخالی ، اضافگی وفالتو.
۴ـ پتک ، چانته ، وادویه لازم.
۵ـ بیلچهٔ پورتاتیف .
۶ـ بی سیم درصورت امکان.
۷ـ مین ضدتانک ووسایط مین ضد پرسونل .
۸ـ سلاح ضد هوائی درصورت امکان .
۹ـ سلاح ضدتانک ووسایط .
۱۰ـ ملازمهٔ تدابیرکیمیاوی درصورت امکان .
۱۱ـ قیچی برای بریدن سیمخاردار.
۱۲ـ نان وخوراکه وتمام چیزهائیکه درکمین به آن ضرورت باشد .

الف : هدف ما خوردنمودن دشمن ،تخریب نمودن دشمن ، اسیرگرفتن دشمن وسرانجام منابودکردن دشمن میباشد ، که نفرهای کمین ،همیشه دراامتداد راه های عبورومرورکه دشمن خودرا ازآنجا اکمال میکندویا قوای تازه دم را جهت تقویه جبههٔ خودازآن راه ها میفرستند ،جابجا می شوند .

ب : پرسونل کمین بایددرجائی کمین اجراء کنندکه ازآتش سلاح ثقیلهٔ دشمن محفوظ باشند بطورمثال : دریک گولائی ،دره ویا تنگي ویا جرکلان که بین ایشان وسلاح ثقیلهٔ دشمن یک سپر ،یک بلندی ویاکدام موانع دیگرموجودباشدکه ازآتش مستقیم سلاح ثقیلهٔ دشمن محفوظ باشدوهمچنین راه

عقب نشینی وراه کما لات از عقب داشته باشد .

ج : درکمین افرادوپرسونل ما باید دریک نقطه ویا محل جا بجا نشوندنظربه مرقوماندان وهدایات مناسب نظامی وی نقاط مهم واستراتژیکی درنظر گرفته شودوافرادوپرسونل منفردانه باید جابجا شودوبصورت دسته جمعی داخل موضع نشوند ،زیرا خطرآن بیشتراست واگرازطرف دشمن کشف شدیم با یک ضربه از بین میرویم ونابود می شویم .

د : مادرکمین بصورت انفرادی ویا دونفری وقتی داخل موضع میشویم که اول ازآتش دشمن محفوظ شده بتوانیم وساحه آتش ما جای زیادرا دربر بگیردو با یک فیر دشمن چندین نفرما از بین نمی رود ، ودرصورت اصابت مرمی دشمن تلفات کم میدهیم ودشمن را زیاد تلف می سازیم .

ه : برادران کمین گیرنده ما اول باید که در چندین جای را که چندین خط قطار دشمن را دربر گیردخودرا مخفی وجا بجا کرده وموضع اخذنمایند وازموضع خودباوارد شدن قوای دشمن، آتش وفیر آغاز کنند ، درین اثناء دشمن وارخطاء ودست و پا چه شده ومعنویات خودرا می بازدوکنترول قوماندان آنها ضعیف میگردد .

و : مجاهدین کمین کننده ء ما خیلی کوشش نمایندکه ارتباط بی سیم دشمن با ارتباط افراد

آنها قطع ویا زبین برده شود که هروا حد قوای دشمن
درجای خود بدون قوماندہ وهدایت باقی بمانند
دراینوقت زمینهٔ سقوط آنها حتما " فراهم میگردد .

ز : وقتی ما در کمین گرفتن واجرای برنامه
جنگی ،دشمن را ضعیف ساختیم ،شرایط قوای خود
وقوای دشمن را درنظرگرفته ،بشکل ترا بله نظر به
هدایت وامر قوماندان ،گروپ وار ،منظم ،بشکل
ایجابی ،ترا بله با احتیاط کامل خود را بدشمن
نزدیک ساخته و پرسونل بمهای دستی ایکه دارند
همه با یک صدای " الله اکبر " بالای دشمن پرتاب
نموده وبا آتشباری خود دوامدادہ بطرف دشمن تقرب
وپیش میرویم تا دشمن مجبور ونا کام شده تسلیم شوند
ویا کاملاً از بین بروند .

ح : درحال جنگ وکمین گرفتن چیز مهم وارزشمند
برای مجاهدین ارتباط بین گروپها وفرا دمیباشد
که البته سبب موفقیت شان درجنگ شده خواهد
توانست .

ط : درختم کمین بعد از اجرای برنامهٔ جنگی
برقوماندان وسرگروپ لازم وضروری است که محل وجای
کمین را بررسی کرده تا کدام برادر شهید ،زخمی
ومریض باقی نماند ،درصورت بودن مریض ،شهید و
زخمی آنها را بجای دیگر نقل بدهد وبرای شان یاری
ومعاونت نماید تا درچنگ دشمن اسیر نشوند .

ظ : درووقت کمین گرفتن ودیگرا وقات جنگ قبلا" باید اشارات پروانه های قوای هوائی دشمن اشارات حمله پیاده دشمن ، اشارات حمله بالای تانک های دشمن ، اشارات عقب نشینی برای خودما اشارات قطع آتش ، اشاره شروع آتش ، اشارهٔ شروع گرفتن غنیمت ها واشارهٔ موفقیت ها تعین شود ، وبه افراد قطعهٔ منسوبه ما تفهیم وتلقین شود تا در بین ما سکتگی ونقصان رخ ندهد .

ص : درووقت کمین ودرووقت جنگ های دیگرا ول باید که اشاره ها تعین شود وبشکل های مختلف اشاره تصویب شود :

۱ـ ذریعهٔ بی سیم با تعین شفرخاص درصورت امکان بی سیم .

۲ـ ذریعهٔ تیلفون درصورت امکان .

۳ـ ذریعهٔ اشاره دست از یک نقطه نیرنگی .

۴ـ ذریعهٔ فلامه .

۵ـ ذریعهٔ خبررسان وتثبیت شدن اشاره های افراد کمین باید دانسته شده باشند ودروقت اجراء دچار مشکل نشوند وبا آسانی حل مشکل کرده بتوانند

ض : برای قوماندان وافراد کمین گیرنده لازم است که اعاشهٔ (۴۸) ساعته را با خود داشته باشند وافراد قسمی تربیه شوند که در هر نوع شرایط ازان راضی رفت وآمد کرده بتوانند ویا مقابل نداشتن غذا صابر

باشند ، درراه‌رفتن مقاومت داشته‌باشندوبا یک روحیهٔ بلندبرای پیداکردن غذا درهمان منطقه‌از نباتات وخزندگان وحیوانات استفاده‌نمایند .واز خوردن چیزهائیکه‌خلاف شریعت نباشدخودداری‌نکنند تا بتوانندهمان وظیفهٔ محوله‌که‌برایشان سپرده شده‌با عزم‌متین ، ایمان کامل وپشتکارقوی‌اجراء کنند .

ع : برادزان مجاهدما باید‌درزمین های هموار ودشتها ازگرفتن کمین جدا" خودداری نمایندواگر قدرت‌قوای دشمن کم‌باشدوضعیت را بررسی وعمل نمایند .

غ : کمین درحقیقت یک نوع محاربهٔ تعرضی است ووقتیکه‌جزوتام ،تعرض‌اجراء میکنندباید‌قوای آن سه‌چندویا دوچندقوای مدافع باشد ،حال آنکه قوای کمین بسیارکم‌وناچیزمیباشد ، با آنهم‌اگردر اراضی هموارباشد ،زودازبین میرود ،پس حتمی‌است که‌دراراضی هموارکمین گرفته‌نشودودرصورتیکه‌در جنگ دشمن دردشتها وزمین های هموارقرارگرفتیم درین حالت‌اضطراری ازآخرین قدرت‌خودبه‌هر ترتیبی که‌شده‌میتوانداستفاده‌کرده‌مجبورا "ازخود دفاع میکنیم .

ف : وقتیکه‌مجاهدین کمین میگیرندکوشش بسیار شودکه‌دراراضی ای کمین بگیرندکه‌چقری ونسبتا"

بلندی ها با شدورا ه‌قطارها ی اکمالات دشمن را مسدود نمائیم‌ویا مستقیما "بالای قطارها ی تعرضی دشمن حمله‌نمائیم ،با یدبه‌بسیار آگاهی وا حتیاط به ترتیبی خودرا داخل کمین گاه‌کنیم‌که‌به‌مجرد رسیدن قوای دشمن خودرا منظم‌وبا قوماندهٔ واحد آتش را بالای‌قوای دشمن شروع کرده‌وآنها را نابودسازیم .

ق : برای مجاهدین ضروریاست که‌بعدازختم اجرای برنامهٔ کمین همه‌با هم‌ازکمین گاه‌یک جا بطرف پایگاه‌حرکت نمایندوبشکل منظم‌وبا تدبیر امنیتی گروپوارکمین گاه‌را تخلیه‌وبه‌پایگاه‌خود بروندتا درمعرض خطرهوائی دشمن قرارنگیرند ،بسا اوقات ما دیده‌ایم که‌مجاهدین بعدازختم‌کمین دسته‌جمعی حرکت‌کرده‌اند ،ضایعات بسیار را زخود داده‌اندوتلفات را بعدازموفقیت‌اجرای برنامهٔ کمین متحمل شده‌اند ،بنا "برمجاهدین لازم‌است درصورت‌کامیابی ویا شکست دسته‌جمعی حرکت نکنند قوماندهٔ‌ونظم‌را درنظرداشته‌باشند .

ک : گروپ ها ئیکه‌دراثنای جنگ با کمین خوب جنگیده‌اندولی دربین خودانضباط ، نظم‌ودسپلین نظامی را مراعات نکرده‌اند ، درختم‌کارمغرورشده اندسرانجام با برخوردآنی دیگرشکست میخورند وبقای قدرت‌خودرا حفظ نمیتوانند .

شـــرا یـط کمیـــــن .:

۱ـ کمین درجا ئی گرفته شودکه را ه رفتن به کمین وبرگشتن ا زآنجا امکا ن دا شته با شدما نندگولائی ها دره ها ی پرخم وپیچ ،درختا ن بزرگ وغلو ، کوچه ها ی پرخم وپیچ ،دیوا رها ی لب سرک ، دریا چه ها ی لب سرک ، دا منه ها ی کوه ها ی پیش برآ مده بطرف را ه .

۲ـ کمین جا ئی گرفته میشودکه جا ی ترصد ودید خوب ، برا ی کمین گیرنده با شدودشمن را ا زآنجا بخوبی ببینیم ودشمن ما را بدیدا ول خوددیده نتوا ند

۳ـ کمین برا ی کمین گیرنده مسطوروپوشیده با شد زیرا درموقع خطروتغیروضع مجا هدین صددرصددرتحت آتش دشمن قرا رمیگیرنددرآ نصورت بتوا نندخودرا ا ز جا ی کمین بیک جا ی ا من ومطمئن برسا نندوا زخطر دشمن خودرا نجا ت دهند .

۴ـ مجا هدین درجا ئی کمین بگیرندکه را ه رسا ندن مهما ت وجبه خا نه با شد ،همچنین آ ب ونان قبلا" با خوددا شته با شند .

۵ـ موجودیت گروپها ی ذیل دروقت کمین گرفتن درمقا بل دشمن ضروری میبا شد .

ا لف : گروپ ترصد یا گروپ کشف بدست آ وردن ومعلوما ت ودیدن دشمن .

ب : گروپ ا منیت یا گروپ محا فظ یا دفا ع

ج : گروپ تعرض، هجوم ویا حمله

د : گروپ حمل ونقل که همه٬ این گروپها

دروقت حمله٬ کمین بالای دشمن وظیفه‌دارند که وظیفه٬ سپرده‌شده‌خویش را با جدیت ،صداقت ،پشتکار وصبرهرچه‌تمامتر بخاطرهدف مشترک انجام وظیفه واداى وظیفه‌نمایند .

۶ـ دروقت بازگشت ازعملیات ازکمین گلاه مجاهدین قبل ازافشاء شدن خویش راازدیدگاه دشمن برای یک الی دوساعت مخفی نمایندبه موفقیت ایشان می انجامد .

۷ ـ کمین درنقاط نیرنگی وبارزکه بدیدا ول دشمن آنجا را برای خودخطرداننسته‌ودیده میشود وهمین نقاط بارزرا هدف خودقرارمیدهدوتحت فیر وآتش میگیرند ، مجاهدین ازگرفتن کمین درنقاط نیرنگی وبارزافشاء شده‌جدا "خودداری نمایند .
زیرا به‌ضررمجاهدین تمام میشود .

۸ ـ مجاهدین درجائی کمین گیرندکه‌دراثر یک برخورددوالی سه‌ساعته‌درمحاصره٬ دشمن قرار نگیرندومجاهدین بعدازاجرای عملیات که‌طول عملیاتش نیم‌ساعت الی یک ساعت باشد ،زیادبه ، عملیات خویش‌ادامه‌ندهندوبعدازیکساعت جای عملیات رابگذارندوبیک جای امن مخفی شوند .

تـاخـت :

عبارت از یک حملهٔ ناگهانی وبی خبریست که بالای دشمن جا بجا ودرحال سکون یا شد حمله نموده آنرا خوردونابود ساختن است .

محل تاخت :

الف : درعملیات شبانه وروزانه مجاهدین با بدست آوردن همه معلومات های همه جانبه بالای، قرارگاه دشمن ، غنددشمن ،کندک دشمن ،ولسوالی دشمن ،محل میتنگ های دشمن ، مراکزمهم مخابراتی دشمن ، راکت های هوائی دشمن ، دافع هوای دشمن میدان هوائی دشمن ،رادیوی دشمن ،تلویزیون دشمن ، دستگاه برق دشمن ، فابریکه های تولیدی دشمن ،مرکزهواشناسی دشمن ، سینما وتیاتردشمن مجلس شادمانی وماتم دشمن ، حوزه های حزبی و منطقوی دشمن ،حمله می نمائیم تا دشمن خوردونابود شوند ، هشتادفیصد خطرناک ویا درصورت ضربه فنی ما صدفیصدبدشمن خطرناک تمام می شود .

وسایل تاخت :

ب : عبارت از تفنگ های اتوماتیک ،تفنگ های دورزن ، تفنگچه های اتوماتیک ،دهشکه های خفیفه دافع هوا ، بمهای آتش زا ، مین ضدپرسونل

مین ضدتانک ،پلاس وقیچی آهن بر ،چکش ومــــوا د غذا ئی ،مخا بره ها ی کوچک ،تیپ ها ی صدا دا ر ،بوت ها ی کف را بری ،لبا سها ی همرنگ ا را ضی ،چـــرا غ ها ی دستی ،را کت لاینچربا مرمی ا ش ، دا کترودوا ء کا ردویا شمشیرکه ا زوسا یل ضروری درصورت تــوا ن وقدرت ضروری میبا شدتا توا نسته با شیم دشمن را ا ز پا بیندا زیم وا ین عمل تا خت مجا هدین با روحیئــه همچوشیرغرا ن وبا عمل کردن پلنگ وبا ویـــرا ن نمودن گرگ شبا هت دا شته با شدتا همه دشمن را دریک محل ،دریک جا ی درتحت ترس ووحشت قرا ردا ده و ا ز دشمن برا ی خودووسا یل موردضرورت ،مهما ت ،موا د ا رتزا قی را با ندا زه قدرت خودا خذنما ئیم وبـــا لای دشمن سکون دفعتا " نا گها نی حمله نموده عملیـا ت خویش را با نجا م رسا نیم تا دشمن غول پیکررا بوحشت ا ندا خته سرنگو ن سا زیم ویا ا زصحنهٔ فعا لیت ومیدا ن جنگ ا خرا ج نما ئیم .

پهـــــــره یا پا ســـدا ری :

عبا رت ا زنگهدا ری ،

محا فظت ا زمحل یا چیزی سپرده شده ا ست که ما درآ نجا ما مورمیشویم ووظیفه دا ریم که تا آ خرین قـــــدرت وآ خرین رمق حیا ت خویش ا زهما ن جا ی سپرده شـده ویا شی سپرده شده نگهدا ری ودفا ع کنیم ،وبه کـــس حق ندهیم تا آ نجا ئی که شی را ا زا ختیا رما بیـــرون ،

آنچه از مسلمات است اشرگذاری هرکدام از اصول مندی مربوط بهر ساحهٔ زندگی .

اگر ما هربعد از زندگی خود مانرا با همان اصول وقوانین وضع شده و مربوط به آن وفق دهیم بدون شک آن نتیجه را میدهد که از قبل پیش بینی و تعین گردیده از نگاه عقیده وجهان بینی ما که البته یک نگاه حقیقی و یک درک مطابق به واقع هست ، هرآنچه تا امروز کشف شده و یا بعد از امروز کشف گردد ، مخلوق پروردگار جهان است ، هیچکس هیچ قانونی را نمی تواند بسازد و بر اساس آن حرکت نماید بلکه همه ساخته شده و آماده ٔ بهره برداری و استفاده و در انتظار استفاده کننده است ، اینکه از آن استفاده درست و جائز می گردد و یا عکس آن این مربوط به استفاده چی است ، برق را کسی نه ساخته و قانونی وضع نکرده که با تطبیق آن برق تولید شود . برق قبلا" وجود داشته در جملهٔ مخلوقات خداوند بوده اما تحقیق و مطالعه در حد امکان با لاخره بشر را قادر به استفاده از آن گردانیده است اینکه از آن چه استفاده ، و در چه جهت استفاده میگردد ، باز هم مربوط به انسان وجهان بینی انسان و موضع گیری مطابق به جهان بینی آن است .

برای خوب انسانی زندگی کردن بشر هم در زمانها و دوره های مختلف بشر قانون فرستاده شده و از انسانها

نماینند .

شرائط پهره‌داری :

۱- پهره‌دار در وقت نگهداری وپهرهٔ خویش عملی را اجراء ننماید که باعث افشاء شدن پهره‌دار شود

۲- چراغ روشن نشود ، صدا وغالمغال صورت نگیرد .

۳- ارتباط پهره‌دار از نزدیک بطرف دور واز دور بطرف نزدیک بشکل دیدن وگوش کردن باشد وارتباط نظری وگوش کردن را با دیگر پهره‌داران دایم برقرار داشته باشد .

۴- پهره‌دار جز به پهره‌دار مابعد خود بدیگر کسی سلاح خویش را تسلیم ندهد .

۵ - پهره‌دار بدون شناخت قبلی وفوری شخص نووارد را بداخل ساحهٔ پهره‌داری خود حق ندهد که داخل شوند ویا خارج شوند تا اینکه با جازه پهره‌دار ، صورت نگیرد ، دیگر کس حق ندارد جازهٔ دخول ویا خارج را بکس بدهند .

۶ - بدون اسلام معرفت هیچکس حق ندارد داخل منطقه پهره‌داری پهره‌دار شوند ، اگرچه صاحب منصبان وآمرین خود پهره‌دار باشند ، باید اسم معرفت داشته باشند تا اجازهٔ دخول وخروج را اخذ کرده بتوانند .

نـــوت :

پـهره‌دا رهیچگا ه‌درموقع روشنی قـــرا ر
وآ را م‌نگیردودرمحل نیرنگی وا فشا ٔ شده‌به‌پهـــــره
ا یستا دنشود ، جا ئیکه‌ا یستا ده‌میشود ، پهره‌دا رموضع
مستحکم‌دا شته‌با شد .

۷ ـ نزدشخص پهره‌دا روقتی که‌شخص نووا رددا خل
منطقه‌میشودا زفا صله‌ٔ شش متردرحا ل عا دی ا یستـــا د
با ش (دریش) گفته‌شودودرحا لت ا ضطرا ری وخطـــــر
ا زفا صله‌ٔ سه‌صد مترشخص نووا ردبطرف قرا رگـــــــا ه
مجا هدین نزدیک نشود .

۸ ـ تفنگ پهره‌دا رقبلا" درحا لت ا ضطرا ری پرـ
کردگی ومرمی تیرشده‌گی بدا خل میل با شدوتفنـــگ
حا ضربه‌فیربطرف شخص نووا ردویا دشمن آ ما ده‌با شد .

۹ـ شخص نووا ردبدفعه‌ٔ ا ول قوما نده‌ٔ پهره‌دا ررا
با یدقبول کندوا یستا دشودوا سم‌معرفت ا زطـــــــر ف
پهره‌دا رخوا سته‌میشود ،شخص نووا ردا سم‌معرفت رابدهد

۱۰ـ ا گرشخص نووا ردبدفعه‌ٔ ا ول ا سم‌معرفـــت را
برا ی پهره‌دا رندا د ، پهره‌دا ردومرتبه‌ٔ دیگربـــــا
گرفتن موضع که‌سدوسنگرمحکم‌با شدبرا ی شخص نووا رد
ا سرا رکند ، ا سم معرفت را بدهد ، ا گرا سم‌معـــرفـت
را دا دشخص نووا ردخوب ودرغیرآ ن جا بجا زده‌شود .

۱۱ـ پـــهره‌دا را زشخص نووا ردا سم‌معرفت را آ هسته
بخوا هدوشخص نووا ردآ هسته‌جوا ب بدهدکه‌بجزهمیـــن

دونفرکس دیگرآگاه نشود تا اسم معرفت افشاء نشود بخاطریکه اسم معرفت کلید را زهمین شب قطعه منسوبه می باشد و با افشاء شدن اسم معرفت خطر برای همه افراد قطعهٔ موجود می میشود .

۱۲- پهره داران در جائی پهره کنند که چها راطراف خود را بخوبی دیده بتوانند و از جای پهره داری خود آتش و فیر هم بالای دشمن کرده بتوانند .

۱۳- پهره داران در حفاظت اسم شب امین باشند به کسی حق ندارند اسم شب را بگویند به جز کسیکه در وظیفه با پهره داران شریک هستند ، در موقع خطر لزوما برای همکاران دیگر هم داده شود و در دیگر وقت ها به پهره دار ما بعد اسم معرفت توزیع و داده شود نه بکس دیگر .

۱۴- پهره داران افرادی در وقت پهرهٔ خویش حق ندارند کسی را تلاشی کنند ، شخص ما زاد و اضافه از پهره دار باید شخص نووارد و دیگر چیزهای تحت نظر را تلاشی نمایند و بررسی کرده از شخص نو وارد معلومات بدست بیاورند و بعداً " اجراآت قانونی که ایجاب میکند بنمایند .

۱۵- پهره دار در زنگهداری محل سپرده شده اشیای سپرده شده ، حق ندارد که در عوض چیزی دیگر را طور امانت در اختیار بیاورد و یا رشوه ستانی صورت گیرد و تبادله شی سپرده شده و جای سپرده شده ناجائز و غیر

قا نونی میبا شد ،پهره‌دا را ین را ننما یدوجـــرم را
مرتکب نشود .

۱۶- پهره‌دا ردروقت پهره ونگهدا ری خودهیچ‌نوع
عذروحیله‌وشفا عت‌خوا هی شخص نووا ردرا نمی پذیرد
وشخص نووا ردرا ا زمرزی که‌مربوط پهره‌دا را ســـت
کا ملا" تحت‌کنترول وقوما نده‌ٔ خودمی آوردوبعد ا ز
خودبه‌پهره‌دا رما بعدتسلیم‌میکندویا مستقیما "بمقام
صلاحیت دا رخویش‌شخص نووا ردرا می سپا ردوخودسرا نه
درحصه‌ٔ آزا دشدن وحبس‌کردن ا وا قدا م‌نمی کند .

۱۷- دشمن دروقت نگهدا ری ا زحریم‌شی سپرده‌شده
پهره‌دا رویا محل سپرده‌شده‌کوشش مینما یدکه‌پهره‌دا ر
را فریب بدهدوپهره‌دا ررا درتحت تا ٔ ثیرخودبیا ورد
بنا " پهره‌دا رهروقت متکی با خودبا شد ومطیـــــع
قا نون با شد ، طبق قا نون عمل نما ید .

۱۸- ا شتبا ه وسهودرپهره‌دا ری برا ی یک پهره‌دا ر
جرم‌ا ست ،بطورمثا ل : پهره‌دا ربه‌خوا ب بـــــرود
ا ینجا ست‌که‌ا زپهره‌دا ری شی سپرده‌شده وجا ی سپرده
شده ،نا توا ن می ما ند ، ا ما نتیکه‌درا خیا را وست
خیا نت می شودوا زا ختیا رپهره‌دا رمی برا یدوا یـــن
ا شتبا ه‌پهره‌دا رجرم نا بخشودنی ا ست .

۱۹- بخشیدن برا ی پـــهره‌دا را زشی سپرده‌شـــده
ومحل سپرده‌شده‌بدشمن وبیگا نه‌ا جا زه‌وجا ئزنیست
بخشیدن را حق ندا ردوچیزی را خودسرا نه‌به‌کســـی

ببخشد وخیانت را حاصل نماید .

۲۰- قبل از حاضرشدن خدمت ووظیفه بمرام وطرز فکر یک اندیشه ایمان داشتن وآن اندیشه را آگاهانه قبول کردن وبا اطمینان بخاطرحمایتش کربستن کار خوب واصولی میباشد ، پهره دارا ن باید از همین قسما فراد مطمئن موءظف شوندتا از پهره دارنا اهل ضربه نخوریم ،نباید ما ردرآستین ما باشد .

۲۱- پهره دارا ن قرارگاه ،مرکزیت مهمات سلاح کوت ، مخابرات ، رادیو ، تلویزیون وهرشی ارزنده ومهم ما بدقت باید انتخاب شوندودرشناخت گذشته اش دقت شود ،عقیده اش درنظرگرفته شود ،عملش محک گرفتن وظیفه اش باشد ،نباید کورکورانه پهره دارا ن ، انتخاب شوندتا ما دراجراءآت خود به عواقب خطرناک گرفتار نشویم .

۲۲- بهترین پهره دار درحصه نگهداری شی سپرده شده مردا ن موءمن می باشندکه دروقت خطراز حریم شي ومحل بخاطرعقیده وایمانش تا آخرین قدرت خود از آن دفاع ونگهداری مینماید .

۲۳- پهره داربا یدبیدار وهوشیار درحصهٔ نگهداری شي ومحل سپرده شده باشد ، اگرما پهره دارا ن فعال ،بیدار ،هوشیار ، کارکن داشته باشیم با اطمینان کامل وآرام گرفتن درمحل خودمقاومت کرده میتوانیم

۲۴- پهره دارا ن باید وصاف ذیل را دارا باشند

جوربا شند ،کورنبا شند ،زبا ن دا شته‌با شند ،گنگ، نبا شند ، تا همه‌چیزرا ببینندوبیا ن کرده‌بتوا نند ودرحصه‌شنا ختن خودوبیگا نه‌موفق با شند .

۲۵- پهره‌دا را ن را زفهم ،را زدا ر ، متعهد بیک طرزوفکرا نقلابی حیا تی ا ستوا روا یما ندا ربا شند ومطا بق ا صول ا سلام‌عقیده‌وا یما نش به‌ا وحکم‌بکنند که‌شی ا ما نت همچون نا موس‌ا وست ونگهدا ری ا ش بر با لای ا ووا جب می با شد .

نوت :
نگهدا ری به‌معنی وا قعی کلمه‌قیمت دا دن وا رزش دا دن به‌عقیده‌وا یما ن .

سپر :
عبا رت‌ا زما نع یا سدیست که ما را ا زآتش دشمن ودیددشمن محفوظ میدا رد ،ما نند دیوا رها ئیکه‌مرمی ا زآن عبورنکند ،پلوا ن ها ی زمین ها ، درختا ن بزرگ وتنه‌دا ر ،موضع ها ی مستحکم ،تپه‌ها ی بلندوبا ا رتفا ع .

تا مسپر :
عبا رت‌ا زسد یا ما نع ا ست که‌ا زدیدهوا ئی وزمینی ما را نگهمیدا ردما نند خا نه‌ها ی کا نکریتی ،سوف ها ی ا رتبا طی چندین راهه کا نا ل ها ی چندین را هه .

ا لف : تا مسپرما را ا زفیروآتش سلاح پیا ده

دشمن وديدآنها محفوظ ميدارد .

ب : تا مسپرما راازچها رجهت ازتعرض سلاح های ثقيلهٔ آنها محفوظ ميدارد .

ج : درتا مسپربايدجای ديدوترصدبرای افراد موجودباشدکهازآنجا خوبتردشمن را ديده وبالايش انداخت صورت گيرد ، ومطمئنا نه مقاومت کرده بتوانند .

نيم سپر :

عبارت ازسديا مانعی است که بصورت مکمل ازآتش دشمن ما را محفوظ کرده نتوا ندوتنها نيم تنه ما راازآتش دشمن محفوظ کرده بتوانند ،ما ننندجويچه های لب سرک ها ،پلوان های زمين ها ، ديواربا غها ، تنه درختان ،سنگ های کوه ها ، تپه های باارتفاع وديگرسديکه مانع آتش خفيفه دشمن باشد .

۱ـ چيزيکه انسان راازترصدوآتش دشمن محافظه ميکندسپرنا ميده ميشود .

موضع :

عبارت ازجائی است که ما در آنجا قرارميگيريم خود ،سلاح ،مهمات خودرا درآنجا جابجا کرده وازآنجا بالای دشمن آتش کرده بتوانيم وبشکلهای مختلف درارا ضی موضع گرفته ميتوانيم

الف : موضع ولار (ايستاده) عبارت از ،

آن موضعیست که‌سدیا ما نعش از زیکنیم‌مترشروع الی دومتربا شدکه‌درین وقت ما با یدا یستا ده‌مقابل دشمن بجنگیم‌ومانع که‌مقابل ما وجوددا ردما را از آتش دشمن محفوظ کرده‌خوبتربالای دشمن فیروآتش کرده‌میتوانیم.

ب : موضع نشسته : عبارت از آنجا ئیست که‌سدیا ما نعش از (۷۵)سانتی مترشروع وتا (۱۳۰) سانتی متربرسد، بشکل خم‌خم،چارغوک ،نشسته‌بلند نشسته‌پست ، میتوان از عقب مانع بخوبی استفاده کردواز آنجا بالای دشمن آتش نموده‌ودرهرشرایطی که‌قراردا ریم، تابع آن شرایط اراضی عمل واجراءآت مینمائیم.

موضع پروت ویادرازکشیده :

عبارت ازجائی است که‌سدیا مانعش از (۱۰)سانتی مترشروع‌تا (۴۰) سانتی متربرسدودرحالت اضطراری درزمین های هموارپروت بخوبی ما راازفیروآتش اول دشمن محفوظ نگهداری کرده‌میتواندوبعدا "جای پروت اول تغییربخوردویابجناح راست ویاجناح چپ غلطاندده‌شودتاازدیددشمن برآمده‌وبه‌آسانی دشمن ما راازبین برده‌نتواند.

شرایط موضع :

الف : موضع ها عموماً باید ارتباط نظری با همداشته باشند تا در وقت آتش و فیر دشمن ما بتوانیم، دوست خویش را دیده و با آنها معاونت کرده بتوانیم، و هم جنگ با آهنگ بالای دشمن ادامه بدهیم.

ب : موضع ها بین خویش را ه ارتباطی داشته باشند تا در موقع خطر برای افراد لازم است که به سرعت جای را اشغال کنند و هم پیش روی شان سپر باشد که دفعتاً " تحت آتش دشمن قرار نگیرد و هم از آنجا فیر کرده بتوانند.

ج : برادران مجاهد کوشش نمایند که دو نفر در یک سنگر در حال جنگ پهلوی همدیگر قرار نگیرند تا هردو بیک ضربه دشمن از بین نروند، فاصلهٔ بین افراد از ۸ الی ۱۰ متر دور و نزدیک نباشد :

د : مجاهد وقتی که داخل موضع میگردد کوشش کند تا به استقامت دشمن موضع را اخذ نموده و ارتباط نظری را از دشمن قطع نکنند.

نوت : بصورت عام جائیکه انسان حرکات محاربوی را عملی و اجراء مینماید موضع گفته میشود.

هـ : موضع گرفتن :

موضع گرفتن عبارت از جائیست که به قوماندهٔ قوماندان هر نفر کوشش،

میکندکه به بسیا رسرعت یک جا ی فیروآتش را بخود
انتخاب کندکه پیشروی آن یک سپروا قع با شد که
بوا سطهٔ آتش دشمن ازبین نرود ، دروقت گرفتن
موضع باید دقت شود دونفردریک موضع نباشد .

و : زمانی که موضع مجاهدین از طرف دشمن کشف
گردید ،بوا سطهٔ یک فیردونفرازبین میرود ،بنا "
موضع باید باستقامت دشمن باشد وفاصلهٔ بین مجاهد
ازیک مترتا ده مترباشد .

ز : موضع ولار یا موضع ایستاده :

موضع ولاروقتی
ما گرفته میتوانیم که پیشروی ما مانع دومتری باشد
وازعقب آن ما بتوانیم مقاومت را آغاز نمائیم .

موضع نشسته ((زنگونگزد)):

وقتی انتخاب میشودکه ازحالت ولارازطرف دشمن ما
دیده شویم ودرین وقت سپررا درنظرگرفته موضع نشسته
را اخذمینمائیم .

موضع درازکشیده یا پروت :

این موضع ازده سانتی مترشروع تا چهل سانتی
مترباشد ، این وقت ما پروت مینمائیم که ازحالت
نشسته جنگیده نمیتوانیم .

نوت : درشرایط جنگ پیاده وجنگ زمینی ما

دعوت گردیده تا زندگی شانرا درهرساحه مطابق به همان قانون عیارسازند. انسان فطرتاً طوری خلق شده که بسوی علم ودانش جدوجهد نماید والبته این یک استعداد است درو جود او، ومساعدت وزمینه سازی از جانب خداوند.

بعداً انسان باز هم مورد لطف وبخشش قرار گرفته وبزرگترین سرمایه دیگریکه نظم وبهبودی زندگی بآن مربوط است وبا استفاده از آن برای جهت یابی بسوی هدف ومقصود از خلقت وزندگی می توان استمداد نمود وتعیین راه کرد عطیه داده شده وآن عبارت از خرد وعقل است، علاوتاً بخاطر هدایت ورا هنمائی بیشتر همین انسان قانون نهایت کامل وسازنده، برایش ارسال داشته شده، قانونیکه درر ابطه با همهٔ مسائل چه جزئی وکوچک وچه کلی وبزرگ، چه فردی وخانوادگی وچه قبیلوی واجتماعی، چه مادی وچه معنوی هدایت روشن وعالی ای دارد، هرگاه در ساحهٔ از زندگی از آن هدایت گرفت وبرطبق رهنمود های آن حرکت نمود یقیناً درراهیکه در همان قانون بنام صراط المستقیم خوانده شده قرار خواهد گرفت.

درقانون آسمانی (قرآن) برای انسانهای مؤمن بآن، دستورداده که طلب علم نمائید وهمه کارها وهمه مسائل را در روشنائی علم مورد بررسی وتحلیل قرار دهید وهرآنچه همان علم مربوط بهمان کارویا

مطلق تابع اراضی بوده وبا درنظرداشت اراضی موضع برای خودتعین کرده میتوانیم نظربشرایط محیطی اراضی موضع ولار، نشسته وپروت رااخذمیکنیم.

جنگ دراراضی کوهسار :

اراضی کوهسار عبارت از اراضی است که دارای کوه های متعددوبا رتفاع های محتلف بوده که برای تعرض ومدافعه بهترین اراضی میباشد.

الف : خصوصیات کوه ها : کوه ها بشکلهای مختلف بوده مثلا" کوهی که ما میخواهیم آنجا بالاشویم مثل دیوار راسا" بلندشده که درین نوع کوه ها بالا وپائین شدن بسیار مشکل است ،جنگ درکوه قرع وشخ همیشه به مشکل صورت میگیرد.

ب : جنگ درکوه های مایل : درین نوع کوهها بالاوپائین شدن آسان است وبرای جنگ تدافع خوب میباشد ،بشرط آنکه از عقب کوه را ه بالاشدن ودخول دشمن موجودنباشد یعنی تانکها وزرهپوشهای دشمن از عقب کوه آمده نتوانند.

ج : اگرکوه ها پشت سرش هموار روبالای سرش هموار وراه آمدن ورفتن تانک های زرهپوش ها موجودباشد درروی کوه یا پیش روی کوه جبهه گرفتن مجاهدین غلط است که با شروع شدن جنگ درتحت تاءثیرآتش دشمن قرارمیگیرند ،بنا" موضع جائی گرفته شود

که از طرف عقب مجاهد در محاصرهٔ دشمن قرار نگیرد وپیش روی مجاهد سدیا مانعی باشد که مجاهد را از تاء ثیر آتش دشمن محفوظ نماید .

د : مجاهدین درکوه ها درجائی سنگر و موضع بگیرند که سلسله کوه های کن توسط کوه های گردنه ویا پشته با هم وصل شده باشند واز عقب برای دشمن راه بالاشدن وآمدن بطرف مجاهد نباشد وامکان دخول شدن قوای دشمن به نفع دشمن نباشد ، درکوه های یکه وتنها آنجا از گرفتن موضع همیشه خودداری شود .

ه : کوه های سلسله دار وگردنه دار با هم وصل که از یکطرف امکان بالاشدن وموضع گرفتن است ومجاهدین درهمین جهت قرار دارند برای جنگ وکمین گرفتن وحتی پایگاه ،قرارگاه جای مناسب وخوب می باشد بنا " مجاهدین زیاد کوشش نمایند که دشمن را درصورت موجودیت همین نوع اراضی تحت تعرض خود قرار بدهند ،موفقیت به نفع شان تمام میشود .

ترتیب حرکت دراراضی کوهسار :

۱ــ دراراضی کوهسار قبل از فعالیت جنگی برای افراد آن مهم است که تعلیم وتربیه نظامی را دیده باشند .

۲ــ به دوش های دوامدار یکساعته ،دوساعته عادت داشته باشند .

۳ـ کماندوی خوب بوده باشند با همه وسائل نظامی آشنائی داشته باشند، بکس و مشت زدن را تمرین نمایند.

۴ـ استقامت وجهت را خوب پیدا کرده بتوانند.

۵ـ ترتیب جابجا شدن افراد وسلاح را همه افراد جزوتام باید یاد داشته باشند.

۶ـ ترتیب بالاشدن وپائین شدن از کوه ها را دیده ویاد داشته باشند.

۷ـ ریسمان در کوه ها از ضروریات یکنفر مجاهد میباشد که با خود داشته باشند، ودرصورت بودن زینه قاطکی با خود داشته باشند.

۸ـ بوت های کف رابری برای مجاهدین که در کوه ها میخواهند با دشمن بجنگند باید در پاهای شان باشد تا به آسانی در کوه بالا وپائین شده بتوانند بوت های میخ دار وکف چرم در کوه برای مجاهدین خطرناک تمام میشود.

۹ـ سلاح وملازمه ولباس که در اراضی کوهسار برای یک گروپ ویا فرد ضروری می باشد قرار ذیل است:

الف: تفنگ ماشیندار یا اتوماتیک معه مهمات آن.

ب: سلاح ضد تانک وزرهپوش که امکان دارد توسط طیاره، هلیکوپترها، تانکها جابجا شده باشند، راکت وسط (آر، پی، جی، ۷) ضروری است.

ج : سلاح دافع هوا که تحت تاثیر آتش هوائی دشمن قرار نگیرند .

د : بمهای دستی تعرضی ودفاعی هرفرد از افراد گروپ .

هـ : هاوان های کوچک وهاوان های بزرگ در صورت امکان .

ملازمه وضروریات برای مجاهدین :

۱ـ بیل های سنگرکنی وبیلچه های پورتاتیف با کلنگ ،تیشه ،وزاغنول .

۲ـ ریسمان ،میخ ،برمه زمین کنی سبک .

۳ـ بی سیم درصورت امکان ، دوربین دستی قطب نما ، تبر ،اره ،پتک ،ادویه وداکتر ،خیمه های بزرگ وخیمه های پورتاتیف کوچک .

ز بـه ترتیبی که مجاهدین درکوه ها جا بجا میشوند قرار ذیل است :

۱ـ قبل از موضع وسنگرگرفتن مجاهد باید در چندین خط بشکل قدمه دار ودندانه دار ومثلث جا بجا شوند وهمه دریک صف قرار نگیرند تا در وقت آتش وفیر دشمن اساسات انداخت آنها بر مجاهد تطبیق نشود وبه فیر اول آنها مجاهدین از بین نروند .

۲ـ خط اول ،خط دوم ، خط سوم ،بهمین ترتیب بشکل دندانه دار به فاصلهٔ ده متری پهلو وعقب یکدیگر

قرارگیرندوجابجا شوند، اگرده نفرمیباشند، سه نفر آن درخط اول بفاصلهٔ ده متریا زیاده ترازده متر موضع بگیرندوسه نفردرعقب آنها قراربگیرندوسه نفر دیگرپشت سه شش نفرقراربگیرندویک نفر حالت مترصد را باخودداشته باشد، دشمن راازهوا وزمین ترصد نماید.

۳ـ مجاهدین وقتیکه درکوه ها ویا تپه ها سنگر وموضع اخذمینمایندکوشش زیادکنندکه شاهراه های عمومی قبل ازآمدن قوا بقسم فنی مین گذاری شود تا قطارهای جنگی دشمن وراه اکمالات آنها مسدود شده ودرصورت آمدن قواء بالای مین ازبین بروند.

الف : مین ها ازموضع خودما بایدبفاصلهٔ سه صد متردورفرش شوند.

ب : مین ضدتانک ومین پرسونل درقدمهٔ اول ـ بایدنزدیک راه وسرک فرش شود.

ج : سلاح دافع تانک ما بایدقبلا" نزدیک سرک جابجا شودوازفاصلهٔ پنجاه متری کمترموضع دافع تانک یعنی سلاح راکت لاینچر (آر، پی، جی۷، وآر، پی، جی ۲) نباشد.

د : دروقت کمین وحمله بالای دشمن تمام مجاهدین ،افرادوپرسونل ووسائل بایدستروا خفاء باشندوما بایدجائی موضع بگیریم که سپرموجودباشد تا ازتاء ثیر پارچه های توپچی دشمن وسلاح خفیفه

آنها یک اندازه محفوظ باشد و هم راه عقب نشینی برای ما باشد.

ه : موضع وسنگر در جائی که نقطه نیرنگی باشد یا دیگر فته نشود که به راول از طرف دشمن کشف میشود.

و : گروپ ها درکمین و در جنگهای جبهه وی تلاش نمایند که ارتباط بین آنها موجود باشد تا به یاری یکدیگر رسیده بتوانند و هم ارتباط نظری بین دوست و دشمن شرط ارزنده ٔ جنگ بخاطر ادامه جنگ برای مجاهدین میباشد.

ز : قبل از رسیدن دشمن به منطقه دوست باید راه ها کنترولش در نظر و پلان مجاهدین جا داده باشد تا در موقع خطر با اطمینان خاطر توانسته باشند با دشمن بجنگند.

خ : مجاهدین در سه کیلومتری راه یک خبررسان داشته باشند و به ترتیب در تمام منقاط ساحه مربوطه ٔ خویش پوسته های امنیت را جا بجا کرده و ارتباطات دائروی در خود ساحه تحت نفوذ خود داشته باشند و در صورت شروع جنگ قبل از جنگ همه با خبر شوند و آمادگی جنگ را بگیرند و با مقابله شدن دشمن توانسته باشند که غافل گیر نشوند تا به آسانی از بین نروند.

ط : اسم معرفت در تمام ساحه ٔ تحت قوماندہ باید از مرکزیت توزیع شود و به همه گروپ ها بوقت معین

برسدوبه‌اشخاص مسوول سپرده‌شودواشخاص درنگهداری اسم‌معرفت امانت داربا شندواسم‌معرفت کوشش شود تا بدست دشمن نیفتد*درصورت افشاء شدن اسم معرفت ،اسم‌معرفت جدید انتخاب شود .

ظ : وقتیکه‌ما دریک جای موضعاً خذکردیم‌برای، ما راپورآمدن قواء دشمن رسیدما فوراً "آماده‌ء آتش وحمله‌بالای دشمن باشیم‌وبرای قوای دشمن وقت بدهیم‌که‌بداخل تنگی وسلسله‌کوه‌های مربوط ماشوند وازموضع ما بگذرندتا به‌منطقه‌ایکه‌مین فرش کرده‌ایم‌برسند .

ع : اینجا یک تعدادتانکها توسط مین ماازبین میروندویک تعدادتانکهای دیگرتوسط گروپهای راکت لاینچرما ویکتعداددیگردرحفرهائیکه‌آنرا ،خس پوشک کرده‌ایم بغلطندمتباقی تانکها وزرهپوشها وافرادپیاده‌دشمن را بایدمجاهدین ضربه‌بزنندتا جان بسلامت نبرند ، نابودویااسیرما شوند .

غ : اگرچندتانک دشمن توسط مین ،راکت لاینچر وخس پوشک ازبین رفت برای متباقی قوای دشمن قوماندتسلیم‌شویدداده‌شود ، تا تسلیم‌شوندتاآنها را زنده‌بگیریم ،خوب میشود ، ودرغیرآن بدشمن وقت فعالیت داده‌نشود ،نتیجه‌اش منفی میباشد .

ف : وقتیکه‌یک تانک ویا زرهپوش دشمن تخریب میشودوموضع ماافشاء نشده‌کوشش شودکه‌موضع راافشا

نسا زیم‌ودرهمین وقت دشمن ا زوسا یط وتا نک خــود
دیدن می کنندوا طرا فش‌جمع میشوند ،با ردوم‌وقتی
منا سب برا ی ما ست که‌با لای افراد جمع شده‌دشمن فیروآتش
نما ئیم ،دسته‌جمعی ا زبین بروند .

ق : درصورتیکه تانکها ی دشمن پی درپی می‌آیند
سلاح ها ی ضدتا نک مجا هدفورا " پرده‌آتش را تشکیل
کنندوبا سرعت آنها را محووتخریب نما یندوا گرا مکان
دا شت شرا یط فرا ردشمن را محدودسا زندکه‌دشمن
عقب نشینی کرده‌نتوا نند .

ک : بندسا ختن را ه‌ا مکا نا تش درنظرگرفته‌شود
ا زویرا ن نمودن پل ها ی‌بزرگ ،لولیدن سنگهای
بزرگ ا ستفا ده‌شودوهم‌درطول را ه‌مین وبا روت بـا
ا فرا دکومکی جا بجا شوند .

ل : تما م‌ا فرا ددروقت حمله‌قوا ی هوا ئی دشمن
تا م‌ستروا خفاء با شندوا گرسپر موجودبود ،تا م سپر ،
بگیرندوهیچکس حق حرکت کردن بی موردرا ندا رد و
کوشش شودکه‌ا رتبا ط بین مجا هدین برقرا ربا شد .

م : د روقت حمله‌هوا ئی دشمن سلاح ها ی جلادا ر
سا عت مخفی با شدوحتی ا فرا دستروا خفاء شود .

ن : دروقت تعرض قوا ی هوا ئی دشمن با یـد
مستقیم‌بطرف طیا را ت ا زقبیل هلیکوپترها ،میگ ها
جیت ها وطیا را ت میرا ژ نبا یددیده‌شودکه‌جبهه‌جلادا ر
مقا بل طیا را ت دشمن معلوم‌میشودوما را تحت آتش

خودقرا رمیدهندبا یدا رتبا ط کنج چشم را با طیا را ت برقرا رسا زیم .

ی : ا گرهلیکوپترها وجیت ها درحا ل پروزا پست خودبا لای موضع‌ما می آیندبا همه‌سلاح دست دا شته با لای طیا را ت فیرشود ،بکدا مجا ی ا سا س ویا به‌بدن پیلوت ا صا بت می کند ،شا یدهیلیکوپتر وجیت ها سقوط کند .

نوت :

۱ـ همیشه‌مجا هدین کوشش‌کنندکه‌درنقا ط با رز ، حا کم‌وسرسرکوه‌ها تحت نفوذ ومنطقهٔ خودپهره ا یستاده نما یندتا دشمن قوا ی پرا شوتی خودرا پا ئین نکنند ونقا ط حا کم‌را ا زما نگیرند .

۲ـ ا گرسلاح دا فع هوا چندمیل دا ریم ،درنقا ط حا کم‌درعقب آ ن دا فع هوا ی ما جا بجا شودومجا هدین آ نجا سنگربگیرندوبا مجردرسیدن قوا ی هوا ئی دشمن فیروآتش‌شروع شود ، قوا ی هوا ئی دشمن فعا لیت کرده‌نمی توا نند .

وشرط محا فظت دا فع هوا ی ما آ نست که‌ا فرا دپیا ده ما موضع ها ی مستحکم حفرکرده‌با شندوخندق ها ی ا رتبا طي را کنده‌با شندتا ا زتعرض هوا ئی دشمن به ا من بما نندویا ستروا خفا ء شده‌بتوا نند ،ا مکان دفا ع سلاح هوا ئی ما می با شد .

۳ـ مجا هدین درموضع سنگرگرفتگی خویش ضربه

وفشار بالای دشمن پی درپی وارد سازند تا قوای دشمن را ضعیف نموده و دشمن بخاطر بقای خود کار کرده نتوانند، اینجاست که شکست میخورند.

نوت :

خیلی ها کوشش شود و احتیاط صورت گیرد، قوائیکه تسلیم به مجاهد میشوند از حیله کار نگیرند و چانس و نیرنگ را پیشه قرار نداده باشند، ما را از نزدیک ضربه نزنند، قوای تسلیم شونده دشمن باید قومانده ما را در حالت تسلیم شدن خویش بپذیرند، اول سلاح از احتیاط آنها برآید و در احتیاط رما قرار بگیرد و بعداً بیک جای امن آبرومندانه عساکر تسلیم شده جابجا شوند، البته طریق گرفتن سلاح از دشمن قسمی باشد که مجاهدین قوماندهٔ صادر می نمایند، سلاح را بگذا ـ رید، دست های تان بالا باشد وخودتان بیست متر دور بروید بعداً" مجاهدین سلاح را جمع کرده بطرف عساکر پیش بروند.

۴ ـ سلاحهای مجاهدین قسمی جابجا شود که در وقت انداخت بالای دشمن از تمام مساحه نفوذی خود از تمام پرسونل خود حفاظت کرده بتوانند و سلاحهای هاوان بفاصلهٔ دوکیلومتر در عقب جبهه جابجا ء شود، سلاحهای دافع هوا همیشه در عقب تپه ها وقله های بلند کوهها جابجا شوند.

۵ـ مجاهدین تلاش نمایند تا درپرده دود و غبار

موضوع رهنمائی می نمودبا ساس آن عمل نمائید .
همچنانکه طبیعت وجهان وهم انسان وزندگی آن
متشکل از زوایا ، ابعادوساحه های مختلف میباشد
دانش ومعرفت هم ازشعبات وشاخه های متعددتشکیل
گردیده شامل ودربرگیرنده تمام پدیده ها وموجودات
جهان هستی میباشد .
معلومات وبینش یعنی راه مطالعه حقیقی وصحیح
هرپدیده از جهان هستی یگانه وسیله شناخت پدیده
هاست ، یکی از خطرناکترین منابع زشتی ها ومشکلات
بشرعدم معلومات از همان پدیده ها ویا غلط وغیر
حقیقی دیدن آنهاست .
آنچه از زمره فریضه های بسیار ارزنده اسلامی برای
مسلمان شمرده شده کسب دانش ومعرفت درباره جهان
وپدیده های متشکله آن درحدتوان است .
لهذا هم بحکم نیاز بشر به علم ودانش وهم بخاطر پیروی
واطاعت از عالم حقیقی (خداوند "ج") وهم بخاطر
گریزاز گزندوآزار ناشی از جهل وبی دانشی انسان
راست ،تا با خواسته فطری اش (تمایل بسوی علم)
هم آهنگ گردیده نیاز خودرا به هرشعبه از دانش وعلم
تعین ودرهمان ساحه یکه درد رجه اول به آن احساس
ضرورت میگرددد رقدم اول وبه همین ترتیب درقدم
های دوم وسوم و . . . کسب معلومات نموده وبوسیله
آن زندگی دوجهانی خودرا تنظیم بخشد .

دشمن د محاصره کښې



تالیف: محمد بلال "نیرم"